

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# جمال بی مثال

سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم در کلام معصومان علیہم السلام

محمد مهدی حائری پور

جمال بی مثال / حائری پور، محمد مهدی؛ ۱۳۴۸ -  
سیمای امام مهدی علیه السلام در کلام معصومان علیهم السلام / محمد مهدی حائری پور - قم:  
انتشارات مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۳.

ISBN 978 - 600 - 5073 - 45 - 4.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیما.  
کتاب نامه.

۱. امام شناسی، ۲. مهدی شناسی، ۳. غیبت و انتظار، ۴. ظهور - الف. انتشارات  
مؤسسه آینده روشن. پژوهشکده مهدویت. ب. عنوان.

436/689

BP550/3/7 و

ب ۱۳۹۳



## جمال بی مثال؛ سیمای امام مهدی علیه السلام در کلام معصومان علیهم السلام

نویسنده: محمد مهدی حائری پور  
حروف نگار: ناصر احمد پور  
صفحه آرا: علی قنبری  
طرح جلد: ۱. اکبرزاده  
ناشر: مؤسسه آینده روشن  
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳  
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد  
بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۳-۴۵-۴  
مرکز پخش: قم، خیابان صفاییه، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۹۰۲

توضیح: شعر پشت جلد از غلام حسین یوسفی (ناقوس) می باشد.

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

این تلاش ناچیز را به محضر مولای کریم که میزبان بزرگ عالم وجود  
است تقدیم می‌کنم و نیز به حضور مادر بزرگوارش حضرت فاطمه  
زهرا علیها السلام که بزرگ منتظر و چشم به راه اوست و چشم ما در دو عالم به  
عطای اوست .

یادگار آخرین فاطمه

نام تو نقش نگین فاطمه

ای نگار نازنین فاطمه

نام زهرا بهر قرآن شد نگین



## فهرست

مقدمه ..... ۱۳

### بخش اول: امام شناسی

فصل اول: ضرورت وجود امام ..... ۱۹

نکته‌هایی از روایات ..... ۲۵

علّت نیاز به امام ..... ۲۵

امام به انتخاب خدا ..... ۲۶

امام، مظهر لطف الهی ..... ۲۷

امام ظاهر یا غائب ..... ۲۸

فصل دوم: ضرورت شناخت امام ..... ۳۱

نکته‌هایی از روایات ..... ۳۴

اهمیت شناخت امام ..... ۳۴

مفهوم امام شناسی و جایگاه آن ..... ۳۵

مصدق امام کیست؟ ..... ۳۶

فصل سوم: روایات دوازده امام ..... ۳۷

روایات ..... ۳۸

نکته‌هایی از روایات ..... ۴۱

پیامبر و مسئله جانشینی او ..... ۴۱

- ۴۱..... جایگاه عترت پیامبر.....
- ۴۲..... کشتی نوح و باب حظه.....
- ۴۴..... معرفی امامان توسط پیامبر ﷺ.....

### بخش دوم: مهدی شناسی

- ۴۷..... فصل اول امام مهدی ﷺ در قرآن.....
- ۵۰..... نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن.....
- ۵۶..... نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن.....
- ۵۹..... توضیحی درباره جایگاه آیه.....
- ۶۱..... نکاتی پیرامون آیه شریفه و روایات آن.....
- ۶۵..... فصل دوم: حسب و نسب شریف امام مهدی ﷺ.....
- ۷۲..... نکته‌هایی درباره روایات.....
- ۷۷..... فصل سوم: اسم و کنیه و شمایل امام مهدی ﷺ.....
- ۷۹..... نکته‌هایی از روایات.....
- ۸۳..... فصل چهارم: سیره امام مهدی ﷺ.....
- ۸۸..... نکته‌هایی درباره روایات.....
- ۸۸..... عمل براساس قرآن و سنت پیامبر ﷺ.....
- ۹۰..... عدالت در سطح مسئولان و مردم.....
- ۹۱..... علم و دانش گسترده در زمان ظهور.....
- ۹۲..... امام مهدی ﷺ و استفاده از قهر و خشنونت.....
- ۹۳..... امام مهدی ﷺ امیر مهر و مهرورزی.....
- ۹۵..... فصل پنجم: خصائص حضرت مهدی ﷺ.....
- ۱۰۱..... نکته‌هایی از روایات.....



## بخش سوم: غیبت و انتظار

۱۱۱.....	فصل اول: ولادت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱۲.....	روایات
۱۲۰.....	نکته‌هایی از روایات
۱۲۰.....	ادّله ولادت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۲۴.....	راز پنهانی ولادت مهدی
۱۲۸.....	شبّهات بی‌اساس درباره ولادت و پاسخ آنها
۱۳۳.....	نتیجه‌گیری
۱۳۵.....	فصل دوم: غیبت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۳۸.....	نکته‌هایی از روایات
۱۳۸.....	سابقه غیبت
۱۳۹.....	چگونگی غیبت
۱۴۰.....	وظیفه ما در غیبت
۱۴۰.....	غیبت و ظهور
۱۴۳.....	فصل سوم: علّت غیبت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۴۳.....	روایات
۱۴۶.....	نکته‌هایی از روایات
۱۴۶.....	سزای از اسرار الهی
۱۴۷.....	غیبت، سنّت الهی
۱۴۸.....	غیبت، سپر جان امام
۱۵۰.....	آزادی از بیعت طاغوت‌ها
۱۵۳.....	فصل چهارم: آثار و برکات امام غائب
۱۵۴.....	روایات
۱۵۷.....	نکته‌هایی از روایات

۱۵۷	.....	ضرورت حجت، ظاهر یا غائب
۱۵۸	.....	خورشید پشت ابر
۱۵۹	.....	امام غائب و هدایت باطنی
۱۶۰	.....	امام غائب و لطف و هدایت آشکار
۱۶۱	.....	امام غائب و هدایت با واسطه
۱۶۳	.....	فصل پنجم: طول عمر امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۶۶	.....	نکته‌هایی از روایات
۱۶۶	.....	طول عمر مهدی <small>علیه السلام</small> سنتی الهی
۱۶۶	.....	طول عمر در امت‌های پیشین
۱۶۶	.....	پیش‌بینی طول عمر امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۶۹	.....	فصل ششم: اهمیت انتظار فرج و جایگاه منتظران
۱۷۳	.....	نکته‌هایی از روایات
۱۷۳	.....	جایگاه انتظار
۱۷۴	.....	جایگاه منتظر
۱۷۵	.....	وظایف منتظران

### بخش چهارم: ظهور

۱۸۱	.....	فصل اول: جهان پیش از ظهور
۱۸۳	.....	نکته‌هایی از روایات
۱۸۴	.....	ضرورت حجت الهی برای ساماندهی امور
۱۸۴	.....	مؤمنان و اوضاع جهان پیش از ظهور
۱۸۵	.....	ترسیم روایات از جهان پیش از ظهور
۱۸۹	.....	فصل دوم: علائم ظهور
۱۹۳	.....	نکته‌هایی از روایات

۱۹۳.....	مفهوم علامت و علائم ظهور.....
۱۹۳.....	برداشت نادرست از روایات علائم.....
۱۹۴.....	دسته بندی علائم ظهور.....
۱۹۴.....	علائم حتمی ظهور.....
۱۹۶.....	سایر علائم ظهور.....
۱۹۹.....	فصل سوم: وقت ظهور.....
۱۹۹.....	روایات.....
۲۰۱.....	نکته هایی از روایات.....
۲۰۱.....	مخفی بودن زمان ظهور.....
۲۰۲.....	علت پنهان بودن زمان ظهور.....
۲۰۳.....	خطر هلاکت و سقوط.....
۲۰۵.....	فصل چهارم: برکات ظهور امام مهدی <small>عجله الله</small> .....
۲۱۰.....	نکته هایی از روایات.....
۲۱۰.....	شکوفایی عقل و کمال اخلاقی.....
۲۱۱.....	حکومت و دین جهانی.....
۲۱۲.....	عدالت جهانی در همه بخش ها.....
۲۱۳.....	امنیت همگانی در همه حوزه ها.....
۲۱۴.....	صفا و صمیمیت و همدلی مردم.....
۲۱۵.....	ریشه کن شدن فقر از جامعه بشری.....
۲۱۶.....	تعهد و مسئولیت پذیری افراد.....
۲۱۷.....	پیشرفت علمی و رشد ارتباطات.....
۲۱۹.....	<b>سخن پایانی</b> .....
۲۲۱.....	<b>کتابنامه</b> .....



## مقدمه

مهدوئیت، حقیقت نابی است که ریشه در همه ادیان الهی و توحیدی دارد و ظهور مهدی و نظام عدل گستر او قله آمال و آرزوهای انبیاء و اولیاء و پیروان راستین ایشان بوده است. برای معرفی چهره درخشان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه کتاب‌های فراوانی نوشته شده است ولی بررسی ابعاد مختلف شخصیت آن بزرگوار از دیدگاه معصومین علیهم السلام لطف دیگری دارد. در مجموعه‌ای که پیش روی شماست تلاش گردیده که در موضوعات مختلف مربوط به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه گزیده‌ای از روایات پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او جمع‌آوری شود و با عباراتی سلیس و روان ترجمه شود و آن‌گاه نکاتی که از آن روایات قابل استخراج است به اختصار بیان گردد. به این ترتیب مجموعه حدیثی حاضر نسبت به مجموعه‌های مشابه از امتیازات ذیل برخوردار است ان شاء الله:

۱. کتاب‌های حدیثی دیگر یا جامع همه موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیست و یا اگر از جامعیت برخوردار است به خاطر

آوردن روایات فراوان مجموعه بسیار مفصّلی را تشکیل داده است که از حوصله بیشتر افراد جامعه بیرون است و مجموعه حاضر سعی کرده بین جامعیت و اختصار جمع کند تا کاری مفید برای همه طبقات و اصناف باشد.

۲. بیشتر مجموعه‌های حدیثی که تاکنون چاپ شده است یا به زبان عربی و بدون ترجمه فارسی است و یا به عکس تنها به ترجمه فارسی اکتفا شده است و متن عربی روایات که متن اصلی کلام معصومین علیهم‌السلام است آورده نشده و به همین دلیل برای همه سلیقه‌ها مقبول واقع نشده است.

۳. مهم‌ترین که گرچه بعضی از مجموعه‌های حدیثی همراه با ترجمه فارسی تدوین گردیده ولی از هرگونه توضیح و بیانی درباره روایات خالی است حال آن‌که در موارد متعدّد، حتی ترجمه فارسی روایات، مطلب را برای خواننده آن - به ویژه آنها که مطالعات کافی درباره امامت و مهدویت نداشته‌اند - واضح نمی‌کند و همین امر سبب کاهش انگیزه و شوق برای مطالعه کتاب ایجاد می‌کند. در مجموعه حاضر علاوه بر متن عربی و ترجمه فارسی، در هر بخش، نکاتی درباره روایات بیان گردیده که هم نوعی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از روایات است و هم نقطه‌های مبهم روایات را تا حدی روشن کرده است و بیان آنها به صورت نکته‌های جداگانه و کوتاه به یادگیری و حفظ و نگهداری آنها کمک فراوان می‌کند. (ضمناً در پایان

هر نکته شماره روایت مرتبط با آن نکته بیان شده است) ۴. مجموعه حاضر، روایاتی است که از کتاب‌های معتبر نزد شیعه و اهل سنت گردآوری شده است و تلاش شده است که در هر بخش پس از دیدن اکثر روایات مربوط به آن بخش، بهترین و روان‌ترین روایات که در کتاب‌های معتبر حدیثی آمده است آورده شود تا برای مخاطبان مختلف قابل استفاده باشد.

با تشکر فراوان از استاد بزرگوار و گرامی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی (دام عزه) که بانی این کار و راهنما و مشوق ما بوده‌اند.

محمد مهدی حائری پور

قم مقدس - بهار ۱۳۹۳ (شعبان ۱۴۳۵)





بخش اول:

امام شناسی



## فصل اوّل:

### ضرورت وجود امام

یکی از مسائل مهم اعتقادی مسأله نیاز به امام حق است که جانشینی پیامبر اسلام ﷺ را برعهده دارد. در کتاب‌های اعتقادی فریقین مسأله نیاز به امام برای جامعه اسلامی از بدیهیات شمرده شده است و آن چه مورد اختلاف و محل بحث و نزاع بوده خصوصیات امام و میزان در شناخت او و مقدار و کیفیت اختیارات او بوده است، به اعتقاد شیعه «امام» مقام و منزلتی دارد که براساس آن دنیا و آخرت مردم را تأمین می‌کند و او علاوه بر ریاست دنیوی، بر دین و دیانت مردم نیز امام است و به تعبیر بالاتر او حجّت خدا در میان خلق است که به سبب او دین‌داری میسر خواهد بود و بدون او حجّت خدا بر مردم تمام نخواهد شد. همان‌گونه که بدون پیامبر و کتاب آسمانی حجّت الهی بر مردم تمام نخواهد گردید. با این بیان، زمین از امام حق خالی نخواهد بود امامی که حلال و حرام الهی را بیان کرده و راه

مستقیم الهی را نشان می دهد.

درباره این موضوع روایات بسیاری موجود است که چند نمونه آن را می آوریم:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

به درستی که خداوند بزرگ تر از آن است که زمین را بدون امام عادل واگذارد.<sup>۱</sup>

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر [از] مردم تنها دو نفر [باقی] باشد هر آینه یکی از آنها «امام» خواهد بود، و نیز فرمود: آخرین کسی که می میرد امام است تا کسی بر خدا دلیل نیاورد که خدا او را بدون حجّت وا گذاشته است.<sup>۲</sup>

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

همیشه این گونه بوده که برای خداوند در زمین حجّتی بوده که حلال و حرام را می شناسانده و مردم را به سوی راه خدا می خوانده است.<sup>۳</sup>

۱. عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ

إِمَامٍ عَادِلٍ». (کافی، ج ۱، کتاب الحجّة، باب ان الارض لا تخلو من حجّة، ح ۶)  
 ۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ وَقَالَ إِنَّ أَحْرَمَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامَ لِمَالًا يَخْتَجُّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَيْهِ». (همان، باب انه لو لم يبق في الارض الا رجلان...، ح ۳)

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَا زَالَتْ الْأَرْضُ إِلَّا لِلَّهِ فِيهَا الْحُجَّةُ يُعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ». (همان، ج ۱، کتاب الحجّة، باب ان الارض لا تخلو من حجّة، ح ۳)

۴. امام باقر علیه السلام فرمود:

زمین از وجود مردی از ما [اهل بیت علیهم السلام] که حق را بشناسد خالی نمی ماند پس آن گاه که مردم چیزی در حق بیفزایند گوید: افزودند و اگر چیزی از آن کم کنند گوید: کاستند و اگر حق را بیاورند تصدیقشان کند و اگر چنین نباشد حق از باطل شناخته نگردد.<sup>۱</sup>

۵. جمعی از اصحاب امام صادق علیه السلام نزد او بودند و در میان آنها

هشام بن حکم که جوان نوری بود. امام فرمود:

هشام گزارش نمی دهی که با عمرو بن عبید چه کردی و چگونه با او سؤال و جواب کردی؟ ... هشام گفت: گفتم ای مرد دانش مند من غریبم اجاز می دهی سؤالی کنم؟ گفت آری پرس. گفتم: آیا شما چشم دارید؟ گفت: پسر جان این چه سؤالی است چیزی که به چشم خود می بینی سؤال ندارد! گفتم پرسش همین گونه است. گفت: پرس اگر چه سؤال تو احمقانه است! گفتم: شما چشم دارید؟ گفت آری دارم. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: با آن رنگ ها و اشخاص را می بینم. گفتم: بینی داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: با آن استشمام می کنم. گفتم: دهان داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: مزه ها را با آن می چشم. گفتم: گوش داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: با آن صداها را

---

۱. عن الحسن بن ابی حمزة الثمالی عن ابیه قال سمعت ابا جعفر و هو یقول: «لَنْ تَخْلُوَ الْأَرْضَ إِلَّا وَفِيهَا رَجُلٌ مِمَّا يَعْرِفُ الْحَقَّ فَإِذَا زَادَ النَّاسُ فِيهِ قَالَ قَدْ زَادُوا وَإِذَا نَقَصُوا مِنْهُ قَالَ قَدْ نَقَصُوا وَإِذَا جَاءُوا بِهِ صَدَّقْتَهُمْ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ». (كمال الدین، ج ۱، باب ۲۲، ح ۱۲، ص ۴۲۲)

می شنوم. گفتم: قلب هم داری؟ گفت: آری! گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: هر آن چه به این اعضا و حواس من وارد می شود با قلبم آنها را تشخیص می دهم! گفتم: آیا وجود این جوارح موجب بی نیازی از قلب نیست؟! گفت: نه. گفتم: چگونه ترا از قلب بی نیازی نیست و حال آن که این جوارح و حواس صحیح و سالم است؟! گفت: پسر جان وقتی این اعضا و حواس در چیزی که ببینند یا بینند یا بچشند یا بشنوند تردید کنند در تشخیص آن به قلب مراجعه می کنند تا یقین پابرجا شود و شک از بین برود! گفتم: پس خداوند قلب را برای رفع شک و تردید حواس قرار داده؟! گفت: آری. گفتم: حتماً باید قلب باشد وگرنه برای حواس، یقین پیدا نمی شود؟! گفت: آری. گفتم: ای ابامروان<sup>۱</sup> خدای تبارک و تعالی حواس تو را بی امام رها نکرده و برای آنها امامی گماشته که ادراک او را تصحیح کنند و در مورد شک، یقین به دست آورد و همه این مردم را در شک و سرگردانی و اختلاف واگذاشته و امامی برای آنها معین نکرده تا آنها را از شک و حیرت برگرداند؟!... گفت: در اینجا خاموش ماند و پاسخی نداد!<sup>۲</sup> و<sup>۳</sup>

۱. این کنیه عمرو بن عبید است که طرف بحث هشام بوده است.

۲. پس در پایان روایت آمده که وقتی عمرو بن عبید دانست که او هشام به حکم است از او تقدیر کرد و برجای خود نشانید و امام صادق علیه السلام از هشام پرسید؟ چه کسی این استدلال را به تو آموخت؟ هشام گفت: اینها مطالبی بود که از شما یاد گرفتم و تنظیم کردم. حضرت فرمود: به خدا این حقیقتی است که در صحف ابراهیم و موسی نوشته شده است.

۳. عن یونس بن یعقوب قال: «كَانَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ مِنْهُمْ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ النُّعْمَانِ وَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ وَ الطَّيَّازُ وَ جَمَاعَةٌ فِيهِمْ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ وَ هُوَ شَابٌّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَا هِشَامُ أَلَا تُخْبِرُنِي كَيْفَ صَنَعْتَ بِعَمْرُو بْنِ

۶. ابی حمزه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم:

ایا زمين بدون امام می ماند؟ فرمود: اگر زمين بدون امام باشد، هر آينه فرو می رود.<sup>۱</sup>

۷. امام کاظم علیه السلام فرمود:

عَبِيدٌ وَ كَيْفَ سَأَلْتَهُ فَقَالَ هِشَامٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَجْلُكَ وَ أَسْتَحْيِيكَ وَ لَا يَعْمَلُ لِسَانِي بَيْنَ يَدَيْكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَافْعَلُوا قَالَ هِشَامٌ بَلَّغْنِي مَا كَانَ فِيهِ عَمْرُو بْنُ عَبِيدٍ وَ جُلُوسُهُ فِي مَسْجِدِ الْبَصْرَةِ فَعَظَمَ ذَلِكَ عَلَيَّ فَخَرَجْتُ إِلَيْهِ وَ دَخَلْتُ الْبَصْرَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَتَيْتُ مَسْجِدَ الْبَصْرَةِ فَإِذَا أَنَا بِحَلْفَةٍ كَبِيرَةٍ فِيهَا عَمْرُو بْنُ عَبِيدٍ وَ عَلَيْهِ شَمْلَةٌ سَوْدَاءٌ مُتَّزِرًا بِهَا مِنْ صُوفٍ وَ شَمْلَةٌ مُتَّزِرًا بِهَا وَ النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ فَاسْتَفْرَجْتُ النَّاسَ فَأَفْرَجُوا لِي ثُمَّ قَعَدْتُ فِي آخِرِ الْقَوْمِ عَلَيَّ رُكْبَتِي ثُمَّ قُلْتُ أَيُّهَا الْعَالِمُ إِنِّي رَجُلٌ عَرَبِيٌّ تَأْذُنُ لِي فِي مَسْأَلَةٍ فَقَالَ لِي نَعَمْ فَقُلْتُ لَهُ أَلَاكَ عَيْنٌ فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَيُّ شَيْءٍ هَذَا مِنَ السُّؤَالِ وَ شَيْءٌ تَرَاهُ كَيْفَ تَسْأَلُ عَنْهُ فَقُلْتُ هَكَذَا مَسْأَلَتِي فَقَالَ يَا بُنَيَّ سَلْ وَ إِنْ كَانَتْ مَسْأَلَتُكَ حَمَقَاءً قُلْتُ أَجِيبْنِي فِيهَا قَالَ لِي سَلْ قُلْتُ أَلَاكَ عَيْنٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهَا قَالَ أَرَى بِهَا الْأَلْوَانَ وَ الْأَشْخَاصَ قُلْتُ فَلَاكَ أَنْفٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهِ قَالَ أَشْمُ بِهِ الرَّايِحَةَ قُلْتُ أَلَاكَ فَمَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهِ قَالَ أُدَوِّقُ بِهِ الطَّعْمَ قُلْتُ فَلَاكَ أُذُنٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهَا قَالَ أَشْمَعُ بِهَا الصَّوْتِ قُلْتُ أَلَاكَ قَلْبٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهِ قَالَ أُمَيِّرُ بِهِ كُلَّ مَا وَرَدَ عَلَيَّ هَذِهِ الْجَوَارِحُ وَ الْحَوَاسِ قُلْتُ أَوْ لَيْسَ فِي هَذِهِ الْجَوَارِحِ غِنَى عَنِ الْقَلْبِ فَقَالَ لَا قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ وَ هِيَ صَاحِبَةٌ رَذِيَّةٌ سَلِيمَةٌ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنْ الْجَوَارِحُ إِذَا سَكَتْ فِي شَيْءٍ سَمِعَتْهُ أَوْ رَأَتْهُ أَوْ ذَاقَتْهُ أَوْ سَمِعَتْهُ رَذِيَّةٌ إِلَى الْقَلْبِ فَيَسْتَبَيِّنُ الْبَاقِينَ وَ يُبْطِلُ الشُّكَّ قَالَ هِشَامٌ فَقُلْتُ لَهُ فَإِنَّمَا أَقَامَ اللَّهُ الْقَلْبَ لِبَسِّكَ الْجَوَارِحُ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ لَا بُدَّ مِنَ الْقَلْبِ وَ الْإِلْمُ تَسْتَبَيِّنُ الْجَوَارِحُ قَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَبَا مَرْوَانَ فَاللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَثْرُكْ جَوَارِحَكَ حَتَّى جَعَلَ لَهَا إِمَامًا يُصَحِّحُ لَهَا الصَّحِيحَ وَ يَبَيِّنُ بِهِ مَا شُكَّ فِيهِ وَ يَثْرُكُ هَذَا الْخَلْقُ كُلَّهُمْ فِي حَيْرَتِهِمْ وَ شُكِّهِمْ وَ اخْتِلَافِهِمْ لَا يُقِيمُ لَهُمْ إِمَامًا يَرُدُّونَ إِلَيْهِ شُكَّهُمْ وَ حَيْرَتَهُمْ وَ يُقِيمُ لَكَ إِمَامًا لِيَجْوَازِحَكَ تَرُدُّ إِلَيْهِ حَيْرَتَكَ وَ شُكَّكَ قَالَ فَسَكَتَ وَ لَمْ يَقُلْ لِي شَيْئًا. (اصول

کافی، ج، ۱، کتاب الحججة، ح، ۳، ص ۳۱۸)

۱. عن ابی حمزة قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام: «أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَالَ لَوْ بَقِيَتْ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ». (همان، باب أن الأرض لا تخلو من حجة، ح، ۱۰)

خداوند از زمان وفات حضرت آدم علیه السلام، هرگز زمین را بدون امام وانگذاشته است. امامی که به وسیله او [مردم] به خدا هدایت می‌گردند و او همان حجت [خدا] بر بندگان است که هر که او را وانهد گم راه شده و هر که پیرویش کند نجات یافته است. این [نصب امام] حقی بر خداوند است.<sup>۱</sup>

۸. امام سجاد علیه السلام فرمود:

از زمان خلقت آدم علیه السلام زمین از حجت خالی نبوده است؛ یا [حجت] آشکار و شناخته شده و یا حجت پنهان و پوشیده و تا قیام قیامت زمین از حجت خالی نخواهد ماند و اگر چنین نبود خداوند عبادت نمی‌شد.<sup>۲</sup>

۹. امام مهدی علیه السلام فرمود:

ایا سخن خدای بزرگ را نشنیدید که می‌فرماید: ای مؤمنان اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول او را و اطاعت کنید اولی الامر از خود را؟ آیا این دستور تا روز قیامت نیست؟ آیا نمی‌اندیشید که از زمان آدم علیه السلام تا زمان امام گذشته [ابومحمد العسکری علیه السلام] که درود خدا بر او باد - [خداوند تعالی برای شما پناه‌گاه‌هایی قرار داد که به آنها پناهنده شوید و نشانه‌هایی گذاشت که به آنها هدایت شوید؟! [به گونه‌ای که] هرگاه علمی

۱. عن الامام موسی بن جعفر علیه السلام قال: «مَا تَرَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَطُّ مُنْذُ قَبِضِ آدَمَ علیه السلام يَهْتَدِي بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ مَنْ تَرَكَهُ ضَلَّ وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ». (كمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲۲، باب ۲۲، ح ۳)

۲. عن علی بن الحسین علیه السلام «لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَلَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ». (همان، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲، باب ۲۱)



نهان شد علم دیگری آشکار گردید و اگر ستاره‌ای غروب کرد ستاره‌ای دیگر درخشید و چون خدای تعالی ابو محمد علیه السلام را قبض روح کرد پنداشتید که او رابطه بین خود و خلقش را قطع کرده است؟ هرگز چنین نبوده و تا روز قیامت چنین نخواهد بود تا آن روز که امر خدای تعالی ظاهر شود در حالی که آنان (مشرکان) ناخشنود باشند.<sup>۱</sup>

## نکته‌هایی از روایات

### علت نیاز به امام

۱. بدیهی است که انسان‌ها به جود آمده‌اند تا با انجام اوامر الهی به کمال و قرب الهی برسند و در این مسیر نیاز به راهنما دارند و به همین جهت خداوند رسولان را فرستاده است و نیز به همین دلیل لازم است امامان هدایت در میان مردم باشند و خداوند هیچ‌گاه این نیاز را بی‌پاسخ نگذاشته است. (حدیث ۱ و ۳)

۲. اعضای بدن انسان گرچه سالم باشند در انجام وظایف خود بی‌نیاز از قلب (و عقل) نیستند، جامعه انسانی نیز اگرچه از عقل سالم و رشد یافته برخوردار باشد بی‌نیاز از هدایت‌های امام نیست زیرا انسان

---

۱. وفي توقيع له عليه السلام قال: «أما سمعتم الله عز وجل يقول: ﴿يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أُولي الأمر منكم﴾؛ هل أمر إلا بما هو كائن إلى يوم القيامة أو لم تروا أن الله عز وجل جعل لكم معاقل تأوون إليها و أعلاما تهتدون بها من لدن آدم عليه السلام إلى أن ظهر الماضي أبو محمد عليه السلام كلما غاب علم بدا علم و إذا أقل نجم طلع نجم فلما قبضه الله إليه ظننتم أن الله عز وجل قد قطع السبب بينه و بين خلقه كلاً ما كان ذلك و لا يكون حتى تقوم الساعة و يظهر أمر الله عز وجل و هم كارهون». (كمال‌الدین،

سراسر فقر و نیاز است و مسیر او پرخطر و طولانی و مقصد او قرب الهی است. (حدیث ۵)

۳. همان طور که قلب (و عقل) انسان به عنوان مرکز تصمیم گیری و شناخت و آگاهی است و بدون آن ممکن است اعضا و جوارح به خطا بروند و در تشخیص، اشتباه کنند؛ امام عادل به عنوان رئیس جامعه بشری، میزان حق است که به وسیله او مرز حق و باطل شناخته می شود و نیز نگهبان حریم حق است تا باطلی به آن راه نیابد. (حدیث ۵)

۴. امام عالم ترین امت به دین و حلال و حرام الهی است اگر او نباشد خطر تحریف و کم و زیادی دین و معارف الهی وجود دارد ولی او وظیفه دارد که اگر انحرافی پدید آمد موضع بگیرد و از انحراف امت جلوگیری کند؛ چنان که امام حسین علیه السلام در مقابل انحرافات، قیام کرد. (حدیث ۳ و ۴)

#### امام به انتخاب خدا

با توجه به جایگاه امام که باید معصوم از گناه و خطا باشد تا بتواند معیار و میزان حق قرار گیرد، هیچ کس جز خداوند که عالم به غیب است نمی تواند مصداق امام را در جامعه معرفی کند. (حدیث ۱ و ۵ و ۹) چون عصمت امری است که بر همگان مخفی و نامعلوم است و نیز این که در آینده چه خواهد شد بر کسی جز خدا آشکار نیست؛ به روایت زیر توجه کنید:

سعد بن عبدالله قمی گوید: از امام مهدی علیه السلام پرسیدم که چرا مردم نمی‌توانند امامشان را خود برگزینند؛ آن حضرت پرسید: مراد از امام صالح اصلاح‌گراست یا پیشوای ناشایست فسادانگیز؟ گفتم: مراد مقتدای صالح اصلاح‌گراست. امام فرمود: با توجه به این که کسی نمی‌داند که در خاطر دیگری از اندیشه صالح و فساد چه می‌گذرد، آیا ممکن است، مردم کسی را برگزینند که اندیشه فساد در سر دارد؟ گفتم: آری! فرمود: به همین دلیل انتخاب امام به مردم واگذار نشده است و این همان علتی است که با برهان برتواقامه کردم تا عقلت به اطمینان برسد.<sup>۱</sup>

### امام، مظهر لطف الهی

۱. یکی از راه‌ها برای لزوم نصب امام از سوی خدا، توجه به صفات کمال الهی است. خداوند عادل و حکیم و لطیف است، او خدایی است که ذره‌ای ظلم در ساحت قدس او راه ندارد و هرگونه بیهودگی و لغو از او دور است و نهایت لطف و رحمت را نسبت به بندگان خود دارد؛ بنابراین به مقتضای عدالت و حکمت و لطف بی‌نهایتش، مردم را بدون امام و پیشوایی که هدایت‌گر آنها به سوی کمال مطلق باشد نمی‌گذارد (همه احادیث شاهد این مطلب است).

۲. امام عادل، حجت خدا در میان خلق است بنابراین در همه

---

۱. قال سعد بن عبدالله القمی: «فَأَخْبَرَنِي يَا مَوْلَايَ عَنِ الْعَلَّةِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنْ اخْتِيَارِ إِمَامٍ لِأَنْفُسِهِمْ قَالَ مُصْلِحٌ أَوْ مُفْسِدٌ قُلْتُ مُصْلِحٌ قَالَ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ تَنْفَعَ خَيْرَتُهُمْ عَلَى الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ مَا يَحْطُرُ بِئَالِ غَيْرِهِ مِنْ صَالِحٍ أَوْ فَسَادٍ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَهِيَ الْعَلَّةُ وَأُورِدَهَا لَكَ بِبُرْهَانٍ يَنْقَادُ لَهُ عَقْلُكَ». (كمال‌الدین، ج ۲، ص ۲۰۲)

زمان‌ها و برای همه امت‌ها باید امامی باشد تا حجت خدا بر خلق تمام گردد و کسی بر خدا دلیل نداشته باشد، به همین جهت آخرین نفر که می‌میرد «امام» خواهد بود همان‌گونه که اولین نفر از انسان‌ها پیامبر بود (= حضرت آدم علیه السلام) و در این صورت عذری برای کسی باقی نمی‌ماند! (حدیث ۲ و ۷ و ۸ و ۹)

۳. از مطالعه اسلام و ادیان الهی از آغاز خلقت، معلوم می‌شود که نصب امام و حجت الهی در میان خلق، سنتی قطعی و حتمی بوده است به گونه‌ای که هرگاه حجتی از دنیا رفته است، حجت دیگری به جای او قرار گرفته است و این جریان تا زمان امام عسکری علیه السلام ادامه یافته است. (حدیث ۹)

### امام ظاهر یا غائب

۴. با توجه به ضرورت وجود امام در هر زمان و با توجه به این که نصب امام و حجت سنتی جاری در زمان بوده است به گونه‌ای که هیچ‌گاه زمین از حجت الهی (پیامبر یا جانشین او) خالی نبوده است، بنابراین اگر در زمانی از زمان‌ها، امام ظاهر و آشکاری نباشد بدون تردید امام زمان علیه السلام، غائب و پوشیده است ضمن این که روایات فراوان مبنی بر غیبت حجت‌های الهی موجود است و نیز به طور خاص، غیبت امام مهدی علیه السلام در روایات فراوان مطرح شده است.<sup>۱</sup> (حدیث ۹ و ۸)

۵. این که در آیه «اولی الامر»، بدون قید زمان به اطاعت اولی الامر

۱. در مبحث غیبت و علت آن بخشی از این روایات خواهد آمد.

فرمان داده شده است، می‌رساند که اولی الامر در هر زمانی وجود دارد و مردم هر عصر و زمان باید از او اطاعت کنند. حال اگر در میان افراد موجود و ظاهر، کسی که شایسته این مقام باشد وجود نداشته باشد معلوم می‌شود که مصداق «اولی الامر» امامی است که از نظرها غائب است چون غیبت حجت خدا امری بی سابقه نیست و فراوان اتفاق افتاده است. (حدیث ۹)



## فصل دوم: ضرورت شناخت امام

از نظر عقل و نقل مسئله معرفت و شناخت جایگاه بسیار مهمی دارد و آدمی بدون معرفت به جایی نخواهد رسید بلکه هدف از خلقت، معرفت و شناخت است. آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام در این موضوع، صریح و روشن است. در بحث معرفت، ابتدا معرفت خدا و شناخت صفات و اسماء حسناى او مطرح است و پس از آن شناخت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خلفای برحق او مراد است.

برای آشنایی با میزان اهمیت معرفت امام و جانشین برحق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعضی از روایات را در این جا می آوریم:

۱. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.<sup>۱</sup>

---

۱. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». (كمال الدین،

۲. از امام علی علیه السلام سؤال شد:

کمترین چیزی که آدمی به سبب آن گمراه خواهد بود چیست؟ فرمود: این که نشناسد کسی را که خدا امر به اطاعت از او کرده و ولایتش را واجب دانسته و او را حجت در زمین و شاهد بر خلق خویش قرار داده. پرسیدند: ای امیرالمؤمنین آنها کیانند؟ فرمود: کسانی که خداوند آنها را در کنار خود و پیامبرش قرار داده و فرموده: ای گروه مؤمنان از خدا و رسول اطاعت کنید و نیز از اولی الامر از میان خود. راوی گوید: پس من سر حضرت را بوسیدم و گفتم: برایم (مطلب را) روشن ساختی و گره از کارم گشودی و هر شکمی در دلم بود از میان بردی!<sup>۱</sup>

۳. امام کاظم علیه السلام: [راوی گوید]

از آن حضرت درباره آیه «و چه کسی گمراه تر است از آن که هوای خود را پیروی کرده بدون هدایتی از سوی خدا» سؤال شد. فرمود: مراد کسی است که دین خود را رأی خود قرار داده بدون این که امامی از پیشوایان هدایت را برگزیده باشد.<sup>۲</sup>

ج ۲، ص ۴۰۹؛ اعلام الوری، ص ۴۱۵؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۸؛ شرح المقاصد، ج ۵،

ص ۲۳۹؛ بنایبیع الموده، ج ۳، ص ۳۷۲)

۱. عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ: «مَا أَذْنَى مَا يَكُونُ بِهِ الرَّجُلُ ضَالًّا قَالَ أَنْ لَا يَعْرِفَ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَفَرَضَ وِلَايَتَهُ وَجَعَلَهُ حُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ قُلْتُ فَمَنْ هُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَنَبِيِّهِ فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (سورة نساء، آیه ۵۹) فَقَالَ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَقُلْتُ أَوْضَحْتَ لِي وَفَوَّجْتَ عَنِّي وَأَذْهَبْتَ كُلَّ شَكِّ كَأَنْ فِي قَلْبِي». (معانی الاخبار، ب ۴۲۹، ج ۴۵، ص ۳۹۴)

۲. عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ» (سورة قصص، آیه ۵۰) قَالَ يَعْنِي مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ بَغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أُمَّةٍ



۴. امام صادق علیه السلام:

امام نشانه‌ای است میان خدا و خلقش، پس هرکه او را بشناسد مؤمن خواهد بود و هرکه او را انکار کند کافر خواهد بود.<sup>۱</sup>

۵. امام صادق علیه السلام:

ای یحیی هرکه شبی را بدون معرفت امام زمانش بسر برد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.<sup>۲</sup>

۶. امام حسین علیه السلام:

ای مردم به راستی که خدای بلندمرتبه بندگان را خلق نکرد مگر برای این که او را بشناسند پس چون او را شناختند، عبادتش کنند، پس چون او را عبادت کردند به سبب آن از عبادت غیر او بی‌نیاز گردند. پس مردی به آن حضرت گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله پدر و مادرم فدای شما باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ امام فرمود: این که اهل هر زمانی، امام زمان خود را بشناسند، همان که اطاعت او برایشان واجب است.<sup>۳</sup>

الْهُدَى). (غیبت نعمانی، ج ۷، ح ۷، ص ۱۷۹)

۱. عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «الإمامُ عَلِمَ فِيمَا بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا». (كمال‌الدین، ج ۳، ح ۳۹؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ح ۳۲، ص ۷۹)

۲. عن یحیی بن عبد الله عن ابی عبد الله علیه السلام انه قال: «یا یحیی بن عبد الله مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». (غیبت نعمانی، ص ۸۰؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ح ۸، ص ۷۱)

۳. عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ وَإِذَا عَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ». (همان، ج ۱۰، ح ۲۲، ص ۷۴؛

## نکته‌هایی از روایات

### اهمیت شناخت امام

۱. در روایات معصومین علیهم‌السلام نکات مهمی درباره اهمیت شناخت

امام مطرح شده است که بعضی از آنها عبارتند از:

الف. «معرفت امام» مسئله‌ای است که به اصل دیانت انسان برمی‌گردد به گونه‌ای که بدون آن، حیات معنوی انسان، تباه می‌شود. (حدیث ۱)

ب. «مرگ جاهلی»، نشانه زندگی جاهلانه است زیرا مرگ، عصاره حیات است. بنابراین آن که امام عصر خود را نشناسد و ولایت او را نپذیرد زندگی جاهلانه دارد و از حیات انسانی بی بهره است گرچه حیات حیوانی دارد.<sup>۱</sup>

ج. نیاز به امام و هدایت او، از هر نیاز دیگر بالاتر است به گونه‌ای که سزاوار نیست انسان. حتی شبی را بدون معرفت و اعتقاد به امام حق به صبح برساند، به همین دلیل امامان، نسبت به فوری بودن آن نیز هشدار داده‌اند. (حدیث ۵)

د. هدف خلقت، معرفت خدا و عبودیت خالص برای اوست و راه خداشناسی و بندگی او آن گونه که شایسته اوست، پذیرفتن ولایت امام معصوم علیه‌السلام است و اوست که خداوند را به درستی معرفی می‌کند و راه بندگی او را به شایستگی نشان می‌دهد. پس هرکس امام زمان خود را نشناسد هدف خلقت را گم کرده و زندگی دنیوی و اخروی خود را باخته است. (حدیث ۶)

---

علل الشرائع، ج ۱، ص ۹)

۱. امام مهدی علیه‌السلام موجود موعود، ص ۲۹ و ص ۳۶.

## مفهوم امام‌شناسی و جایگاه آن

۲. با توجه به اهمیت معرفت امام، لازم است که مقصود از آن به درستی تبیین شود:

از آیات و روایات معلوم می‌شود که معرفت امام، مراتبی دارد که هرکدام آثار و برکاتی دارد؛ گرچه شناخت امام به حسب و نسب و نام و لقب، لازم و ضروری است ولی کافی نیست و آنچه مهم است شناخت امامت و جایگاه بلند آن در دین است یعنی امام را بشناسی به این که حجت خدا و جانشین برحق پیامبر است و خود را ملتزم به اطاعت کامل و تسلیم مطلق در برابر او بدانی و این اطاعت را عین اطاعت پیامبر و خداوند بدانی!<sup>۱</sup> (حدیث ۲ و ۳ و ۴ و ۶)

۳. مقصود از «امام» همان کسی است که خداوند اطاعتش را واجب کرده و او را حجت در زمین و شاهد بر خلق قرار داده است. (حدیث ۲) او نشانه خداست که در میان مردم قرار داده (حدیث ۴) و کسی که او را نشناسد و به راه او نرود گرفتار هواهای نفسانی گشته به گمراهی قطعی و حتمی گرفتار می‌شود. (حدیث ۳ و ۴)

۴. مقصود از «اولی الامر» - مطابق روایات - همان امام و جانشین پیامبر است. جایگاه او در این آیه چنان معرفی شده که اطاعت از او در

---

۱. برای شناخت امام و جایگاه او دو منبع بسیار خوب قرآن و احادیث معصومین علیهم‌السلام است. برای نمونه می‌توانید به *اصول کافی*، ج ۱ «کتاب الحجّة» بنگرید و نیز به «زیارت جامعه کبیره» (در *مفاتیح الجنان*) و شرح آن در کتاب *ادب فنای مقرران* از «آیت الله جوادی آملی» مراجعه کنید.

ردیف اطاعت خدا و رسول قرار گرفته است و همانند آنها، باید به صورت مطلق و در همه فرمان‌ها مورد اطاعت قرارگیرد و این دلیل عصمت و پاکی اوست.<sup>۱</sup> (حدیث ۲)

### مصدق امام کیست؟

۵. در آیه ۵۹ نساء امام را به عنوان «اولی الامر» معرفی کرده است ولی این که این عنوان بر چه اشخاصی پس از پیامبر منطبق می‌گردد، در روایات نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان گردیده است. چون «امام» در جایگاه اولی الامر کسی جز «معصوم» نیست؛ نمی‌تواند به وسیله مردم انتخاب شود بنابراین، خداوند آنها را برمی‌گزیند و به وسیله پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مردم اعلام می‌کند. (حدیث ۲)

---

۱. رک: به المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۵۹ سوره نساء؛ نیز تفسیر کبیر از امام فخر رازی شافعی، ذیل همان آیه.

## فصل سوم: روایات دوازده امام

مهم ترین مسئله امت اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مسئله جانشینی آن حضرت بوده است. گروه هایی از مسلمین گمان می کنند که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله درباره خلافت بعد از خود سخنی نفرموده است و این امر مهم را به امت و تصمیم آنها براساس مشورت عمومی، وا گذاشته است! ولی شیعه معتقد است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موارد فراوان و در مناسبت های مختلف و در اجتماعات کوچک و بزرگ، نسبت به خلافت و خلفای بعد از خود سخن گفته بلکه به تعداد آنها و نیز اشخاص آنها تصریح کرده و همه خلفای پس از خود را نام برده است. شاهد بر این ادعا روایات فراوانی است که در کتاب های مسلمین اعم از شیعه و سنی بیان گردیده است. بخشی از این روایات، مورد قبول همه مسلمین و در حدّ تواتر<sup>۱</sup> است و در کتب صحاح<sup>۱</sup> نقل

---

۱. «تواتر» یعنی روایان یک حدیث به قدری زیادند که به درستی حدیث، یقین پیدا می شود.

شده است. در این جا چند نمونه از آن روایات را بیان کرده و بررسی خواهیم کرد:

## روایات

### ۱. پیامبر اکرم ﷺ:

همیشه اسلام عزیز خواهد بود تا آن زمان که دوازده خلیفه باشند. جابر بن سمرة (راوی) می گوید:  
سپس پیامبر ﷺ سخنی گفت که من نشنیدم؛ به پدرم گفتم:  
پیامبر ﷺ چه فرمود؟ گفت: پیامبر ﷺ فرمود: همه آنان از قریش خواهند بود.<sup>۲</sup>

### ۲. ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل کرده که پیامبر اکرم ﷺ

نماز اول را برای ما اقامه کرد و سپس رو به ما کرده و فرمود:

ای گروه یاوران من! به راستی که مثل اهل بیت من در میان شما  
مثل کشتی نوح و باب حطه در بنی اسرائیل است. پس به  
اهل بیت من و امامان از نسل من چنگ بزنید! که در این صورت  
هرگز گمراه نخواهید شد!

سؤال شد: ای رسول خدا! امامان بعد از شما چند نفرند؟

۱. کتب صحاح، شش کتاب حدیثی اهل سنت است که نزد آنها مورد قبول است و مهم ترین آنها صحیح بخاری و صحیح مسلم است.

۲. عن جابر بن سمرة عن رسول الله ﷺ قال: «لَا يَزَالُ هَذَا الْإِسْلَامُ عَزِيْزاً إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمْهَا فَقُلْتُ لِأَبِي مَا قَالَ فَقَالَ قَالَ كَلَّمَهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ». (منتخب الاثر، ج ۱، ح ۱۹، ص ۲۶ به نقل از صحیح مسلم) و مانند این روایت در سنن ابی داود و سنن ترمذی و المعجم الكبير طبرانی و مسند احمد بن حنبل که همه از کتاب های معتبر اهل سنت است، آمده است. برای ملاحظه روایات رک: به منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۹ به بعد.

فرمود: دوازده نفر از اهل بیت من (یا فرمود) از عترت من.<sup>۱</sup>

۳. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤال شد که:

مقصود از «عترت» در این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیست؟ «به درستی من دو چیز گران بها در میان شما (= امت اسلامی) به جامی گذارم: کتاب خدا و عترتم را». علی علیه السلام فرمود: یعنی من و حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین علیه السلام که نهمین آنها مهدی ایشان است. اینان از کتاب خدا جدا نخواهند شد و کتاب خدا هم از آنها جدا نمی‌شود تا آن گاه که در کنار حوض، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شوند.<sup>۲</sup>

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

من سرور پیامبرانم و علی ابن ابیطالب علیه السلام سرور اوصیاء پیامبران و به راستی که جانشینان من پس از من دوازده نفرند که اولین آنها علی ابن ابیطالب علیه السلام و آخرین آنها قائم علیه السلام است.<sup>۳</sup>

---

۱. عن ابی سعید الخُدَری قال: صلی بنا رسول الله صلاة الاوی ثم اقبل بوجهه الکریم علینا فقال صلی الله علیه و آله: «معاشر اصحابی ان مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینة نوح و باب حظه فی بنی اسرائیل، فتمسکوا باهل بیتی و الأئمة الراشدين من ذریتی فانکم لن تضلوا ابداً فقیل یا رسول الله کم الأئمة من بعدک؟ فقال: اثنا عشر من اهل بیتی (اوقال) (من عترتی).» (منتخب الاثر، ج ۱، ح ۶۶، ص ۴۸؛ به نقل از کفایة الاثر)

۲. سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مِنَ الْعِثْرَةِ فَقَالَ أَنَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأئِمَّةُ التَّسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسَعُهُمْ مَهْدِيُهُمْ وَقَائِمُهُمْ لَا يَفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَلَا يَفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَوْضَهُ. (منتخب الاثر، ح ۲۴۳، ص ۱۶۲) این حدیث در منتخب الاثر از کتاب غیبت فضل بن شاذان نقل شده و البته مانند آن در کتاب‌های حدیثی دیگر مانند عیون اخبار الرضا، کمال الدین، اثبات الهداة، بحار الانوار و اعلام الوری روایت گردیده است.

۳. عن عبد الله بن عباس قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَعَلِيٌّ بُنُّ أَبِي طَالِبٍ

۵. پیامبر اکرم ﷺ

امامان پس از من دوازده نفرند اولین آنها تو هستی ای علی! و آخرین آنها قائم است که خداوند به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح خواهد کرد.<sup>۱</sup>

۶. پیامبر اکرم ﷺ

به راستی که وصی و خلیفه پس از من علی بن ابیطالب علیه السلام است و پس از او دو سبط من حسن و سید حسین و پس از ایشان نه نفر از نسل حسین، امامان ابرار از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواسته شد که همه آنها را نام ببرد آن حضرت ادامه دادند:

پس از حسین فرزندش علی و پس از علی فرزندش محمد و پس

سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَإِنَّ أَقْصِيَانِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ عليه السلام. (منتخب الاثر، ج ۱، ح ۱۵۴، ص ۱۰۵ از باب دوم؛ به نقل از فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۳)

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «الْأَيْمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يُفْتَحُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا». (منتخب الاثر، ج ۱، ح ۱۵۵، ص ۱۰۶ از باب دوم به نقل از ينابيع المودة، ب ۹۴، ص ۴۹۲؛ كمال الدين، ج ۱، ب ۲۴، ح ۳۵، ص ۲۸۲)

۱. عن ابن عباس قال: قدم يهودی علی رسول الله صلی الله علیه و آله یقال له نعتل فقال له: یا محمد ... فاخبرنی عن وصیک من هو؟... فقال نعم ان وصی و الخلیفة من بعدی علی بن ابی طالب علیه السلام وبعده سبطای الحسن ثم الحسین یتلوه تسعة من صلب الحسین ائمة ابرار، قال یا محمد فسمهم لی. قال نعم، اذا مضی الحسین فابنه علی، فاذا مضی علی فابنه محمد، فاذا مضی محمد فابنه جعفر، فاذا مضی جعفر فابنه موسی، فاذا مضی موسی فابنه علی، فاذا مضی علی فابنه محمد ثم ابنه علی ثم ابنه الحسن ثم الحجة بن الحسن، فهذه اثنا عشر ائمة عدد نباء بنی اسرائیل... (منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۶۸؛ نقلاً عن فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۲، ب ۳۱، ح ۴۳۱)



از محمد فرزندش جعفر و پس از جعفر فرزندش موسی و پس از موسی فرزندش علی و پس از علی فرزندش محمد و پس از محمد فرزندش علی و پس از علی فرزندش حسن و پس از او حجت بن الحسن؛ پس ایشان دوازده امام هستند به تعداد نقباء بنی اسرائیل.

## نکته‌هایی از روایات

### پیامبر و مسئله جانشینی او

۱. به گواهی روایات فراوان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها درباره سرنوشت اسلام و مسلمین بعد از خودش، بیانات روشن‌گرانه‌ای فرموده و امر امت را مهمل و مجمل نگذاشته است.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیوسته نگران امت خود و اسلام عزیز برای زمان پس از خود بود به همین دلیل مسلمین را به پیوستن و پیروی کردن از کسانی توصیه کرد که آنها را از خطر گمراهی حفظ کنند. (روایت ۲ و ۳)

### جایگاه عترت پیامبر

۳. از این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره به پیروی و اطاعت مطلق از اهل بیت علیهم السلام امر می فرمود، معلوم می شود که آنها همگی افرادی عالم و صالح بوده بلکه برگزیدگان امت در هر زمان بوده‌اند. (روایت ۲)

۴. در حدیث مشهور و مقبول ثقلین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اهل بیت و عترت خود را در ردیف قرآن کریم قرار داده و تصریح کرده است که هیچ گاه بین اینان و قرآن جدایی نخواهد بود و این هم‌آهنگی و

همراهی همیشگی بین قرآن و عترت، نشانه عصمت و پاکی عترت است یعنی همان گونه که قرآن مصون از هر باطل و خطایی است، امامان و جانشینان پیامبر ﷺ نیز معصوم از گناه و خطا هستند و اگر احتمال خطا در رفتار یا گفتار آنها وجود داشت شایسته نبود که در کنار قرآن و هم سنگ و هم وزن آن باشند. (روایت ۳)

۵. عدم جدایی قرآن و عترت این پیام بزرگ را دارد که هر جا قرآن سخن از مؤمنان و مجاهدان و صالحان گفته است عالی ترین مصادیق و نمونه های آنها، عترت پیامبرند و هر جا اهل بیت پیامبر ﷺ رهنمودی داده اند پرده از یک حقیقت قرآنی برداشته اند زیرا که ایشان بهترین مفسران قرآنند بلکه خود قرآن ناطق اند. (روایت ۳)

۶. همتایی قرآن، فضیلتی مخصوص اهل بیت و عترت پیامبر ﷺ است و همان طور که اگر کسی - هر که باشد - برخلاف قرآن حرکت کند یا سخنی بگوید محکوم به بطلان است، هر کسی در مقابل فردی از عترت پیامبر ﷺ قرار گیرد و سخنی یا اقدامی برخلاف آنها داشته باشد باطل است، به عبارت روشن تر، عترت پیامبر ﷺ محور و مدار «حق» هستند<sup>۱</sup> و حق با آنها شناخته می شود. (روایت ۳)

### کشتی نوح و باب حظه

۷. در روایات بسیار که در کتاب های شیعه و سنّی آمده است:

۱. چنان که پیامبر ﷺ درباره امام علی علیه السلام فرمود: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدْوُرُ حَيْثُمَا دَارَ»؛ یعنی علی با حق است و حق با علی است و حق بر مدار علی می چرخد. (بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۳۵۲)

پیامبر اکرم ﷺ اهل بیت خود را به «کشتی نوح» و «باب حظّه» بنی اسرائیل تشبیه فرموده است و ویژگی این دو آن است که هرکس به سوی آنها رفته حتماً نجات یافته است زیرا به تصریح قرآن، آنها که بر کشتی نوح سوار شدند نجات یافتند و آنها که سوار نشدند - حتی پسر نوح - به عذاب الهی هلاک گردیدند.<sup>۱</sup> «باب حظّه» نیز دری است از درهای «بیت المقدس» که هرکس از آن وارد می‌شد گناهانش بخشیده می‌شد زیرا خداوند چنین دستور داده و اراده کرده بود و آنها که از انجام فرمان خدا در ورود از این در، تخلف کردند به عذاب سختی گرفتار شدند:<sup>۲</sup> (روایت ۲)

پیامبر ﷺ فرمود:

آگاه باشید که مثل اهل بیت من در میان شما چونان کشتی نوح است در میان قومش! هرکه بر آن درآمد نجات یافت و هرکه از آن روی گردانید غرق شد!<sup>۳</sup>

و نیز فرمود:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ فِي مِثْلِهِمْ شِمَا هُمْ بِحِطَّةِ بَابِ حِطَّةٍ اسْتَدْرَجَ فِيهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ مِثْلِ بَيْتِ إِسْرَائِيلَ! هَرَكَةٌ مِنْهَا نَجَاتٌ يَأْتِي بِهَا مَنْ يَدْخُلُهَا مِنْ مِثْلِهَا عَرِقَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا عَرِقَ. (المستدرک علی الصحیحین، ۳، ۴۷۲۰، ص ۱۶۳؛ کمال‌الدین، ح ۵۹، ص ۲۳۹)

---

۱. رک: سوره هود، آیات ۳۶ - ۴۹.

۲. سوره بقره، آیات ۵۸ - ۵۹؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۶۷ - ۲۷۰.

۳. عن ابی ذر قال: «سمعت النبی ﷺ يقول: الاِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا عَرِقَ». (المستدرک علی الصحیحین، ۳، ۴۷۲۰، ص ۱۶۳؛ کمال‌الدین، ح ۵۹، ص ۲۳۹)

۴. عن رسول الله ﷺ: «أَنَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَيْتِ إِسْرَائِيلَ مَنْ دَخَلَهُ غُفِرَ لَهُ». (المعجم الاوسط، ۶، ۵۸۷۰، ص ۸۵؛ المعجم الصغير، ۲، ص ۲۲؛ الصواعق

## معرفی امامان توسط پیامبر ﷺ

۸. برای این که از هرگونه خطا و انحراف در شناسایی خلفا و جانشینان پیامبر، اجتناب شود، پیامبر اکرم ﷺ بارها درباره ویژگی ها و نام و لقب و حسب و نسب و قوم و تبار امامان پس از خود سخن فرمودند، بنابراین افرادی مثل بنی امیه و بنی عباس - گرچه به ظاهر منصب خلافت را اشغال کردند - هرگز مصداق روایات پیامبر ﷺ نیستند زیرا هیچ یک از آن ویژگی ها در اینان یافت نشده است! تعداد خلفای یادشده بیش از دوازده تن بوده و از قریش نبوده اند و اعمال آنها در موارد زیادی برخلاف قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ بوده است و به همین دلیل پیامبر اسلام ﷺ هوش مندانه به خطر آنها برای اسلام و مسلمین هشدار داده است:

وای بر این امت از سلاطین جبّارا چگونه می کشند و اطاعت کنندگان را می ترسانند مگر آنها که آشکارا آنها را اطاعت کنند! مؤمن پرهیزکار با زبان [و در ظاهر] با آنها سازگاری می کند ولی درد دل از اینان فرار کرده و دوری می جوید! پس آن گاه که خداوند اراده کند که اسلام را عزیز گرداند هر جبّاری را نابود می سازد و او بر هر آن چه اراده کند تواناست [و بر این که] امتی را پس از فساد، اصلاح فرماید.<sup>۱</sup>

المحرقة، ص ۱۵۲)

۱. عن رسول الله ﷺ قال: «وَيَخِ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ مُلُوكِ جَبَابِرَةٍ كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَيُخَيِّفُونَ الْمُطِيعِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ فَالْمُؤْمِنُ التَّقِيُّ يُصَانِعُهُمْ بِلِسَانِهِ وَيَفِرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيْرًا فَصَمَّ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ أَنْ يُصْلِحَ أُمَّةً بَعْدَ فَسَادِهَا». (المعجم الاحاديث الامام المهدي، ج ۱۰، ح ۱، ص ۱۵ به نقل از صفة المهدي)

بخش دوم:

همدی شناسی



## فصل اول

### امام مهدی علیه السلام در قرآن

مهدویت حقیقتی است که قرآن کریم به عنوان قانون اساسی اسلام به آن پرداخته است زیرا که مهدویت هم از ابتدای خلقت عالم به عنوان غایت و هدف نهایی از خلقت انسان و بعثت انبیاء مطرح بوده است و هم به عنوان مهم ترین موضوع در آینده جهان، با سرنوشت انسان ها گره خورده است. اما چون قرآن کریم در معرفی افراد و گروه ها همیشه به صراحت عمل نکرده است، بعضی گمان کرده اند که این حقیقت نورانی در قرآن نیامده است حال آن که شیوه قرآن در بیان معارف و واقعیت های عالم در بسیاری از موارد، بیان ویژگی ها و اوصاف است. برای مثال در مسئله ولایت و خلافت بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که ضرورت آن امری بدیهی و مورد قبول همه مسلمین است، فراوان سخن گفته ولی در همه جا برای ذکر مصداق ولی و جانشین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله از شیوه بیان اوصاف و ویژگی ها استفاده کرده است. مانند آیه ۵۵ از سوره مائده و یا آیه ۵۹ از سوره نساء.

بنابراین وقتی با دقت به آیات قرآن نگاه می‌کنیم درمی‌یابیم که هر جا از آینده اسلام و بشریت سخن گفته ویژگی‌هایی از حکومت امام مهدی علیه السلام را مطرح کرده است؛ زیرا که آن چه از اوصاف در این زمینه بیان کرده است جز بر دولت مهدی علیه السلام قابل انطباق نیست. این حقیقتی است که روایات فراوانی از شیعه و سنی پشتوانه آن است. در این بخش بعضی از آن آیات و روایات را می‌آوریم:

قال تعالی: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۱</sup>

«خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در زمین خلیفه (خود) گرداند همان گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و ترس آنها را به ایمنی مبدل گرداند (تا) مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.»

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

تأویل این آیه هنوز نیامده است و اگر قائم ما قیام کند پس از این، هر که او را درک کند تأویل این آیه را خواهد دید و هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله به هر کجا شب می‌رسد خواهد رسید تا آنجا که



مشرکی بر سطح زمین نخواهد ماند همان گونه که خداوند فرموده: مرا عبادت می‌کنند و هیچ شرکی به من نمی‌ورزند.<sup>۱</sup>

۲. امام سجاد علیه السلام آیه مذکور را تلاوت کرده و فرمود:

ایشان (که در آیه به آنها وعده داده شده) به خدا سوگند شیعیان ما اهل بیت هستند. خداوند با آنها چنین خواهد کرد به دست مردی از ما (اهل بیت علیهم السلام) و او مهدی این امت است و او همان کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله (درباره اش) فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد که مردی از اهل بیت من به ولایت برسد و هم نام من است که زمین را از عدل و قسط پر می‌کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد.<sup>۲</sup>

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

خدایا آن چه به ما وعده فرمودی به انجام رسان به راستی که تو وعده را تخلف نکنی! راوی گوید: پرسیدم: مولای من کجاست (و کدام است) وعده خدا؟ فرمود: سخن خدای بلند مرتبه که فرموده: خداوند به مومنان از شما و آنها که اعمال شایسته انجام

---

۱. عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ آيَةِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَيَّرِي مَنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ آيَةِ وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ: يَعْبُدُونِي لِأَشْرِكُونَ بِي شَيْئاً».

(مجمع البيان، ذیل آیه ۳۹ انفال؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴، ب ۳۲، ف ۲۱، ح ۴۱۶)

۲. عن الإمام زين العابدين عليه السلام أنه قرأ الآية وقال: هم والله شيعتنا اهل البيت يفعل الله ذلك بهم على يدي رجل منا وهو مهدى هذه الامة وهو الذى قال رسول الله صلى الله عليه وآله لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يلى رجل من عترتى اسمه اسمى يملأ الارض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً. (مجمع البيان، ذیل آیه؛ اثبات

الهداة، ج ۳، ص ۵۲۵، ب ۳۲، ف ۲۱، ح ۴۲۲)

دادند وعده داده که ایشان را در زمین خلیفه گردانند.<sup>۱</sup>

۴. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

روی زمین خانه‌ای از سنگ و خاک و پشم نمی ماند مگر این که خداوند اسلام را در آن داخل می کند.<sup>۲</sup>

### نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن

یک. خداوند در این آیه برای آینده اسلام و مسلمین، خبر از جامعه‌ای داده است که مسلمین در آن حاکم بوده و دین اسلام همه جهان را فرا خواهد گرفت و هیچ ترس و نگرانی برای امت اسلامی نخواهد بود بلکه در همه جا با امنیت کامل به سر خواهند برد.

دو. نتیجه برپایی جامعه‌ای با خصوصیات مذکور در آیه، آن است که عبادت واقعی خدا محقق خواهد شد و زمین از عبادت‌های شرک آلود پاک خواهد شد چنان که این معنا از فراز «يُعْبَدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»<sup>۳</sup> استفاده می شود.

۱. عن الصادق عليه السلام: اللهم انجز لنا ما وعدتنا انك لا تخلف الميعاد، قال: قلت: يا سیدی فاین وعدا لله؟ قال: قول الله عزوجل: وعدا لله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض. (اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۱، ب ۳۲، ف ۵۹، ح ۷۶۴؛ بحار، ج ۵۱، ص ۶۴، ب ۵، ح ۶۵)

۲. روی سلیم بن عامر عن المقداد بن اسود (قال) سمعت رسول الله ﷺ يقول: لا یبقی علی ظهر الارض بیت حجر ولا مدر ولا وبر الا ادخله الله کلمة الاسلام.... (تفسیر الماوردی، ج ۴، ص ۱۱۸؛ مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۱۴- البرهان (ذیل آیه)؛ به نقل از جوامع الجامع - تفسیر قرطبی ذیل آیه)

۳. سوره نور، آیه ۵۵.

سه. لازمه عبادت خدا بدون هر گونه شرکی، حاکمیت اسلام بر همه زمین و خلیفه شدن برگزیده ترین فرد از میان اهل اسلام بر همه ارض و استقرار امنیت در همه زمینه های حیات فردی و اجتماعی است؛ پس محدود کردن معنی آیه به زمان چهار خلیفه پس از پیامبر اسلام ﷺ وجهی ندارد.<sup>۱</sup> در روایتی بلند از امام صادق علیه السلام فرازهای این آیه بیان گردیده و تحقق آنها به زمان ظهور مهدی علیه السلام منوط گردیده است و در ادامه این گونه آمده است:

مفضّل (راوی روایت) گوید: گفتم ای پسر رسول خدا، این نواصب معتقدند که این آیه (یعنی آیه ۵۵ سوره نور) دربارهٔ خلافت) ابوبکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام نازل شده (و از دوران آنها خبر می دهد). حضرت فرمود: خدا دل های ایشان را هدایت نکند! چه زمانی بوده که دین مورد رضایت خدا و رسول (یعنی اسلام) تثبیت گردیده همراه آن امنیت در میان امت گسترده شده و نگرانی از دل های ایشان رخت بسته و هر گونه شک و تردیدی از سینه مسلمین برطرف شده؟ در زمان کدامین نفر از خلفای سه گانه و یا در خلافت علی علیه السلام؟! حال آن که در همان ایام (بعضی از) مسلمین مرتد گشته و فتنه ها و آشوب هایی برپا گردید و جنگ هایی میان کفار و مسلمین رخ داده است.<sup>۲</sup>

---

۱. برخی از علمای اهل سنت گفته اند که مراد از آیه دوران خلافت خلفای راشدین و امام علی علیه السلام است.

۲. «قَالَ الْمَفْضَلُ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ النَّوَاصِبَ تَزْعُمُ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ قَالَ لَا يَهْدِي اللَّهُ قُلُوبَ النَّاصِبَةِ مَتَى كَانَ الدِّينُ الَّذِي

چهار. آن چه در این آیه بیان گردیده از حکومت نهایی صالحان بر زمین و جهانی شدن دین اسلام، حقیقتی است که در آیاتی دیگر از قرآن نظیر آیه ۲۳ سوره توبه و ۲۸ سوره فتح و ۹ سوره صفّ به صراحت آمده است و بارها بشارت داده است که وارث زمین، بندگان شایسته خواهند بود (مانند انبیاء/۱۰۵) و عاقبت از آن متقین خواهد بود (مانند اعراف/۱۲۸). روشن است که حمل آیه بر معنایی که در قرآن نظائری دارد بهتر است از محدود کردن آن به یک معنی بدون شاهد و دلیل!

پنج. علاوه بر شواهدی که از متن آیه و آیات دیگر استفاده می شود، روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام رسیده که تأویل آیه را مربوط به روزگار ظهور مهدی علیه السلام دانسته است. این روایات از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده و در تفاسیری روائی نظیر البرهان، نورالثقلین و صافی آمده است.

شش. در تفاسیر اهل سنت هم طبق بعضی از اقوال صحابه، کلمه «الارض» به بلاد عرب و عجم تفسیر شده و به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استناد گردیده است که طبق آن اسلام در آینده همه دنیا را خواهد گرفت و هیچ خانه‌ای نمی ماند مگر این که اسلام به آن داخل می گردد.

اِرْتَضَاهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مُتَمَكِّنًا بِاِنْتِسَارِ الْاَمْنِ فِي الْاُمَّةِ وَذَهَابِ الْخَوْفِ مِنْ قُلُوبِهَا وَارْتِفَاعِ الشَّلْكِ مِنْ صُدُورِهَا فِي عَهْدِ اَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ وَفِي عَهْدِ عَلِيِّ ع مَعَ ارْتِدَادِ الْمُسْلِمِينَ وَ الْفِتَنِ النَّبِيِّ كَانَتْ تَنْوُرُ فِي اَيَّامِهِمْ وَالْحُرُوبِ الَّتِي كَانَتْ تَنْشُبُ بَيْنَ الْكُفَّارِ وَبَيْنَهُمْ.

(تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۳۱۹، ذیل آیه شریفه؛ به نقل از کمال الدین و تمام النعمه)

این حدیث خبر از جهانی شدن اسلام می دهد که به اتفاق مسلمین در روزگار مهدی علیه السلام خواهد بود و در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه خواهد آمد.

آیه دوم. قال تعالی: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۱</sup>

ترجمه: او خدائی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا (در نهایت) آن (آئین حق) را بر همه آئین ها پیروز گرداند هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

درباره آیه فوق روایات فراوان از شیعه و سنی آمده است که چند نمونه می آوریم:

۱. امام صادق علیه السلام درباره آیه بالا فرمود:

به خدا سوگند تاویل این آیه هنوز نازل نشده است و تاویل آن نخواهد آمد مگر آن گاه که قائم علیه السلام ظهور کند. پس وقتی او قیام کند. هیچ کافر و مشرکی نسبت به خدا و امام نمی ماند مگر این که از ظهور او نگران و ناراحت خواهد بود به گونه ای که اگر کافری یا مشرکی در دل سنگی (پنهان) باشد آن سنگ خبر دهد که ای مومن در دل من کافری وجود دارد مرا بشکن و او را بکش!<sup>۲</sup>

۱. سوره توبه، آیه ۳۳.

۲. عَنْ أَبِي بصير قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ - فَقَالَ وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَفَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرْنِي وَافْتُلَّهُ. (نورالتقنين، ج ۳، ص ۱۰۸ «ذیل آیه»؛ به نقل از کمال الدین)

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آیه فوق پرسید:

آیا تا کنون اسلام بر سایر ادیان غلبه یافته؟ در پاسخ گفتند:  
 آری! فرمود: هرگز (چنین نشده است) قسم به خدائی که جانم  
 در دست اوست (چنان جهان را خواهد گرفت) که روستایی  
 نمی ماند مگر این که گواهی به کلمه توحید هر صبح و شام در  
 آن داده می شود!<sup>۱</sup>

۳. امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم از ما (اهل بیت علیهم السلام) یاری شده به رُعب است و تأیید شده  
 به نصرت الهی؛ زمین برای او پیچیده می شود و گنج ها برای او  
 آشکار می گردد. حاکمیت او به شرق و غرب زمین می رسد و  
 خداوند به دست او دین خود را بر همه ادیان چیره می سازد  
 گرچه مشرکان ناراحت باشند پس (در زمان او) ویرانه ای  
 نمی ماند مگر آن که آباد می شود و روح خدا عیسی بن مریم (از  
 آسمان) پایین می آید و پشت سر او نماز می خواند.<sup>۲</sup>

این ها کلمات نورانی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است که بهترین مفسران  
 قرآن کریم اند ولی در میان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعین آن ها نیز کسانی

۱. عَنْ عَبَّادَةَ بْنِ رَبِيعٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ: «هُوَ الَّذِي أُرْسِلَ رَسُولُهُ الْآيَةَ أَوْ  
 ظَهَرَ ذَلِكَ بَعْدَ قَالُوا نَعَمْ كَلًّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَنُودِيَ فِيهَا  
 بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بَكْرَةً وَعَشِيًّا.» (مجمع البيان، ذیل آیه  
 ۹ صف)

۲. عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام يَقُولُ: «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ وَتُظْهِرُ  
 لَهُ الْكُنُوزَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ  
 وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمِرَ وَيُنْزِلُ رُوحَ اللَّهِ عَيْسَى ابْنَ  
 مَرْيَمَ عَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ.» (نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۰۹، ح ۱۲۴ «ذیل آیه»)

هستند که آیه مورد بحث را به زمان ظهور مهدی علیه السلام تفسیر کرده‌اند که چند نمونه را می‌آوریم:

۱. ابوهزیره که از اصحاب پیامبر و راویان معروف اهل سنت است در توضیح آیه فوق گفته است:

این وعده‌ای است از خداوند به این که اسلام را بر همه ادیان برتری خواهد داد.

و سدی که از مفسران بزرگ است گفته: این رویداد هنگام قیام مهدی علیه السلام است (در آن هنگام) کسی نمی‌ماند مگر این که به اسلام درآید یا جزیه دهد.<sup>۱</sup>

۲. سعید بن جبیر از بزرگان تابعین و دانشمندان والامقام و از اصحاب امام سجاد علیه السلام در تفسیر آیه فوق گفته است مقصود از آیه مهدی علیه السلام است که از خاندان فاطمه علیها السلام می‌باشد.<sup>۲</sup>

۳. جابر درباره این آیه گفته است:

این وعده خدا نخواهد مگر این که هیچ یهودی و نصرانی نمی‌ماند و هیچ دینی نخواهد بود مگر اسلام (و چنان امنیتی خواهد بود) که گوسفند از گرگ و گاو از شیر و آدمی از مار احساس امنیت می‌کند... و آن وقت است که عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید.<sup>۳</sup>

و البته روشن است که مراد از زمان نزول عیسی علیه السلام همان زمان ظهور

---

۱. التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۴۰.

۲. بحار، ج ۱۵، ص ۹۸، ح ۳۸.

۳. الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۶۱ (ذیل آیه ۳۳ سوره توبه).

مهدی علیه السلام است زیرا که این مطلب مورد قبول همه مسلمین است که عیسی علیه السلام همزمان با ظهور مهدی علیه السلام فرود می آید.

### نکاتی درباره آیه شریفه و روایات ذیل آن

یک. این آیه شریفه که در سه جای قرآن آمده به صراحت از جهانی شدن دین اسلام و غلبه آن بر همه ادیان خبر داده است و غلبه کامل اسلام بر همه ادیان به معنی چیرگی دین اسلام در همه ابعاد است و چون متعلق اراده خداوند است حتماً واقع خواهد شد.

دو. مراد از غلبه اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله بر سایر ادیان تنها پیروزی از جهت منطق و استدلال نیست بلکه غلبه ظاهری و حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می کند چنان که در آیات دیگر هم «ظَهَرَ» به معنی غلبه ظاهری به کار رفته است<sup>۱</sup> (مثل آیه ۲۰ سوره کهف و آیه ۸ سوره توبه)

سه. کراهت مشرکین که در آیه مطرح شده زمانی به اوج می رسد که اسلام را دین حاکم بر جهان بدانند و این می رساند که مراد از غلبه اسلام در آیه غلبه ای کامل و فراگیر است.

چهار. گذشته از ظاهر آیه، از روایات نیز غلبه ظاهری اسلام بر همه ادیان استفاده می شود. چون سخن از نابودی شرک در همه نقاط عالم و از بین رفتن همه مشرکان و کافران مطرح شده است که جز با غلبه ظاهری اسلام چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

۱. تفسیر نور، ج ۵، ص ۵۱. (ذیل آیه ۳۳ سوره توبه)



پنج. در روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام امام مهدی علیه السلام این گونه خوانده شده است: او همان کسی است که خداوند به سبب او دینش را بر همه ادیان غلبه خواهد داد. این تعبیر همان است که در آیه شریفه مطرح گردیده و می‌رساند که زمان تحقق این بشارت، همان زمان حاکمیت مهدی علیه السلام است. (روایت ۳)

شش. در بعضی از روایات آمده است که تحقق این آیه زمانی است که هیچ کس نمی‌ماند مگر این که اسلام می‌آورد. بلکه همه مظاهر کفر و شرک مانند صلیب و خنزیر نابود می‌گردد و امنیت مطلق همه جا و همه کس را فرا می‌گیرد. اینها اموری است که تا کنون محقق نشده و در سایه غلبه ظاهری اسلام بر همه ادیان و در عصر حاکمیت ولی خدا (امام مهدی علیه السلام) محقق خواهد شد.

آیه سوم: قوله تعالی ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَتُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾<sup>۱</sup>

ترجمه: و ما اراده کرده ایم که بر مستضعفان در زمین منت نهاده و آنها را پیشوایان و وارثان قرار دهیم و در زمین به ایشان قدرت داده و از ناحیه آنها به فرعون و هامان و لشکریان آنها نشان دهیم آنچه را که از آن بیم داشتند.

در توضیح و تفسیر این آیه نیز روایات فراوانی وارد شده است که

بعضی از آنها را می‌آوریم:

۱. امام علی علیه السلام فرمود:

هر آینه دنیا پس از چموشی و سرکشی، مانند شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و آن را برای بچه اش نگه داری می کند، به ما روی خواهد آورد. پس امام این آیه را تلاوت فرمود: «ونريد ان نممن... الوارثين»<sup>۱</sup>.

۲. امام علی علیه السلام درباره آیه بالا فرمود:

مقصود از این مستضعفان، خاندان پیامبرند که سرانجام خداوند مهدی ایشان را پس از تلاش و کوشش آنها برمی انگیزد؛ پس به وسیله او آنان را عزیز کرده و دشمنانشان را خوار می گرداند.<sup>۲</sup>

۳. امام سجاد علیه السلام فرمود:

قسم به آن خدائی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت تا بشارت دهنده و بیم دهنده باشد همانا خوبان ما اهل بیت و پیروان آنها به منزله موسی و پیروانش هستند و دشمنان ما اهل بیت و پیروانش به منزله فرعون و پیروانش.<sup>۳</sup>

۱. عن علی امیر المؤمنین علیه السلام قال: «لَتُعْطَقَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَظَفَ الصَّرْوَسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ - : وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹)

۲. عن علی امیر المؤمنین علیه السلام فی قوله: «وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ قَالَ هُمْ أَلْ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعْزُهُمْ وَ يُذِلُّ عَدُوَّهُمْ». (الغیبة للطوسی، ص ۱۱۳)

۳. و عن علی بن الحسین علیه السلام قال: «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ شِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ عَدُوَّنَا وَ شِيعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَ أَشْيَاعِهِ». (مجمع البیان، ذیل آیه شریفه)

#### ۴. صدوق علیه السلام از حکیمه خاتون نقل کرده:

چون هفت روز از تولد قائم علیه السلام گذشت نزد پدرش امام عسگری علیه السلام آمدم، سلام کردم و نشستیم. امام فرمود: فرزندم (مهدی) را نزد من بیاور و من چنین کردم... سپس امام عسگری فرمود: فرزندم! سخن بگو! فرمود: گواهی می‌دهم که معبودی جز الله نیست و سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و امامان پاک درود فرستاد تا این که به نام پدرش - حضرت عسگری علیه السلام - رسید و متوقف شد و سپس این آیات را تلاوت فرمود: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾<sup>۱</sup>

#### توضیحی درباره جایگاه آیه

در آیات قبل از آیه مورد بحث سخن از استکبار فرعون و ظلم و جنایت او نسبت به گروهی از ساکنان مصر یعنی بنی اسرائیل است. او با کشتن پسران و زنده نگه داشتن دختران و زنان آنها می‌خواست قومی ضعیف و ناتوان ایجاد کند زیرا که بر اساس پیش‌گویی کاهنان، از حاکمیت بنی اسرائیل و نابودی خود و دستگاه استکباریش بیم داشت

---

۱. باسناد الصدوق الی حکیمه قالت: «فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ السَّابِعِ جِئْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ فَقَالَ هَلُمِّي إِلَيَّ ابْنِي فَجِئْتُ بِسَيِّدِي وَ هُوَ فِي الْحِزْبَةِ فَفَعَلَ بِهِ كَفَعَلْتَهُ الْأُولَى ثُمَّ أَدْلَى لِسَانَهُ فِي فِيهِ كَأَنَّمَا يُعَدِّيهِ لَبْنَا أَوْ عَسَلًا ثُمَّ قَالَ تَكَلَّمْ يَا بُنَيَّ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ تَنبَى الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ حَتَّى وَقَفَ عَلَى أَبِيهِ علیه السلام ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فُرْعُونَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ...» (كمال‌الدین، ص ۴۲۵، ب ۴۲، ح ۱؛ به نقل از نور

و آیات ۵ و ۶ سوره قصص خبر از اراده الهی داده است که برخلاف خواست فرعون، می خواهد مستضعفان را بر مستکبران پیروز گردانیده و آنها را از انواع نعمت های خود بهره مند سازد.

نکته مهم در این آیات این است که اراده الهی بر نابودی فرعون و غلبه بنی اسرائیل بر او به گونه ای بیان شده که نشان می دهد این یک جریان کلی و قاعده عمومی و سنت جاری در تاریخ است و اختصاص به قوم و ملت خاصی - مثل بنی اسرائیل - ندارد زیرا اولاً سیاق موجود در آیه که افعال به کار رفته ی در آن به صیغه مضارع است می رساند که این اراده، مقطعی و موضعی نبوده بلکه مستمر و دنباله دار است و همه زمان ها را فرا می گیرد و ثانیاً در آیه دوّم از همین سوره فرموده «تَنْلُوا عَلَيْنَا مِنْ نَبِيٍّ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup> یعنی «ما بخشی از سرگذشت موسی و فرعون را برای (آگاهی) گروهی که ایمان می آورند، به درستی بر تو می خوانیم» و این می رساند که خداوند جریان مشکلات و مصائب موسی و بنی اسرائیل و فضای سخت زندگی آن ها را بیان می کند که تسلائی برای پیامبر و یاران او باشد و هم با توجه به فرجام نیکوی آن ها، بشارتی باشد که آن ها نیز به آینده ای بنگرند که همان اراده الهی درباره مسلمانان تحقق پیدا کند.

آن چه این برداشت را تقویت می کند وجود دو دسته آیات و روایات است:

۱. سوره قصص، آیه ۳.

الف. مسئله حاکمیت مستضعفان بر زمین نه تنها در این آیه که در آیات متعدد و با عبارات گوناگون بیان شده است:

قال تعالی: ﴿وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا...﴾<sup>۱</sup>

وقال تعالی: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ﴾<sup>۲</sup>

وقال تعالی: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۳</sup>

و نیز سوره نورا آیه ۵۵ و سوره یونس آیه ۱۳ و ۱۴.

ب. روایات فراوان از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام موجود است که این آیات را بر امامان اهل بیت علیهم السلام هم چون امام علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام تطبیق کرده است و در واقع حکومت اهل بیت علیهم السلام و ظهور مهدی علیه السلام را مصداق این آیات دانسته است که بخشی از این روایات را نقل کردیم.

### نکاتی پیرامون آیه شریفه و روایات آن

۱. مطابق آیه، خداوند درباره مستضعفان پنج امر را اراده

۱. سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۱۳-۱۴.

۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

فرموده است:

آنان را مشمول نعمت های خود قرار دهد و وارثان حکومت جباران گردانند و حکومتی قوی و پابرجا به آنها عطا کند و آنها را پیشوایان گردانیده و آن چه دشمنانشان از آن می ترسیدند به آنها (یعنی دشمنان) نشان دهد.

۲. اراده خداوند برتر از اراده غیر اوست و همان طور که در گذشته عملی گردیده است در آینده تاریخ نیز به عمل خواهد پیوست چنان که خود فرموده است: ﴿تَمَّا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾.<sup>۱</sup>

۳. «مَنْت» به معنی نعمت سنگین است و دو گونه است: فعلی و قولی، و در آیه مقصود مَنْت فعلی است به معنی بخشیدن نعمت بزرگ به ایشان و آن چه قبیح است مَنْت قولی است یعنی بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر طرف مقابل، چنان که در قرآن فرموده: ﴿يَمْتُونُ عَلَيْكَ أَنْ أُسْلِمُوا...﴾<sup>۲ و ۳</sup>

۴. با توجه به مجهول بودن فعل «استضعفوا» مراد از «مستضعف» در آیه کسانی هستند که به ضعف کشیده شده اند و طاعت آنها را به بند کشیده نه این که خود به این امر تن داده باشند.

۵. نه تنها فرعون که همه جباران تاریخ سعی می کردند که نیروها

۱. سوره یس، آیه ۸۲.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۷.

۳. المیزان، ذیل آیه ۵ سوره قصص؛ به نقل از: مفردات راغب اصفهانی.

فعال جامعه را از کار بیندازند. فرعون مردان را می‌کشت و امروز با انواع وسائل مخدر روحیه مردی و مردانگی را می‌کشند و سعی می‌کنند تا به هر وسیله مثل فحشا و سرگرمی‌های ناسالم مانع پیش‌رفت معنوی و علمی ملت‌ها شوند.

۶. از روایات می‌فهمیم که قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه مصداق کامل اراده خداوند برای پیروزی مستضعفان بر مستکبران است که قبلاً نمونه محدودتر از آن در حکومت پیامبر اکرم ص در مدینه و پیش از آن در بنی اسرائیل رخ داده است.

۷. ابن ابی‌الحدید معتزلی شارح نهج‌البلاغه در توضیح کلام امام علی ع آورده است:

به اعتقاد شیعه این آیه وعده خدا به ظهور امام غائبی است که در آخرالزمان مالک همه زمین می‌گردد و علمای ما (اهل سنت) می‌گویند که این آیه وعده خداوند به ظهور یک امام است که بر همه ممالک مسلط خواهد شد و لازمه این وعده آن نیست که آن امام هم اکنون موجود باشد.<sup>۱</sup>

بنابراین در اصل تطبیق آیه بر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه اتفاق نظر است و اختلاف در ولادت آن امام است.

۸. شرط برقراری حکومت مستضعفان، تلاش و کوشش و صبر و پایداری مومنان است چنان‌که در روایت امام علی ع آمده بود که پس از تلاش آل محمد ص مهدی آنها ظهور خواهد کرد و آنها را عزیز

۱. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۹-۲۰، ص ۲۴، حکمت ۲۰۵.

خواهد ساخت. چنان که بنی اسرائیل هم زمانی حاکم شدند که به رهبری موسی علیه السلام صف واحدی تشکیل دادند و در راه خدا استقامت کردند چنان که خداوند فرمود: ﴿... وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا...﴾<sup>۱</sup>

تذکر مهم: ما در این جا تنها به ۳ آیه از آیات مربوط به مهدویت پرداختیم ولی آیات در این موضوع بسیار فراوان است که علاقه مندان می توانند به کتاب «المحجّة فی ما نزل فی القائم الحجّة»<sup>۲</sup> و یا کتاب «معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام»<sup>۳</sup> مراجعه کنند.

---

۱. سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

۲. این کتاب تألیف علامه بحرانی رحمته الله است که حاوی ۱۲۰ آیه است.

۳. این کتاب تألیف گروهی از مولفان و محققان قرآنی است که حاوی ۲۶۵ آیه است.



## فصل دوم:

### حسب و نسب شریف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

صدها روایت از کتب فریقین دلالت دارد که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه از خاندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و از فرزندان پاک و مطهر اوست و در همین دسته از احادیث، پدران و اجداد آن حضرت یک به یک بیان گردیده و نسب شریف او را به پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ختم کرده است<sup>۱</sup> به گونه ای که هیچ فردی چنین نسب شریف و درخشانی ندارد.

۱. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

او مردی از عترت من است. او بر اساس سنت من می جنگد همان گونه که من بر اساس وحی جنگیدم.<sup>۲</sup>

۲. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مردی از اهل بیت من قیام می کند. نام او شبیه نام من است و

---

۱. رک: به منتخب الاثر، ص ۱۲۵-۲۱۶.

۲. عن عائشة عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هو رجل من عترتي يقاتل على سنتي كما قاتلت انا على الوحى». (الفتن، ج ۵، ص ۱۹۹؛ عقدة الدرر، ص ۱۶)

خُلق و خوی او همان خُلق من است. زمین را از عدل و قسط پر می‌کند همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۱</sup>

### ۳. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

به راستی که علی ابن ابیطالب علیه السلام امام امت من است و پس از من جانشین من بر امت است و از فرزندان او قائم منتظر است که خداوند به سبب او زمین را از عدل و قسط پر خواهد کرد همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. قسم به آن خدایی که مرا به حق، بشارت دهنده قرار داد به راستی آنها که در زمان غیبت او بر اعتقاد به او استوار بمانند از کبریت سرخ کمترند! [در این هنگام] جابر بن عبدالله انصاری برخاست و خطاب به پیامبر گفت: ای رسول خدا آیا برای قائم از فرزندان شما غیبتی خواهد بود؟ فرمود: آری قسم به پروردگارم. هر آینه خدا به سبب غیبت [او] اهل ایمان را تمحیص می‌کند و کافران را نابود خواهد کرد. ای جابر به درستی که این امر از امر خداست و سرتی از اسرار اوست. دانش آن از بندگان پیچیده شده؛ بهره‌یز از شک در آن که شک در امر خدا کفر است.<sup>۲</sup>

۱. و عن ابن مسعود عن النبي ﷺ: «يُخْرَجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَ خُلُقُهُ خُلُقِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». (المعجم الكبير، ج ۱۰، ح ۱۰۲۲۹؛ کنز العمال، ۱۴، ص ۲۷۳)

۲. عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِمَامٌ أَمْتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهِمْ بَعْدِي وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ عَرْوَجَلْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنْ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعْرُزَ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِقَائِمٍ مِنْ وُلْدِكَ غَيْبَةٌ فَقَالَ إِي وَ رَبِّي وَ لِيَمَحُصَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمَحُقَ الْكَافِرِينَ يَا جَابِرُ إِنْ هَذَا الْأَمْرُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرِّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيٌّ عَنِ عِبَادِهِ فَإِنَّكَ وَ الشَّكُّ فِي أَمْرِ

۴. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مهدی از خاندان من است و از فرزندان فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام.<sup>۱</sup>

۵. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

از آن دو - حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام - مهدی این امت متولد خواهد شد.<sup>۲</sup>

۶. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

دنیا تمام نمی‌گردد مگر این که مردی از نسل حسین عَلَيْهِ السَّلَام به امر [سرپرستی و امامت] امت من قیام خواهد کرد. او دنیا را پر از عدالت می‌کند همان گونه که از جور پیر شده باشد. گفتیم: کیست او ای رسول خدا؟ فرمود: او نهمین نفر از نسل حسین عَلَيْهِ السَّلَام است.<sup>۳</sup>

۷. از زید بن علی بن الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَام روایت شده که گفت:

---

اللهُ فَهُوَ كُفْرًا». (فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵؛ بیابیع المودة، ص ۴۲۴؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷)

۱. عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمُهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ». (سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۴)

۲. عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُولَدُ مِنْهُمَا - يَعْنِي الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَام - مُهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ». مخفی نیست که چون مادر بزرگوار امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام دختر امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام است، امامان ما از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام تا امام دوازدهم از نسل امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام هستند، همان گونه که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این حقیقت خبر داده است که خود یک خبر غیبی است و از نشانه‌های نبوت او. (منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۵۳)

۳. عن زین بن ثابت عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرَاتِي رَجُلٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جُورًا. قُلْنَا: مَنْ هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ? قَالَ: هُوَ التَّاسِعُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام. (كفایة الاثر، ص ۹۷، ب ۱۲، ح ۳)

نزد پدرم علی بن الحسین علیه السلام بودم که جابر بن عبدالله انصاری بر او داخل شد و در حالی که با پدرم سخن می‌گفت برادرم محمّد [الباقر] از یکی از حجره‌ها بیرون آمد و جابر به سوی او خیره شد سپس برخاست و به سوی او رفت و گفت:

ای پسر! جلو بیا و او پیش آمد سپس گفت: برو، پس او رفت. پس جابر گفت: شمائل [این پسر] مانند شمائل پیامبر خداست که درود خدا بر او و خاندان او باد. (سپس گفت: ای پسر نام تو چیست؟ فرمود: محمّد. گفت: فرزند چه کسی هستی؟) فرمود: علی بن الحسین بن ابیطالب. گفت: پس تو «باقر» هستی. زید گوید: پس جابر بر او افتاد و سر و دستان او را [محمّد الباقر] بوسید. سپس گفت: ای محمّد، به درستی که رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - بر تو سلام می‌رساند. محمّد فرمود: بر رسول خدا برترین سلام‌ها باد و بر تو ای جابر که سلام او را به من ابلاغ کردی. سپس جابر به مصلاّی خود بازگشته و شروع به سخن گفتن با پدرم (علی بن الحسین علیه السلام) کرد و چنین می‌گفت: به راستی که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای جابر، وقتی فرزندم باقرا دیدی سلام مرا به او برسان همانا او هم نام من و ششیه‌ترین مردم به من است. دانش او دانش من و حکم او حکم من است. هفت تن از فرزندان او، امینان و معصومان هستند، امامان نیک و هفتمین آنها مهدی ایشان است که زمین را از عدل و قسط پر می‌کند همان‌طور که از ظلم و جور پر شده باشد سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود: «و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کنند و انجام نیکی‌ها را به آنها وحی کردیم و نیز اقامه نماز و پرداخت زکات را و آنها برای ما

عبادت کنندگان بودند».<sup>۱</sup>

۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه به همه امامان از پدران و فرزندان من اقرار کرده و معتقد باشد ولی از میان فرزندان من، مهدی را انکار کند مثل آن است که همه انبیا الهی را پذیرفته ولی منکر پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله گردیده باشد. راوی گوید: ای مولای من، مهدی کیست؟ فرمود: پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام، شخص او از دیدگان شما غائب می‌گردد و نام بردن او بر شما جایز نیست.<sup>۲</sup>

---

۱. عن زین بن علی رضی الله عنه قال: «كنت عند ابي علي بن الحسين رضی الله عنه اذ دخل عليه جابر بن عبد الله الأنصاري فبينما هو يحدثه اذ خرج اخي محمد من بعض الحجج، فاشخص جابر ببصره نحوه، ثم قام اليه فقال: يا غلام اقبل، فاقبل ثم قال: ادبر، فادبر. فقال: شمائل كشمائل رسول الله صلی الله علیه و آله ما اسمك يا غلام؟ قال: محمد. قال: ابن من؟ قال: علي بن الحسين بن ابي طالب. قال: انت اذا الباقر. قال: فانكبت عليه وقبل رأسه و يديه. ثم قال: يا محمد ان رسول الله صلی الله علیه و آله يقرئك السلام. قال: علي رسول الله افضل السلام و عليك يا جابر بما بلغت السلام. ثم عاد الى مصلاه فاقبل يحدث ابي و يقول: ان رسول صلی الله علیه و آله قال لي يوماً: يا جابر، اذا ادركت ولدى الباقر فاقرأه مني السلام، فانه سمى و اشبه الناس بي، علمه علمي و حكمه حكمي، سبعة من ولده امناء معصومون، ائمة ابرار و السابع مهدىهم الذي يملأ الدنيا قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً ثم تلا رسول الله صلی الله علیه و آله ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾ (سورة انبياء، آية ۷۳)

(بحار الانوار، ج ۳۶، ب ۴۱، ح ۲۳۰، ص ۳۶۰: كفاية الاثر، ب ۴۰، ح ۳۰۳، ص ۳۰۱)

۲. عن الصادق عليه السلام: «مَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَيِّمَةِ وَجَحَدَ الْمَهْدِيَّ كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله بُنُوْتُهُ فَقَبِلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ قَالَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيْبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ». (كمال الدين،

ج ۲، ب ۲۹، ح ۴-۵، ص ۴۱۰ و نیز در ب ۳۳۸-۳۳۳)

۹. امام رضا علیه السلام فرمود:

هرکه پیش از قیام قائم ما، تقیّه را ترک کند از ما نیست. به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا، قائم از شما [خاندان] کیست؟ فرمود: چهارمین نفر از فرزندانم پسر سرور کنیزان، خدا به سبب او زمین را از هر ظلم و جور پاک خواهد ساخت و او همان است که مردم در ولادت او شک می کنند و او همان است که پیش از قیام خود، غیبت خواهد داشت.<sup>۱</sup>

۱۰. امام جواد علیه السلام فرمود:

... به درستی که قائم از ما [اهل بیت علیهم السلام] همان مهدی علیه السلام است که در زمان غیبت او باید منتظر او باشید و در زمان ظهورش از او اطاعت کنند و او سومین نسل از فرزندان من است. قسم به خدایی که محمّد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و ما را به امامت اختصاص داد هر آینه چنین است که اگر از (عمر) دنیا نمانده باشد مگر یک روز، حتماً خدا آن یک روز را چنان طولانی گرداند که در آن [مهدی] قیام کند پس زمین را از قسط و عدل پر کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد و همانا خداوند تبارک و تعالی امر [فرج] او را در شبی اصلاح خواهد کرد همان گونه که امر [نبوت] کلیم خود موسی علیه السلام را اصلاح کرد آن گاه که او رفت تا برای خاندان خود آتشی برگیرد [و بیاورد] پس در حالی برگشت

۱. عن الرضا علیه السلام: «... فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا - قِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مِنَ الْقَائِمِ مِنْكُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيَقْدِسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْعُغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ...». (همان، ج ۲، ب ۳۵، ح ۵، ص ۳۷۱؛ اثبات الهداة،

که رسول و پیامبر بود. سپس فرمود: برترین کارهای شیعیان ما انتظار فرج است.<sup>۱</sup>

۱۱. امام هادی علیه السلام فرمود:

به راستی که امام پس از من فرزندی حسن خواهد بود و پس از او فرزندش قائم همان که زمین را از قسط و عدل پرمی کند همان گونه که از جور و ظلم پر شده باشد.<sup>۲</sup>

۱۲. محمد بن عثمان عمروی [نائب دوم امام مهدی علیه السلام] نقل کرده است:

شنیدم از پدرم [عثمان بن سعید، نائب اول حضرت] که گفت از امام عسکری علیه السلام سؤال شد و حال آن که من حاضر بودم. سؤال درباره روایتی بود که از پدران بزرگوار حضرت نقل شده که: همانا زمین از حجت خدا بر خلق خالی نمی ماند تا روز قیامت و این که هرکس بمیرد و حال آن که امام زمان خود را نشناخته است به مرگ جاهلیت مرده است. پس حضرت امام عسکری علیه السلام فرمود: به راستی که این [روایات] حق است

---

۱. و عن محمد بن علی الجواد علیه السلام: «... إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي عَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ النَّالِثُ مِنْ وُلْدِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ بِالنَّبُوَّةِ وَ حَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا نِيَّومٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْنَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيُصْلِحَ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَسِبَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولُ نَبِيِّ ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ». (كمال الدين، ج ۲، ح ۱، ص ۳۷۷/اعلام الوری، ق ۲، ۲، ۴، ۲، ۲؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ب ۹، ح ۱، ص ۱۵۶)

۲. عن علی بن محمد الهادی علیه السلام: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنَ ابْنِي وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْنَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا». (كمال الدين، ج ۲، ح ۳۷، ص ۱۰، ص ۳۸۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ۳۰، ف ۱، ح ۱۷، ص ۳۹۴)

همان گونه که روز حق است. به آن حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا، حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندانم محمد امام و حجت پس از من است هرکه بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است. آگاه باشید که محققاً برای او غیبتی خواهد بود که نادان‌ها در آن به حیرت و سرگردانی می‌افتند و اهل باطل هلاک می‌گردند و وقت‌گذاران [دربارهٔ زمان ظهور] دروغ می‌گویند. سپس قیام می‌کند پس گویی پرچم‌های سفید را می‌بینم که بالای سرش در اهتزاز است در بلندی کوفه.<sup>۱</sup>

### نکته‌هایی دربارهٔ روایات

از میان صدها روایت ما تنها دوازده روایت نقل کردیم که نکته‌های فراوان از آنها استفاده می‌شود که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مهدی موعود علیه السلام از خاندان پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از نسل طاهر امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است و این حقیقتی است که در کتاب‌های معتبر شیعه و اهل سنت آمده است.

۱. عن محمد بن عثمان العمری قال: «سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سُئِلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام وَأَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبَرِ الَّذِي رُوِيَ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً - فَقَالَ علیه السلام إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنْ لَهُ غَيْبَةٌ بَحَارَ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَبَهَلَكَ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِخَيْبِ الْكُوفَةِ.» (كمال‌الدین، ج ۲، ب ۳۸، ح ۹، ص ۴۰۹؛ اثبات الهداة، ج ۳، ب ۳۲، ح ۱۸۹، ص ۴۸۲)



۲. براساس بسیاری از روایات، مهدی علیه السلام با همان ویژگی هایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معرفی کرده و همه مسلمانان به او اعتقاد دارند، نهمین فرزند از نسل پاکِ امام حسین بن علی علیه السلام است. (روایت ۵)

۳. او فرزند امام حسن بن علی العسکری علیه السلام، پیشوای یازدهم شیعیان است و یک پدران و اجداد او تا امام حسین بن علی علیه السلام و علی بن ابیطالب علیه السلام به گونه ای صریح و روشن بیان گردیده است و نسب شریف او چنین است:

محمّد (المهدی) پسر حسن العسکری علیه السلام، پسر علی الهادی علیه السلام،  
پسر محمد الجواد علیه السلام، پسر علی الرضا علیه السلام، پسر موسی کاظم علیه السلام، پسر  
جعفر الصادق علیه السلام، پسر محمّد الباقر علیه السلام، پسر علی السجّاد علیه السلام، پسر  
حسین الشہید علیه السلام، پسر علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه علیها السلام دختر  
پیامبر صلی الله علیه و آله.

۴. در این که نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق فاطمه زهرا علیها السلام دختر گرامی او ادامه یافته است هیچ تردیدی نیست و نیز به گواهی تاریخ و روایات شیعه و سنی، از فرزندان فاطمه علیها السلام و به ویژه از نسل امام حسین بن علی علیه السلام نسلی از عالمان و پاکان پا به عرصه وجود نهاده اند.

۵. امامان شیعه از نسل امام حسین علیه السلام از علی بن الحسین تا حسن بن علی العسکری علیه السلام، بزرگانی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده اند که در علم و تقوا سرآمد روزگار خویش بوده اند بنابراین ایشان همگی افرادی مشهور و معروف در نزد خلفای دوران خود و نیز توده مردم بوده اند و در میان همگان به عنوان «فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله»

شناخته می‌شدند.

۶. براساس روایات فراوان و گواهی تاریخ، ولادت نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام، پنهانی بوده است و بنا بر سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز امامان معصوم علیهم السلام، این پنهانی ولادت با غیبت و نهان زیستی همراه گردیده است.<sup>۱</sup> (روایت ۳، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۲)

۷. به جهت اهمیت موضوع مهدی علیه السلام و قیام جهانی او، شیعیان پیوسته از امامان خود درباره مهدی علیه السلام و زمان ظهور او سؤال می‌کردند و امامان نیز اصرار داشتند که علاوه بر نسب شریف مهدی علیه السلام و ویژگی‌هایی از او بیان کنند (مثل ولادت پنهانی، غیبت طولانی، حوادث دوران غیبت، علایم ظهور، حکومت جهانی و عدالت‌گستری). (روایت ۸، ۹ و ۱۲)

۸. با توجه به پنهان بودن ولادت مهدی علیه السلام و غیبت آن بزرگوار، مسئله شک و تردید و یا حتی انکار وجود او امری قابل پیش‌بینی بوده است و امامان شیعه از آن خبر داده و نسبت به آن هشدار داده‌اند. (روایت ۹ و ۱۰)

۹. در روایات امامان، سخن از غیبت مهدی علیه السلام در کنار بشارت به ظهور آن حضرت مطرح گردیده و امر ظهور او حتمی و بسیار نزدیک دانسته شده است تا پشتوانه‌ای برای استواری و پای‌بندی مؤمنان بر

---

۱. درباره آغاز غیبت مهدی علیه السلام دو نظر است: بعضی می‌گویند پس از شهادت پدر بزرگوارش و در سن ۵ سالگی غایب گردیده، و بعضی معتقدند هم‌زمان با تولد، دوره غیبت او شروع شده است.

خط امامت باشد و تردیدها و انکارهای مخالفان، آنها را متزلزل نکند.  
۱۰. براساس روایات، امر غیبت و ظهور مهدی علیه السلام به دست خداست و خداوند این گونه تدبیر فرموده است بنابراین وظیفه مردم تسلیم در مقابل قضای الهی است.



## فصل سوم:

### اسم و کنیه و شمایل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

در روایات فراوان در کتب فریقین از نام حضرت و کنیه او و شمایل و ویژگی های جسمی او و شیوه و روش او سخن به میان آمده است که بعضی از آنها را می آوریم:

۱. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. شبیه ترین مردم به من است از نظر خلقت و خلق و خو. برای او غیبتی خواهد بود و حیرتی که امت ها در آن گمراه خواهند شد سپس مانند ستاره درخشان روی خواهد کرد و زمین را پر از عدل و قسط خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۱</sup>

۲. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

---

۱. عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اِسْمُهُ اِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي اَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَخُلُقًا يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْاُمَّمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالْتِهَابِ النَّاقِبِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا». (عقد الدرر، ب ۲، ص ۳۰-۲۹)

قیامت برپا نخواهد شد تا این که مردی از خاندان من حاکم شود. نام او شبیه نام من است زمین را از عدل قسط پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۱</sup>

۳. راوی گوید: امام علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام نگاه کرده و فرمود:

به درستی که این فرزدم «سید» است چنان که پیامبر او را به این نام نامیده است از نسل او مردی پدید آید به نام پیامبرتان. او در زمان غفلت مردمان قیام خواهد کرد؛ آن گاه که حق مرده و جور آشکار شده باشد. اهل آسمان و ساکنان آن به سبب قیام او شادمان خواهند شد. او مردی است بلندپیشانی، دارای بینی باریکی است که میانش اندکی برآمدگی دارد... دارای ران هایی درشت و پهن، خالی بر ران راست اوست، میان دو دندان پیشین او گشاده است. زمین را از عدالت پر خواهد کرد همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۲</sup>

۴. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

حمد و سپاس خدایی را که مرا از دنیا بیرون نبرد تا این که

۱. عن رسول الله ﷺ «لأتقوم الساعة حتى يملك رجل من اهل بيتي يواطى، اسمه اسمي يملأ الارض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً». (كمال الدين، ج ۱، ص ۲۸۶، ب ۲۵، ج ۱)

۲. عن ابي وائل، قال: نظر علي الى الحسين عليه السلام فقال: «ان ابني هذا سيد كما سماه رسول الله ﷺ سيداً وسيخرج الله من صلبه رجلاً باسم نبيكم يشبهه في الخلق والخلق يخرج على حين غفلة من الناس وإماتة للحق وإظهار للجور والله لو لم يخرج لضربت عنقه فيخرج بخروجه أهل السماوات وسكانها وهو رجل أجلى الجبين أفتى الأنف صحم البظن أزيل الفخذين لفيخذه اليمنى شامة أفلج الثنايا يملأ الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً». (عقد الدرر، ب ۳، ص ۳۸؛ غيبة نعماني، ب ۱۳، ح ۲، ص ۳۰۶ مانند آن آمده است)

جانشینم را به من نشان داد. او از نظر خلقت و خُلق و خو شبیه‌ترین مردم به رسول خدا ﷺ است. خداوند او را در غیبتش حفظ خواهد کرد؛ سپس او را ظاهر خواهد ساخت. پس او زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۱</sup>

### نکته‌هایی از روایات

۱. روایاتی که اسم و کنیه و ویژگی‌های شخصی و شخصیتی امام مهدی ﷺ را بیان کرده است به خوبی شخصیت آن حضرت را معرفی می‌کند به گونه‌ای که درشناسایی او جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند.

۲. این روایات به روشنی اثبات می‌کند که مهدی ﷺ یک شخص معین است که پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام نسبت به ظهور او بشارت داده‌اند نه آن‌گونه که بعضی از اهل سنت معتقدند که مهدویت یک جریان اصلاحی در جامعه بشری است که در هر زمان به وسیله یک مهدی اتفاق می‌افتد و مهدی یک شخص معین نیست! به عبارت روشن‌تر باید بگوییم: روایات مربوط به مشخصات فردی امام مهدی ﷺ اثبات می‌کند مهدی شخصی را و باطل می‌کند مهدی

---

۱. عن احمد بن اسحاق بن عبدالله الأشعري قال: «سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَخْلَقًا وَخُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فِيمَا لَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَنْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا». (كفایة المهتدی «الاربعین»،

نوعی را.

۳. امام مهدی عجل الله فرجه شخصیتی است که در روایات پیامبر ص و اهل بیت علیهم السلام با موارد زیر مشخص و معین گردیده است:

(الف) اسم و لقب و کنیه؛ (ب) اسم پدر و مادر؛ (ج) حسب و نسب و اجداد؛ (د) مشخصات ظاهری؛ (ه) ویژگی‌های اخلاقی و ملکات نفسانی؛ (و) ویژگی‌های قیام و حکومت؛ (ز) حوادث دوران ظهور مانند نزول عیسی علیه السلام از آسمان و نماز او پشت سر امام مهدی عجل الله فرجه و ده‌ها مشخصه دیگر.

آیا معقول است که این همه خصوصیت در دو نفر به صورت یک سان جمع شود؟ چه رسد به این که ادعا می‌شود که در هر زمان یک مهدی با خصوصیات مذکور ظهور می‌کند؟!<sup>۱</sup>

۴. پیامبر اکرم ص و نیز امامان معصوم علیهم السلام در روایات فراوان تأکید کرده‌اند که مهدی موعود عجل الله فرجه از عترت و اهل بیت پیامبر است، هم نام و هم کنیه با آن حضرت است و در شمایل و ویژگی‌های جسمی نیز بیشترین شباهت را با پیامبر ص دارد و در خلق و خون نیز آئینه تمام‌نمای آن حضرت است.

۵. مراد از نام حضرت، همان اسمی است که پدر بزرگوارش بر او نهاده است که همان نام مبارک پیامبر اکرم ص است ولی در قوم عرب

۱. آیت‌الله سیدصدرالدین صدر رحمته الله به این ادعای باطل در کتاب *المهدی*، به صورت مشروح پاسخ داده‌اند. (رک: به *المهدی*، ص ۹۶ تحت عنوان «المهدی المنتظر واحد»)



مرسوم است که علاوه بر «نام»، افراد را با کنیه و لقب هم می‌شناسند. «کنیه» یعنی اسمی که با کلمه «أب یا امّ» شروع می‌شود مثل «اباعبدالله و ابوالقاسم» و کنیه امام زمان علیه السلام همان کنیه پیامبر یعنی ابوالقاسم است. و مقصود از لقب، اسم دیگری است که به ویژگی شخصیتی افراد اشاره می‌کند و معمولاً افراد لقب‌های متعدد دارند و برای امام مهدی علیه السلام نیز القاب فراوانی است مانند صاحب الامر، بقیة الله، مهدی، حجة، منصور و قائم.<sup>۱</sup>

---

۱. کتاب‌های مستقلی درباره القاب امام عصر علیه السلام و معانی آن نوشته شده است. (برای نمونه رک: به نجم الثاقب اثر مرحوم محدث نوری رحمته الله)



## فصل چهارم:

### سیره امام مهدی علیه السلام

قرآن کریم، مسلمانان را به الگوگرفتن از رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توصیه کرده است زیرا که او حجت بزرگ خدا و برخوردار از گوهر عصمت است و چون اهل بیت آن حضرت نیز مانند پیامبر صلی الله علیه و آله همین عصمت و طهارت را دارند و جانشینان بر حق پیامبر و بهترین الگوهای انسانی در همه ابعاد بشری و معنوی هستند؛ بدین جهت لازم است شیوه و سیره رفتاری آنها را بشناسیم تا راه پیروی کردن از آنها را فراروی خود بگشاییم. بحث از سیره امام مهدی علیه السلام که آخرین حجت الهی است می تواند دریچه ای نوبه روی ما باز کند تا معرفت خود نسبت به آن حضرت را عمیق تر کنیم و نیز در پرتو این معرفت گسترده، راه را بر مدعیان دروغین مهدویت در جامعه ببندیم چون وقتی گوهر ناب و خالص شناخته شود، مدل های تقلبی و کاذب رنگ می یازد پس در این بخش تعدادی از روایاتی را که درباره سیره امام مهدی علیه السلام است

مرور می کنیم:

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

قائم ﷺ از فرزندان من است نام او نام من و کنیه او کنیه من است و ویژگی های ظاهری او مثل من. سنت او سنت من است و مردم را بر آیین من وامی دارد و آنها را به سوی کتاب پروردگرم (قرآن) می خواند...<sup>۱</sup>

۲. مردی به امام باقر علیه السلام گفت:

شما خاندان رحمت هستید خداوند شما را به چنین ویژگی اختصاص داد. امام فرمود: ما این گونه ایم و خدا را سپاس. هیچ کس را به گمراهی نمی افکنیم و از هدایت خارج نمی کنیم. به راستی که دنیا تمام نمی گردد تا آن گاه که خداوند بلند مرتبه مردی از ما اهل بیت علیهم السلام برانگیزد، او بر اساس کتاب خدا (قرآن) عمل خواهد کرد و هیچ منکری را در شما نمی بیند مگر این که آن را انکار (رد) می کند.<sup>۲</sup>

۳. امام علی علیه السلام در خطبه ای درباره حوادث آینده چنین

فرموده است:

۱. عن الصادق علیه السلام عن ابیه عن جدّه علیه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: «القائم من ولدي اسمه اسمي وكنيته كنييتي وسمائله سمائلي وسنته سنتي يقيم الناس على ملتي وشريعتي ويدعوهم إلى كتاب ربي عز وجل...». (كمال الدين، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶، ص ۴۱)

۲. قال أبو جعفر علیه السلام هو أئمة رجل فقال له: «إنكم أهل بيت رحمة اختصكم الله تبارك و تعالی بها فقال له كذلك نحن والحمد لله لا ندخل أحداً في ضلالة ولا نخرجه من هدى إن الدنيا لا تذهب حتى يبعث الله عز وجل رجلاً منا أهل البيت يعمل بكتاب الله لا يرى فيكم منكرًا إلا أنكره». (روضة الكافي، ص ۳۹۶؛ الوافی، ج ۲، ص ۴۵۹)

او (حضرت مهدی علیه السلام) خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند او آرا و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد... او کارگزاران حکومت را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد، زمین معادن خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را که تا آن روز متروک مانده‌اند زنده می‌کند.<sup>۱</sup>

#### ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد که هم نام من است و اخلاق او اخلاق من است. زمین را از عدل و قسط پر می‌کند همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۲</sup>

#### ۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند با جهل و نادانی مردم روبه‌رو می‌شود،

---

۱. عن علی علیه السلام فی خطبة له فی ذکر الملاحم: «يُعْطَفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ وَيُعْطَفُ الرَّأْيُ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا تَوَاجَدَهَا مَمْلُوءَةٌ أَخْلَافُهَا حُلُومًا رِضَاعُهَا عَلَقِمًا عَاقِبَتُهَا أَلَا وَفِي عَدِّ وَ سَبَابِي عَدُّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ يَا حُدَّ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَالُهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفَالِيدَ كِبِدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّبِيْرَةِ وَ يُخِيِي مَيْتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ.» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خ ۱۳۸)

۲. عن عبد الله بن مسعود قال: «قال النبي صلی الله علیه و آله يُخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي وَ خُلُقَهُ خُلُقِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.» (المعجم الكبير،

ج ۱۰، ح ۱۰۲۲۹: كنز العمال، ج ۱۴، ح ۳۸۷۰۲، ص ۲۷۳)

جهلی که شدیدتر از جهل جاهلیتی است که در زمان پیامبر بود. عرض کردم: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ فرمود: همانا رسول خدا ﷺ در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و چوب‌های تراشیده (و مجسمه‌های چوبین) را می‌پرستیدند و محققاً قائم ما وقتی قیام کند در حالی به سوی مردم می‌آید که همه، کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و به وسیله آن بر او احتجاج می‌کنند. سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که حتماً عدل خود را درون خانه‌های مردم می‌برد همان‌گونه که گرما و سرما نفوذ می‌کند.<sup>۱</sup>

۶. پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

مهدی ﷺ در امت من قیام خواهد کرد. خداوند او را به عنوان دادرس مردم برخواهد انگیخت. [در روزگار او] همه امت در انواع نعمت‌ها بسر خواهند برد و چهارپایان به زندگی ادامه می‌دهند و زمین گیاه خود را می‌رویاند و اموال را به درستی و راستی [و براساس عدالت] می‌بخشد.<sup>۲</sup>

۷. جابر بن عبد الله انصاری گوید:

۱. عن الفضیل بن یسار قال: سمعت ابا عبد الله ﷺ يقول: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَوْمِنَ جَهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخَشَبَ الْمُنْحَوْتَةَ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَخْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ».

(غیبت نعمانی، ب ۱۷، ح ۱، ص ۲۹۶؛ اثبات الهداة، ج ۷، ب ۳۲، ح ۵۲۹، ص ۸۶)

۲. عن ابی سعید ان رسول الله ﷺ قال: «يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ يَنْتَعِمُ الْأُمَّةَ وَ يَعِيشُ الْمَأْشِيَةَ وَ تُخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ يُعْطِي الْمَالَ صِحَاحًا». (العرف

الوردی (الحاوی للفتاوی)، ج ۲، ص ۱۳۲)

مردی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و حال آن که من حضور داشتم. به او گفت: خداوند ترا رحمت کند؛ این پانصد درهم را که زکات مال من است بگیر و آن را در جای خود قرار ده. امام باقر علیه السلام به او فرمود: بلکه خود آن را نگه دار و آن را در همسایگان و یتیمان و نیازمندان و برادران اسلامی خود قرار ده (و خرج کن). همانا وقتی قائم، قیام کند این گونه خواهد بود [یعنی اجتماع اموال نزد امام و تقسیم آن به مساوات]. پس او به طور مساوی تقسیم می کند و در میان خلق خدا - نیکوکاران و بدکاران - به عدالت رفتار می کند. پس هر که او را اطاعت کند به تحقیق خدا را اطاعت کرده است و هر که از او نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده است. همانا مهدی علیه السلام مهدی نامیده شد زیرا که به امری پنهان هدایت می گردد. او تورات و سایر کتاب های خدا را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و میان اهل تورات (یهود) با تورات و میان اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و میان مسلمانان با قرآن حکم می کند و همه اموال دنیا چه آنها که در درون زمین است و یا آنها که بر روی آن است نزد او انباشته می گردد پس به مردم می گوید: بیایید بگیرید، این چیزی است که به خاطر آن قطع رحم کردید و خون های ناحق ریختید و حرام های الهی را مرتکب شدید. پس ثروتی می بخشد که هیچ کس پیش از او آن مقدار نبخشیده است.<sup>۱</sup>

۱. عن جابر قال: «عَنْ جَابِرٍ قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَفْبِضْ هَذِهِ الْحَمْسَمِائَةَ دِرْهَمٍ فَضَعِّهَا فِي مَوْضِعِهَا فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام بَلْ خُذْهَا أَنْتَ فَضَعِّهَا فِي جِبْرَانِكَ وَالْأَيْتَامِ وَالْمَسَاكِينِ وَفِي إِخْوَانِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يُقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فَإِنَّمَا سَمِيَّ الْمُهْدِيِّ لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ خَفِيِّ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَسَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةٍ

۸. امام علی علیه السلام فرمود:

در قائم علیه السلام سنت‌هایی از هفت پیامبر الهی وجود دارد... و اما سنت و شیوه مهدی علیه السلام از حضرت محمد صلی الله علیه و آله عبارت است از قیام به شمشیر<sup>۱</sup>

۹. راوی گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم:

وقتی قائم علیه السلام قیام کند به کدام سیره و روش در میان مردم رفتار می‌کند؟ فرمود: آن‌چه پیش از او بوده را ویران می‌کند، همان‌گونه که پیامبر چنین کرد [و جاهلیت پیش از خود را از میان برداشت] و اسلام را از نو برپا می‌کند.<sup>۲</sup>

## نکته‌هایی درباره روایت

### عمل براساس قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. شاخصه مهم و برجسته سیره امام مهدی علیه السلام، عمل براساس قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است و این همان میزانی است که امیرالمؤمنین

فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ النَّوْرَةِ بِالنَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا كُلُّهَا مَا فِي بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرَهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَيَّ مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَحَارِمَ اللَّهِ فَيُعْطَى شَيْئاً لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ». (علل الشرايع، ج ۱، ب ۱۲۹، ح ۳، ص ۱۶۱؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ح ۲، ص ۲۹؛ غيبة نعمانی، ب ۱۳، ح ۲۶، ص ۲۳۷)

۱. عن علی بن الحسین علیه السلام عن علی بن ابیطالب علیه السلام یقول: «فی القائم مئتا سنن من الأنبياء... و أمّا من محمد صلی الله علیه و آله فالخروج بالسيف». (كمال الدين، ج ۱، ب ۳۱، ح ۳، ص ۳۲۱)

۲. عن عبد الله بن عطاء قال: سألت أبا جعفر الباقر علیه السلام فقلت: «إذا قام القائم علیه السلام بأي سيرة يسيّر في الناس فقال يهدم ما قبله كما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله ويستأنف الإسلام جليداً». (غيبة نعمانی، ح ۱۷، ص ۲۳۲)



علی علیه السلام برای خلافت خود بیان فرمودند. در روایات فراوان از شیعه و اهل سنت تصریح شده است که امام مهدی علیه السلام براساس سنت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمل می‌کند بنابراین آن‌چه در بعضی از روایات غیرمعتبر مبنی بر رفتاری برخلاف سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سیره امام زمان علیه السلام مطرح شده، مردود است. (حدیث ۱ و ۲)

۲. مهم‌ترین ویژگی رفتاری امام مهدی علیه السلام اجرایی کردن و عملیاتی نمودن دستورات قرآن در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی است و هر رفتار فردی و یا اجتماعی که از نظر قرآن «منکر» باشد مورد انکار و اعتراض امام علیه السلام قرار می‌گیرد و با آن برخورد می‌شود. بنابراین روشن است که در سیره عملی آن حضرت هیچ عمل خلاف قرآن نخواهد بود و چنان‌چه در روایتی یا تحلیلی مطرح شود باطل خواهد بود. (حدیث ۲)

۳. تا پیش از حکومت مهدی علیه السلام قرآن خدا و هدایت انبیا تحت تأثیر تفسیرهای شخصی و هواهای نفسانی مردم خواهد بود ولی امام زمان علیه السلام قرآن را معیار و میزان در همه امور خرد و کلان قرار داده و آرا را تابع قرآن خواهد ساخت و نیز امیال و خواسته‌ها را در چارچوب هدایت و رشد خواهد پذیرفت. (حدیث ۳)

۴. برخلاف جریان ظالمانه پیش از ظهور، در دوره ظهور مهدی علیه السلام اشخاص و احزاب با قرآن و معیارهای قرآنی سنجیده و شناخته خواهند شد و میزان حقانیت هر چیز و هر کس بسته به میزان مطابقت شخصیت او با قرآن خواهد بود.

۵. وقتی در تمام امور ملاک عمل، قرآن و سیره نبوی باشد یعنی در حکومت مهدی علیه السلام تمامی روابط حاکم بر فرد و جامعه از قبیل روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نیز تعامل افراد در اجتماع و حتی در درون خانواده براساس تعالیم قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود و در سطح قانون‌گذاری نیز تنها قوانین منطبق بر قرآن و سنت به تصویب رسیده و اجرایی خواهد شد. این همان است که در کلمات معصومین به عنوان «احیا کتاب و سنت» بیان گردیده است. (حدیث ۳)

### عدالت در سطح مسئولان و مردم

۶. سیره امام مهدی علیه السلام در همه زمینه‌ها، براساس عدالت و دادگری است و عدالتش چنان فراگیر خواهد بود که جایی برای ظلم و ستم باقی نخواهد گذاشت! این حقیقتی است که در روایات فراوان از شیعه و اهل سنت بیان گردیده است (یملأ الارض قسطاً و عدلاً).

۷. عدالت مهدی علیه السلام هم کارگزاران حکومتی را شامل می‌شود و هم افراد و اشخاص معمولی در سطح جامعه را؛ اگر در میان کارگزاران تخلفی دیده شود امام به سختی برخورد می‌کند چنان که در سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین بود و به همین دلیل بخش عمده‌ای از ظلم و فساد که در طبقه حاکمان نااهل پیش از ظهور رخ می‌دهد، در زمان ظهور مهدی علیه السلام برطرف خواهد شد. (حدیث ۳)

۸. مطابق روایات، عدالت دوران ظهور به کوچک‌ترین نهادهای اجتماعی مانند «خانواده» نیز وارد می‌شود و روابط افراد را در درون خانواده تحت تأثیر قرار می‌دهد و البته روشن است که برخورد عادلانه

اعضای خانواده با یکدیگر و رفع ظلم و تبعیض و حق‌کشی از درون خانواده، براساس تربیت و رشد انسانی و الهی افراد است نه امری جبری و بیرون از اختیار! (حدیث ۵)

### علم و دانش گسترده در زمان ظهور

۹. در سیره امام مهدی علیه السلام علم و دانش جایگاه والایی دارد که او عالم‌ترین حاکم زمین است بلکه علم و دانش او نه از جنس علوم بشری که علمی الهی و آسمانی است؛ آن حضرت در میان اهل کتاب براساس کتاب آنها حکم خواهد کرد و این از علوم پنهانی است که خداوند راه آن را به روی او گشوده است. روشن است که حکومتی براساس علم الهی، می‌تواند همه نیازهای فردی و اجتماعی، مادی و معنوی را به بهترین شکل پاسخ دهد.

۱۰. چون علم و دانش جایگاه مهمی در قرآن و اسلام عزیز داراست و هرچه آفت و شرّ است از جهل و نادانی است مهدی علیه السلام جامعه‌ای عالم خواهد پرورید و هم‌چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نادانی‌ها و خرافه‌ها اگرچه در لباس علم و دانایی درآمده باشد خواهد جنگید و هرچه بدعت و باطل به اسم دین و یا تمدّن و پیشرفت در میان مردم باشد برخواهد چید. این مهم نیز بخشی از سیره مهدی علیه السلام است که مطابق با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در ستیز با جاهلیت است.

۱۱. بعضی از مخالفین شبهه افکنی می‌کنند که چگونه ممکن است امام مهدی علیه السلام - آن‌گونه که روایات شیعه می‌گوید - اسلام جدید

بیاورد؟! پاسخ این است که همان‌طور که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جاهلیت قدیم و کهنه بر جزیره العرب حاکم بود و اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله برای برداشتن آن جاهلیت، ظهور کرد همان‌طور وقتی مهدی علیه السلام ظهور کند با جاهلیت مدرن خواهد جنگید که بخشی از آن به خاطر روی گرداندن از قرآن و سنت است - مثل آن‌چه در اروپا اتفاق افتاده است - و بخشی از آن به سبب تفسیرهای غلط از آیات الهی و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله است - مثل آن‌چه که در فرقه‌های منحرف اسلامی رخ داده است - بنابراین سیره مهدی علیه السلام براساس یک انقلاب ارزشی در سطح جهان است که ارزش‌های فراموش شده اسلام و قرآن را زنده کرده و ضد ارزش‌های رایج تا زمان ظهور را برخواهد داشت و این در نظر مردم به معنی «اسلام جدید» خواهد بود!

#### امام مهدی علیه السلام و استفاده از قهر و خشنونت

۱۲. به دلیل آن‌چه در بالا بیان شد در سیره امام مهدی علیه السلام برخورد قهرآمیز و به ظاهر خشن نیز دیده می‌شود و این بخش از سیره امام نیز مطابق با سنت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، زیرا آن حضرت نیز در برابر جباران و ستم‌کاران که آشکارا حقوق ضعیفان را ضایع می‌کردند ایستاد و آنهایی که از گناه خود توبه نکردند و اصلاح نشدند را به شمشیر قهر از سر راه بشریت برداشت و امام مهدی علیه السلام نیز با مستکبران عالم خواهد جنگید و این خود گام بلندی است برای برپایی عدالت و صلح در جهان!

### امام مهدی علیه السلام امیر مهر و مهرورزی

۱۳. امام مهدی علیه السلام در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان «فریادرس مردم» معرفی گردیده است یعنی که سیره رفتاری او کمک و دست‌گیری از مردم است و برای همه انسان‌ها هم چون پدری مهربان است و بلکه از پدر مهربان‌تر؛ زیرا که مظهر رحمت و مهر بی‌کران الهی است، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله الگوی چنین سنت و سیره‌ای بوده و خداوند درباره او فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> و جلوه غالب و رفتار دائمی حضرت مهر و محبت به انسان‌هاست و قهر و شمشیر به منزله جزای بدن و آخرین راه علاج خواهد بود.

۱۴. یکی از جلوه‌های مهرورزی امام مهدی علیه السلام نسبت به مردم، بخشش و عطای فراوان اوست به گونه‌ای که مردم در زمان او از نعمت بی‌سابقه‌ای برخوردار خواهند شد به گونه‌ای که نیازمندی یافت نخواهد شد.<sup>۲</sup> روشن است که این ویژگی حضرت نیز ادامه سنت‌های زیبای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۱۵. آن‌چه گفته شد نمونه‌های بارزی از سیره مهدی علیه السلام بود و آن‌چه از سیره حضرت بیان گردید همان است که به عنوان «معروف» در قرآن و سنت پیامبر اکرم جلوه‌گر است. مهدی علیه السلام کامل‌ترین تجسم عینی زیبایی‌های قرآن و سنت پیامبر است و هیچ زشتی و کجی در گفتار و رفتار او وجود ندارد چرا که مصداق کریمه «تطهیر»<sup>۳</sup> است.

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

۲. این ویژگی در بحث «برکات دوره ظهور» آمده است.

۳. سوره احزاب، آیه ۳۳ که به طهارت کامل اهل بیت علیهم السلام گواهی می‌دهد.



## فصل پنجم:

### خصائص حضرت مهدی عجل الله فرجه

امام مهدی عجل الله فرجه آخرین حجت خدا و بقیه الله است. او عصارة خلقت و خلاصه انبیاء و اولیاء است. مطابق روایات، خصایص و ویژگی هایی در وجود شریف او جمع گردیده است. در این بخش مهم ترین خصایص حضرت را بر اساس روایات می آوریم:

۱. امام سجاد علیه السلام فرمود:

قیام کننده از ما [اهل بیت علیهم السلام] ولادتش بر مردم پنهان خواهد بود تا آن جا که [درباره او] می گویند: هنوز متولد نشده است برای این که وقتی قیام می کند بیعت هیچ کس بر گردن او نباشد.<sup>۱</sup>

۲. عبد العظیم حسنی روایت کرده که به امام جواد علیه السلام گفتیم:

من امید آن دارم که شما همان قیام کننده از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

---

۱. عن علی بن الحسین علیه السلام قال: «الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَى وِلَادَتُهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُولَدْ بَعْدَ لَيْخُورِجِ حِينَ يَخْرُجُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ.» (كمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۲، ب ۳۱، ح ۶؛ اعلام الوری، ر ۴، ق ۲، ب ۲، ف ۲)

باشی که زمین را پراز عدل و قسط خواهی کرد، همان گونه که از ظلم و جور آکنده باشد. آن حضرت فرمود: ای ابالقاسم، هیچ یک از ما [اهل بیت علیهم السلام] نیست مگر این که قائم به امر خداست و هدایت گر به سوی دین او؛ ولی آن قائمی که خداوند به سبب او زمین را از اهل کفر و انکار پاک خواهد ساخت و پراز عدل و داد خواهد کرد کسی است که ولادت او بر مردم مخفی خواهد بود و شخص او از مردم غائب خواهد گشت و بردن نام او بر مردم حرام خواهد بود و او هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم کنیه اوست و او همان کسی است که زمین برایش پیچیده می گردد و هر سختی برای او آسان می شود...<sup>۱</sup>

### ۳. اباصلت می گوید:

به امام رضا علیه السلام گفتم: نشانه های قائم علیه السلام از شما چیست آن گاه که قیام کند؟ فرمود: نشانه اش این است که [با این که] سن پیران را دارد [ولی] جوان به نظر می رسد به گونه ای که بیننده گمان می کند که او چهل سال یا کمتر دارد و نیز از نشانه های او این است که با گذشت روزها و شب ها پیر نمی شود تا آن گاه که اجل او فرا می رسد.<sup>۲</sup>

---

۱. عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى علیه السلام مَوْلَايَ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا فَقَالَ علیه السلام مَا مِنَّا إِلَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَكَانَ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا هُوَ الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلِدَانُهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَيَحْزُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيئَتَهُ وَهُوَ سَمِيَّ رَسُولِ اللَّهِ وَكَنِيئُهُ وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَيُدَّلُّ لَهُ كُلُّ صَغْبٍ...» (كفایة الاثر،

ص ۲۷۷، ج ۲: الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۹)

۲. عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام: «مَا عَلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ قَالَ



#### ۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

سنت‌های پیامبران با آن‌چه نسبت به آنها روی داده از غیبت در قائم ما اهل بیت دقیقاً و موبه مورخ خواهد داد. ابوبصیر گوید: به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا: قائم از شما اهل بیت کیست؟ فرمود: ای ابابصیر او پنجمین فرزند از فرزندان پسر موسی [بن جعفر علیه السلام] است. او فرزند سرور کنیزان است. غیبتی خواهد کرد که در آن اهل باطل به تردید می‌افتند. سپس خداوند بلندمرتبه او را ظاهر ساخته و مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را به دست او خواهد گشود و روح‌الله عیسی بن مریم [از آسمان‌ها] فرود آمده پشت سر او به نماز خواهد ایستاد و زمین به نور پروردگار خود روشن خواهد شد و هیچ بقعه‌ای از زمین که غیر خدا در آن پرستیده شود نخواهد ماند مگر آن‌که خدا در آن عبادت خواهد شد و [در آن زمان] همه دین برای خدا خواهد بود گرچه مشرکان را ناخوش آید.<sup>۱</sup>

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ الشَّيْخِ شَابَ الْمُنْظَرِ حَتَّىٰ إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسَبُهُ ابْنُ أُزْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ أَعْلَامِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُزُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّىٰ يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ. (كمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۲، ب ۵۷، ج ۱۲، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۳، ب ۳۴، ف ۸، ح ۹۱)

۱. عن ابی بصیر قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: «إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام بِمَا وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الْغَيْبَاتِ حَادِثَةٌ فِي الْقَائِمِ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَمَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ هُوَ الْحَافِسُ مِنْ وَلَدِ ابْنِي مُوسَى ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يَغِيبُ غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا الْمُطْبَلُونَ ثُمَّ يَظْهَرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدِهِ مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا وَيُنزِلُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ علیه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَلَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عُبِدَ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عَبْدَ اللَّهِ فِيهَا وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.»

(كمال‌الدین، ج ۲، ص ۲۱-۲۲، ب ۳۳، ح ۳۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، ب ۳۲،

۵. پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

از ماست آن که عیسی بن مریم علیها السلام پشت سر او به نماز می ایستد.<sup>۱</sup>

۶. امام سجاد علیه السلام فرمود:

در قائم علیه السلام سنت هایی از هفت پیامبر وجود دارد: سنتی از پدر ما آدم علیه السلام و سنتی از نوح علیه السلام و سنتی از ابراهیم علیه السلام و سنتی از موسی علیه السلام و سنتی از عیسی علیه السلام و سنتی از ایوب علیه السلام و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم درود خدا بر ایشان باد. از آدم و نوح علیهما السلام سنت طول عمر را دارد و از ابراهیم علیه السلام پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم و از موسی علیه السلام ترس و غیبت و از عیسی علیه السلام اختلاف مردم درباره او و از ایوب علیه السلام گشایش پس از گرفتاری و از محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام به شمشیر.<sup>۲</sup>

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ معجزه ای از معجزات پیامبران و اوصیاء نیست مگر آن که خداوند مانند آن را به دست قائم ما ظاهر خواهد ساخت تا

ف، ۵، ح ۱۵۲)

۱. عن ابی سعید الخدری قال: «قال رسول الله ﷺ: مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ علیها السلام

خَلْفَهُ.» (كمال الدین، ج ۲، ص ۳۲۱، ب ۳۱، ح ۳)

۲. عن علی بن الحسین علیهما السلام: فِي الْقَائِمِ مِنَّا سُنَنٌ مِنْ سَبْعَةِ أَنْبِيَاءَ: سَنَّةٌ مِنْ أَبِينَا آدَمَ وَ سَنَّةٌ

مِنْ نُوحٍ وَ سَنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ سَنَّةٌ مِنْ مُوسَى وَ سَنَّةٌ مِنْ عَيْسَى وَ سَنَّةٌ مِنْ أَيُّوبَ وَ سَنَّةٌ

مِنْ مُحَمَّدٍ فَأَمَّا مِنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخِفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اعْتِزَالُ النَّاسِ وَ أَمَّا

مِنْ مُوسَى فَالْخَوْفُ وَ الْغَيْبَةُ وَ أَمَّا مِنْ عَيْسَى فَاخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ وَ أَمَّا مِنْ أَيُّوبَ

فَالْفُرْجُ بَعْدَ الْبَلْوَى وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ. «(البيان فی اخبار صاحب الزمان،

ص ۱۱۶، ب ۷؛ كنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۶، ح ۳۸۶۷۳؛ البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان،

ص ۱۵۸، ب ۹، ح ۱)

حجت را بردشمنان تمام کند.<sup>۱</sup>

۸. امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی قائم علیه السلام ظهور کند با پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی ظهور خواهد کرد.<sup>۲</sup>

۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

به درستی که قائم از ما [اهل بیت] یاری شده به وسیله رعب، تأیید شده به نصرت الهی است. زمین برای او پیچیده می شود و گنج ها همگی برای او آشکار خواهد شد و خداوند به سبب او دینش را بر همه ادیان غلبه خواهد داد، گرچه مشرکان را خوش نیاید و سلطنت او مشرق و مغرب عالم را خواهد گرفت. پس در همه زمین ویرانه ای نماند مگر آن که آباد گردد و عیسی بن مریم علیه السلام [از آسمان] فرود آید و پشت سر او نماز می خواند...<sup>۳</sup>

۱۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن خطبه ای در غدیر خم فرمود:

- 
۱. عن ابی عبد الله علیه السلام: «ما من معجزة من معجزات الانبياء والاصياء الا يظهر الله تبارك و تعالی مثلها علی يد قائمنا لاتمام الحجة علی الاعداء.» (اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۰۰، ب ۳۳، ف ۷، ح ۱۳۷، عن كتاب الفضل بن شاذان)
۲. عن الباقر علیه السلام: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ علیه السلام ظَهَرَ بِرَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَوِّ حَاتِمِ سُلَيْمَانَ وَ حَجَرِ مُوسَى وَ عَصَاهُ...» (غیبت نعمانی، باب ۱۳، ح ۲۸)
۳. عن الصادق علیه السلام: «الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالتَّصْرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ حَرَابٌ إِلَّا عُمِرَ وَ يُنَزَّلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ علیه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ...» (اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۴۰، ب ۳۲، ف ۴۴، ح ۶۸۶، عن كتاب فضل بن شاذان)

ای گروه مردم، نوری از خدای بلندمرتبه در من قرار گرفته و پس از من در علی علیه السلام و پس از او در نسل او تا قائم مهدی که حق خدا و هر حقی که برای ماست را خواهد گرفت... ای مردم به راستی که من پیامبرم و علی وصی و جانشین است. آگاه باشید که آخرین امام از ما قائم مهدی خواهد بود. بدانید که محققاً او همان است که بر همه ادیان غلبه خواهد کرد و هر آینه او انتقام گیرنده از ستم کاران است و هر آینه او قلعه‌ها را فتح خواهد کرد و آنها را نابود خواهد ساخت. آگاه باشید که او کشنده هر قبیله و قومی از مشرکین است و او خون خواه اولیاء خدا خواهد بود.

هر آینه او یاری کننده دین خداست و او نه‌ری خروشان از اقیانوسی بی کران است. آگاه باشید که او هر دانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می‌شناسد. آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب شده خداوند است. آگاه باشید که او وارث هر دانش و دربرگیرنده آن است. آگاه باشید که او آن چه بگوید از پروردگارش می‌گوید و به امرایمان هشدار می‌دهد. آگاه باشید که او کامل و نیرومند است. آگاه باشید که [فرمان‌روایی جهان هستی] به او واگذار شده است. آگاه باشید که هر کس - از پیامبران و امامان - پیش از او بودند نوید او را داده‌اند. آگاه باشید که او تنها حجت بازمانده است و بعد از او حجتی نیست، حقی جز با او و نوری جز در پیش او نیست. آگاه باشید که هیچ کس بر او غلبه نخواهد کرد و کسی او را شکست نخواهد داد.<sup>۱</sup>

۱. عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی خطبته الطویلة فی غدیر خم: «مَعَاشِرَ النَّاسِ التُّوَرِّ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي مَسْئَلِكُمْ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ - ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيِّي أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

فائم علیه السلام قیام خواهد کرد و حال آن که هیچ کس بر عهده او بیعت و پیمانی نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

### نکته‌هایی از روایات

از مجموع روایاتی که بیان شد استفاده می‌شود که از میان ائمه دوازده گانه شیعه، حضرت مهدی علیه السلام دارای ویژگی‌هایی هستند که ایشان را از سایر امامان ممتاز می‌کند. این ویژگی‌ها، سیمای مبارک مهدی موعود را بیشتر و بهتر معرفی می‌کند؛ همان‌گونه که مدعیان مهدویت را رسوا می‌کند. در این بخش ویژگی‌های آن حضرت را مرور می‌کنیم:

۱. برخلاف ائمه پیشین که امر ولادت آنها آشکار و علنی بوده است، حضرت مهدی علیه السلام ولادتی پنهانی داشته‌اند و این به خاطر شرایط خاص زمان ایشان و نیز مأموریت ویژه ایشان در مقابله با حاکمان

---

مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ - أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ  
الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ النَّبِيِّكَ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ  
اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِلدِّينِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيْقِي أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلِ  
بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلِ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَمُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ  
الْمُحِيطُ بِهِ أَلَا إِنَّهُ الْمُحْبَبُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمُنْتَبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ أَلَا  
إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ - أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ  
بَعْدَهُ وَلَا حَقٌّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورٌ إِلَّا عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. »  
(الاحتجاج، ص ۶۶- ۸۴) (احتجاج النبى صلى الله عليه وآله يوم الغدير)

۱. عن ابى عبد الله عليه السلام قال: «يَقُومُ الْقَائِمُ عليه السلام وَلَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَقْدٌ وَلَا عَهْدٌ وَلَا  
بَيْعَةٌ.» (غيبت نعمانی)

ستم گربوده است که در بحث علت غیبت مطرح گردیده است. ولادت پنهانی درباره برخی از پیامبران الهی هم روی داده است. (حدیث ۱ و ۲)

۲. مهدی علیه السلام علاوه بر ولادت پنهانی، زندگی خود را در غیبت می گذراند و بر خلاف سایر ائمه علیهم السلام که آشکارا در میان مردم بودند، پنهانی زندگی می کند و اگرچه ممکن است دیده شود ولی شناخته نمی شود جز در مواردی که امام مصلحت بداند. آن حضرت در این ویژگی نیز به برخی از پیامبران بزرگ خدا شباهت دارد. (حدیث ۲ و ۴)

۳. مطابق روایات متعدد، بردن نام حضرت در زمان غیبت، جایز نیست و این نیز ویژگی دیگر امام دوازدهم است که یکی از دلایل آن حفظ جان حضرت است.<sup>۱</sup> (حدیث ۲)

۴. ویژگی دیگر امام علیه السلام جریان امدادهای غیبی آشکار درباره آن حضرت و قیام اوست. گرچه زندگی همه ائمه از این امور برخوردار بوده است ولی در حیات مهدی علیه السلام این جریان، روشن تر و فراوان تر خواهد بود زیرا که رسالت او گسترده تر و فراگیرتر است. (حدیث ۳)

بعضی از مواردی که به عنوان امداد غیبی الهی در روایات آمده عبارتند از:

یک - زمین برای آن حضرت پیچیده می شود (وراه ها برای او

۱. در برخی روایات آمده است که وقتی در مجالس و محافل نام حضرت برده شود، سبب طلب و پی گیری و جست و جوی دشمن نسبت به آن حضرت می گردد. البته ممکن است ادله دیگری برای ممنوعیت نام بردن وجود داشته باشد و الله العالم.

نزدیک می‌گردد).

دو- هر سختی برای او سهل و آسان می‌گردد.

سه- با رعب و وحشتی که در دل دشمنانش می‌افتد یاری می‌گردد، همان گونه که پیامبر اسلام ﷺ در جریان جنگ احزاب با لشکر رعب یاری شد.<sup>۱</sup>

چهار- گنج‌های زمین برای او آشکار گردیده و در دسترس قرار می‌گیرد.

۵. با آن که هنگام ظهور، سنّ مبارک آن حضرت، بسیار زیاد است ولی در هیئت و شکل جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر می‌گردد و گذشت روز و شب آثار پیری را برای او نخواهد آورد و این امر از مختصات امام مهدی ﷺ است. (حدیث ۳)

۶. خداوند به دست او مشرق و مغرب عالم را فتح کرده و دین اسلام را علی‌رغم مشرکان، جهانی خواهد ساخت؛ به گونه‌ای که هیچ سرزمینی نمی‌ماند که غیر خدا در آن پرستیده شود. (حدیث ۴، ۹ و ۱۰)

۷. حکومت مهدی ﷺ سراسر عالم را گرفته و همه جا را آباد خواهد کرد. (حدیث ۹ و ۱۰)

۸. ویژگی دیگر امام مهدی ﷺ آنست که در روزگار ظهور او حضرت عیسی بن مریم علیها السلام که از پیامبران اولوالعزم الهی است از آسمان فرود آمده و پشت سر او به نماز خواهد ایستاد.<sup>۲</sup> (حدیث ۴ و ۵)

۱. این واقعت در آیه ۲۶ سوره احزاب بیان گردیده است.

۲. این برنامه می‌تواند به گرایش اهل کتاب به امام مهدی علیها السلام کمک فراوانی کند و زمینه

۹. خداوند تبارک و تعالی برای اتمام حجت بر خلق، معجزات فراوانی نظیر آن چه از انبیاء علیهم السلام به ظهور رسیده است به دست امام مهدی علیه السلام ظاهر خواهد ساخت. در این صورت هیچ عذری برای کسی نمی ماند که به مهدی علیه السلام ایمان نیاورد. (حدیث ۷)

۱۰. امام مهدی علیه السلام برای اثبات حقانیت دعوت خود با آثار و علائمی از پیامبران بزرگ خدا ظهور خواهد کرد؛ مانند پرچم پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، انگشتری سلیمان علیه السلام، سنگ و عصای موسی علیه السلام. این ها آثار مخصوصی است که نزد موحدان عالم و علمای اهل کتاب شناخته شده است. (حدیث ۸)

۱۱. او آخرین حجت الهی است که تمام حجت های پیشین نسبت به او بشارت داده اند. (حدیث ۱۰)

۱۲. او تنها حجت الهی است که همیشه پیروز خواهد بود و هیچ قدرتی و در هیچ مقطعی از زمان بر او غلبه نخواهد کرد. (حدیث ۱۰)

۱۳. آن حضرت در حالی قیام خواهد کرد که تحت بیعت هیچ کس نخواهد بود و با هیچ کس پیمانی نخواهد داشت و این امری است برخلاف آن چه در امامان پیشین بوده است و آنها هر یک به نحوی در بیعت طاغوت زمان خود بوده اند و گریزی از آن نداشته اند.<sup>۱</sup> (حدیث ۱ و ۱۰)

---

هدایت بسیاری از خداپرستان را فراهم کند.

۱. این مطلب در بخش علت غیبت توضیح داده شده است.



۱۴. امام مهدی علیه السلام سنت‌ها و شیوه‌های گوناگونی از پیامبران بزرگ خدا دارد که با آنها شناخته می‌گردد. از آدم و نوح علیهما السلام طول عمر، از ابراهیم علیه السلام پنهانی ولادت و کناره‌گیری از مردم، از موسی علیه السلام ترس و غیبت، از عیسی علیه السلام اختلاف مردم درباره او، از ایوب علیه السلام گشایش بعد از بلا و گرفتاری و از پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قیام به شمشیر. (حدیث ۴ و ۶)

به جاست که درباره این شباهت‌ها توضیحی روشن‌گر داده شود:  
طبق آیات قرآن نوح علیه السلام ۹۵۰ سال در میان مردم صبر کرد<sup>۱</sup> و در روایات آمده که ۲۵۰۰ سال عمر کرد<sup>۲</sup> و آدم علیه السلام نیز طبق روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۹۳۰ سال عمر کرد<sup>۳</sup> چنان‌که در تورات نیز به آن تصریح شده است.<sup>۴</sup>

حضرت ابراهیم علیه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود<sup>۵</sup> و حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین بوده است و نیز قرآن از زبان ابراهیم علیه السلام فرموده: ﴿وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾<sup>۶</sup> و از شما و آنچه غیر خداوند می‌پرستید کناره‌گیری می‌کنم. امام صادق علیه السلام فرمود: به ناچار صاحب

۱. سوره نوح، آیه ۲۶.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۸، ح ۱۹.

۴. زنده روزگاران، ص ۱۳۲، به نقل از تورات (ترجمه فاضل‌خانی) سفر پیدایش، باب پنجم، آیه ۵.

۵. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۶۱.

۶. سوره مریم، آیه ۴۸.

این امر را غیبتی خواهد بود و در هنگام غیبت ناچار از عزلت و گوشه گیری است...<sup>۱</sup>

و اما درباره موسی علیه السلام در قرآن آمده: ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾<sup>۲</sup> یعنی پس، از آن [دیار] ترسان و نگران بیرون رفت. یعنی از میان قوم خود به جهت ترس از دشمنانش غائب شد و حضرت مهدی علیه السلام نیز به همین جهت غائب شده است.<sup>۳</sup> و نیز موسی علیه السلام دو غیبت داشت که یکی از آنها طولانی تر بود. غیبت اول او از مصر بود که ۲۸ سال طول کشید و غیبت دوم وقتی بود که به میقات پروردگارش رفت که چهل شب طول کشید.<sup>۴</sup>

و اما عیسی علیه السلام، مردم درباره او اختلاف شدید کردند. بعضی اصل وجودش را منکر شدند و گفتند قهرمان افسانه‌ای بود! و بعضی معتقد به خدایی او شدند و بعضی گفتند انسان است و بعضی هر دو اعتقاد را با هم جمع کردند و یهود به مادرش نسبت ناروا و زشت دادند!<sup>۵</sup> درباره حضرت مهدی علیه السلام نیز اختلاف کردند که اصلاً متولد نشده یا پس از تولد، رحلت کرده یا امام عسکری علیه السلام عقیم بوده یا روح قائم علیه السلام در کالبد دیگری وارد شده و او سخن از زبان آن حضرت می گوید<sup>۶</sup> و

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲. سوره قصص، آیه ۲۱.

۳. در بحث «علت غیبت» مطرح شده است.

۴. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۸۹.

۵. نک: تفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۷۰.

۶. نک: مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۱۶.

اباطیل دیگر.

و اما ایوب علیه السلام گرفتار آزمونی سخت شد. اموال فراوان او و زراعت و گوسفندانش و نیز فرزندانش از میان رفتند و سلامت خود را از دست داد و مدت زیادی سخت بیمار شد و نیز گرفتار شماتت دوستان گردید ولی در همه حال بنده صابر و شاکر خداوند بود و چون از عهده امتحان الهی به خوبی بیرون آمد، خداوند درهای رحمتش را به روی او گشود و نعمت های از دست رفته را به او برگرداند.<sup>۱</sup> امام مهدی علیه السلام هم در طول دوره غیبت، سختی ها و بلاهای فراوان را تحمل کرده و می کند و پس از آن برای او ظهور و فرج و گشایش الهی رخ خواهد داد.

و اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بیش از هشتاد جنگ با دشمنان داشت و امام مهدی علیه السلام نیز با دشمنان دین خدا خواهد جنگید؛ یعنی این گونه نیست که کار او تنها با ارائه دلیل و برهان به سامان برسد، بلکه در سیره و سنت او مانند پیامبر اسلام جنگ و رویارویی خواهد بود.

---

۱. نک: تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۴-۲۹۶.



بخش سوم:

غنیت و انتظار



## فصل اول:

### ولادت امام مهدی علیه السلام

یکی از موضوع‌های بسیار مهم درباره شخصیت امام مهدی علیه السلام، موضوع «ولادت» آن حضرت است. مهم‌ترین بخش این موضوع، اثبات ولادت آن بزرگوار است که از گذشته تا به حال مورد اختلاف بین شیعه و اهل سنت بوده است. شیعه به اتفاق معتقدند که امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسگری علیه السلام در سال ۲۵۵ هجری قمری در سامراء متولد گردید و امام حیی و حاضر است که به اراده الهی غائب شده و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد ولی بیش‌تر اهل سنت منکر ولادت آن حضرت هستند! ما در این بخش روایاتی را نقل خواهیم کرد که بر ولادت آن حضرت دلالت دارد؛ البته بعضی از این روایات با صراحت از ولادت حضرت خبر داده است و برخی دیگر به گونه‌ای است که لازمه‌اش تولّد یافتن

مهدی عجل الله فرجه است.<sup>۱</sup>

البته در جریان ولادت امام مهدی عجل الله فرجه بخش های دیگری هم هست که به اثبات ولادت آن حضرت کمک می کند مثل مخفی بودن ولادت آن حضرت و علت آن و بشارت پیامبر ص و امامان ع نسبت به ولادت و بیان نسب آن حضرت و آنها که امام را در کودکی یا در غیبت صغری، ملاقات کرده اند که به این ها هم اشاره ای خواهد شد.

## روایات

۱. پیامبر اکرم ص فرمود:

دنیا تمام نمی گردد تا این که مردی از نسل حسین ع به امر [سرپرستی و امامت] امت من قیام خواهد کرد. او دنیا را پراز عدالت می کند همان گونه که از جور پر شده باشد. [راوی گوید:] گفتیم، او کیست ای رسول خدا ص؟ فرمود: او نهمین نفر از نسل حسین ع است.<sup>۲</sup>

۲. پیامبر اکرم ص فرمود:

... ای جابر، وقتی فرزندم باقرا را دیدی، سلام مرا به او برسان،

۱. به اصطلاح منطقی، دلالت این احادیث بر ولادت مهدی عجل الله فرجه به سه گونه مطابقی، تضمینی و التزامی است یعنی برخی صریح در اثبات ولادت است و برخی خبر ولادت را در بر دارد و لازمه برخی دیگر ولادت مهدی عجل الله فرجه است.

۲. عن رسول الله ص: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. قلنا من هو يا رسول الله ص؟ قال: هو التاسع من صلب الحسين ع. (كفایة الاثر ص ۹۷، ب ۱۲، ح ۳؛ بحار الأنوار ج ۳۶، ص ۳۱۸، ب ۴۱، ح



همانا او هم نام من و شبیه ترین مردم به من است. دانش او دانش من و حکم او حکم من است. هفت تن از فرزندان او، امینان و معصومان و امامان نیکوکار هستند و هفتمین آنها مهدی ایشان است که زمین را از عدل و داد پرمی کند همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد...<sup>۱</sup>

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به همه امامان از پدران من و نیز از فرزندان ایمان و اقرار داشته باشد و تنها مهدی از فرزندانم را انکار کند مثل آنست که همه انبیاء الهی را پذیرفته ولی منکر پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله گردیده باشد. [راوی گوید] گفتم: ای مولای من! مهدی کیست؟ فرمود: پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام! شخص او از دیدگان شما غائب می گردد و نام بردن از او بر شما جایز نیست.<sup>۲</sup>

۴. امام رضا علیه السلام فرمود:

... هر کس پیش از قیام قائم ما، تقیه را ترک کند از ما نیست! - به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، قائم از شما

---

۱. عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال... یا جابر، إذا ادركت ولدي الباقر فاقراه مني السلام فانه سميتي واشبه الناس بي، علمه علمي وحكمه حكمي، سبعة من ولده امناء معصومون ائمة ابرار والسابع منهم الذي يملأ الارض قسط و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً... (تمام حدیث در بخش حسب و نسب، حدیث ۷)

۲. عن الصادق علیه السلام: «مَنْ أَقْرَبَ بِالْأَيْمَةِ مِنْ آبَائِي وَوُلْدِي وَجَحَدَ الْمُهْدِيَّ مِنْ وُلْدِي كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله نُبُوَّتُهُ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي وَمَنْ الْمُهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ قَالَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ.»

(كمال الدين، ج ۲، ص ۴۱۰، ب ۳۹، ح ۴)

خاندان کیست؟ - فرمود: چهارمین نفر از فرزندانم، پسر سرور کینیزان! خداوند به سبب او زمین را از هر ظلم و جور پیاپی پاک خواهد ساخت و او همان است که مردم در ولادت او شک می‌کنند و همان است که پیش از قیام خود، غیبت خواهد داشت.<sup>۱</sup>

۵. امام جواد علیه السلام فرمود:

... به درستی که قائم از ما [اهل بیت علیهم السلام] همان مهدی علیه السلام است که باید در غیبتش، منتظر او باشند و در ظهورش از او اطاعت کنند و او سومین نسل از فرزندان من است...<sup>۲</sup>

۶. امام هادی علیه السلام فرمود:

به راستی که امام پس از من، فرزندم حسن خواهد بود و پس از او فرزندش قائم علیه السلام همان که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان‌گونه که از جور و ظلم پر شده باشد.<sup>۳</sup>

۷. به امام عسکری علیه السلام گفته شد، امام و حجت خدا پس از شما

۱. عن الرضا علیه السلام... فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا - فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ وَمَنِ الْقَائِمِ مِنْكُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَايَتِهِ وَهُوَ صَاحِبُ الْعَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ... (همان، ص ۳۷۱، ب ۳۵، ح ۵)

۲. عن الجواد علیه السلام: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي...» (تمام حدیث در بخش حسب و نسب، حدیث ۱۰؛ همان ص ۳۷۷، ح ۱ و نیز اعلام الوری و بحار الأنوار ج ۱۵، ص ۱۵۶، ب ۱۴۹)

۳. عن الإمام الهادي علیه السلام: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنَ ابْنِي وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.» (كمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۱۰ و اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۹۴، ب ۳۰، ح ۱۷)

کیست؟ فرمود:

پسرم محمد امام و حجت خدا پس از من است و هر که بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است! آگاه باشید که بی تردید برای او غیبتی خواهد بود که نادان‌ها در آن به حیرت می‌افتند و اهل باطل هلاک می‌شوند...<sup>۱</sup>

۸. امام عسکری علیه السلام فرمود:

... خدای را سپاس که مرا از دنیا بیرون نبرد تا این که جانشین پس از مرا به من نشان داد! او شبیه‌ترین مردم به رسول خداست از جهت خلقت و از جهت اخلاق. خداوند او را در غیبتش حفظ کرده و پس از آن او را ظاهر می‌سازد. پس او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۲</sup>

۹. امام عسکری علیه السلام فرمود:

دشمنان گمان کردند که مرا می‌کشند و نسل امامت را قطع می‌کنند و به تحقیق خداوند قول آنها را تکذیب کرد و خدای را

---

۱. قیل للإمام العسکری علیه السلام: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَازُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ...» (تمام حدیث در بخش حسب و نسب، ح ۱۲؛ همان، ص ۴۰۹، ب ۳۸، ح ۹ و اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، ب ۳۲، ح ۱۸۹)

۲. عن الامام العسکری علیه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله خُلِقُوا وَ خُلِقُوا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فِيمَا أَدْرَأَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. (كمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۰۸، ب ۳۸، ح ۷ و كفاية المهتدي (الاربعين)، ص ۱۱۱، ح ۲۹)

شکر [که چنین کرد].<sup>۱</sup>

۱۰. امام عسکری علیه السلام در نامه‌ای به یکی از شیعیانش فرمود:

برای ما فرزندی به دنیا آمد [این خبر] باید نزد تو پوشیده باشد و از همه مردم پنهان و مخفی بماند و به راستی که ما کسی را از آن مطلع نساختیم مگر آن که نزدیک باشد و یا از دوستان باشد. خوش داشتیم که تو را اعلام کنیم تا خداوند به این خبر تو را شاد کند هم چنان که ما را مسرور کرد و السلام.<sup>۲</sup>

۱۱. حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام روایت کرده است که امام

عسکری علیه السلام به دنبال من فرستاد و فرمود:

ای عمّه امشب افطارت را نزد ما قرار ده زیرا که شب نیمه شعبان است و خداوند در امشب حجت را نمایان خواهد ساخت و او حجت خدا در زمین است. گفتم: مادرش کیست؟ فرمود: نرجس! گفتم: فدایت شوم! در نرجس نشانه‌ای [از حمل] نیست! فرمود: همانست که به تو گفتم! [حکیمه گوید] آدمم و به نرجس سلام کرده... و گفتم: دخترم خداوند امشب به تو کودکی عطا خواهد کرد که در دنیا و آخرت، سرور و آقا است!... [حکیمه گوید]: در دل شب برای نماز برخاستم،

---

۱. و عنه علیه السلام: «رَعِمُوا أَنَّهُمْ يُرِيدُونَ قَتْلِي لِيَقْطَعُوا هَذَا النَّسْلَ وَقَدْ كَذَّبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قَوْلَهُمْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ». (معجم احادیث الامام المهدي، ج ۶، ص ۲۷، به نقل از کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۷، ب ۳۸، ح ۳)

۲. و عنه علیه السلام: «وُلِدَ لَنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا وَعَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا فَإِنَّا لَمْ نُنْظِرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَالْوَلِيَّ لِوَلَايَتِهِ أَحَبُّبُنَا إِغْلَامَكَ لِيَسْرِكَ اللَّهُ لَهُ مِثْلَ مَا سَرَّتْنَا بِهِ وَالسَّلَامَ». (معجم احادیث الامام المهدي، ج ۶، ص ۳۱، ح ۱۲۷۲ به نقل از کمال الدین، ص ۴۳۳، ب ۴۲، ح ۱۶)

نماز خواندم و حال آن که نرجس خوابیده بود... پس او برخاست و نماز گزارد و خوابید... پس بیرون آمده و در جست و جوی فجر بودم... تردید بر من عارض شد ناگاه ابو محمد علیه السلام از جای خود مراندا داد و فرمود: ای عمه شتاب مکن که امر نزدیک شده است! حکیمه گوید: نشستیم و سوره های سجده و یس را قرائت کردم در این میان او هراسان بیدار شد و من از جای خود پریده نزد او رفتم و گفتم: نام خدا بر تو یاد آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری ای عمه! ... حکیمه گوید: مرا و نرجس را وضعی گرفت و به صدای سرورم به خود آمدم و جامه از او برداشتم و ناگهان سرورم را دیدم که به سجده افتاده است و مواضع سجده اش را بر زمین گذاشته؛ او را در آغوش گرفتم و دیدم که پاک و پاکیزه است. [در این هنگام] امام عسکری مراندا داد که ای عمه فرزندم را نزد من بیاور! مهدی علیه السلام را به نزدش بردم... فرمود: پسر من سخن بگویی! کودک گفت: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و سپس بر امیرالمؤمنین و امامان درود فرستاد تا آن که بر پدرش هم درود فرستاد و زبان درکشید...<sup>۱</sup>

۱. عَنْ حَكِيمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَتْ: «بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ عليه السلام فَقَالَ يَا عَمَّةُ اجْعَلِي إِفْطَارَكَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ عِنْدَنَا فَإِنَّهَا لَيْلَةُ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيُظَاهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ وَهُوَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ قَالَتْ فَقُلْتُ لَهُ وَمَنْ أُمُّهُ قَالَ لِي نَرْجِسُ قُلْتُ لَهُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَا بِهَا أَثَرٌ فَقَالَ هُوَ مَا أَقُولُ لَكَ قَالَتْ فَجِئْتُ فَلَمَّا سَلَّمْتُ وَجَلَسْتُ جَاءَتْ تَنْزِعُ حُفِّي وَ قَالَتْ لِي يَا سَيِّدَتِي وَ سَيِّدَةَ أَهْلِي كَيْفَ أُمْسَيْتِ فَقُلْتُ بَلْ أَنْتِ سَيِّدَتِي وَ سَيِّدَةَ أَهْلِي قَالَتْ فَأَنْكَرْتُ قَوْلِي وَ قَالَتْ مَا هَذَا يَا عَمَّةُ قَالَتْ فَقُلْتُ لَهَا يَا بَيْتَةَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيَهَبُ لَكَ فِي لَيْلَتِكَ هَذِهِ غُلَامًا سَيِّدًا فِي

۱. ابی غانم خادم امام عسکری علیه السلام روایت کرده:

برای ابامحمد (امام عسکری علیه السلام) فرزندی متولد شد و او را محمد نامید و روز سوم او را به اصحابش نشان داد و فرمود: این صاحب [وامام] شما پس از من است و خلیفه من بر شماست و او همان قائم است که همگان به انتظار او خواهند بود پس آن گاه که زمین از جور و ظلم آکنده شود ظهور کرده و آن را پر از عدل و قسط و عدل خواهد ساخت.<sup>۱</sup>

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ قَالَتْ فَحَجَلْتُ وَاسْتَحَيْتُ فَلَمَّا أَنْ فَرَعْتُ مِنْ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ أَفْطَرْتُ وَأَخَذْتُ مَضْجَعِي فَرَفَدْتُ فَلَمَّا أَنْ كَانَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ قُمْتُ إِلَى الصَّلَاةِ فَفَرَعْتُ مِنْ صَلَاتِي وَهِيَ نَائِمَةٌ لَيْسَ بِهَا حَادِثٌ ثُمَّ جَلَسْتُ مُعَقِبَةً ثُمَّ اضْطَجَعْتُ ثُمَّ انْتَبَهْتُ فَرِعَةً وَهِيَ رَاقِدَةٌ ثُمَّ قَامَتْ فَصَلَّتْ وَنَامَتْ - قَالَتْ حَكِيمَةٌ وَخَرَجْتُ أَنْتَفَقْتُ الْفُجْرَ فَإِذَا أَنَا بِالْفَجْرِ الْأَوَّلِ كَذَنْبِ السَّبْحَانِ وَهِيَ نَائِمَةٌ فَدَخَلَنِي الشُّكُوكُ فَصَاحَ بِي أَبُو مُحَمَّدٍ مِنَ الْمَجْلِسِ فَقَالَ لَا تَعْجَلِي يَا عَمَّةُ فَهَآكِ الْأُمُورَ قَدْ قَرَّبَ قَالَتْ فَجَلَسْتُ وَقَرَأْتُ الْمِ السَّجْدَةَ وَبَسَ فَبَيْنَمَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ انْتَبَهْتُ فَرِعَةً فَوُتِبْتُ إِلَيْهَا فَقُلْتُ اِسْمُ اللَّهِ عَلَيْكَ ثُمَّ قُلْتُ لَهَا أَتَحْسِبِينَ شَيْئًا قَالَتْ نَعَمْ يَا عَمَّةُ فَقُلْتُ لَهَا اِجْمَعِي نَفْسَكَ وَاجْمَعِي قَلْبَكَ فَهُوَ مَا قُلْتُ لِكَ قَالَتْ فَأَخَذْتَنِي فَتَرَةً وَأَخَذَتْهَا فَتَرَةً فَانْتَبَهْتُ بِحَسِّ سَيْدِي فَكَشَفْتُ الثُّوبَ عَنْهُ فَإِذَا أَنَا بِهِ عليه السلام سَاجِدًا يَتَلَقَّى الْأَرْضَ بِمَسَاجِدِهِ فَضَمَمْتُهُ إِلَيَّ فَإِذَا أَنَا بِهِ نَظِيفٌ مَتَّنِظَفٌ فَصَاحَ بِي أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام هَلْمِي إِلَيَّ اِنْبِي يَا عَمَّةُ فَحَنُتُ بِهِ إِلَيْهِ فَوَضَعَ يَدَيْهِ تَحْتَ أَلْيَتَيْهِ وَظَهَرَهُ وَوَضَعَ قَدَمَيْهِ عَلَى صَدْرِهِ ثُمَّ أَذَلِّي لِسَانَهُ فِي فِيهِ وَأَمَرَ يَدَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَسَمِعِيهِ وَمَفَاصِلِهِ ثُمَّ قَالَ تَكَلَّمِي يَا بِنْتِي فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْأَيْمَةِ عليه السلام إِلَيَّ أَنْ وَقَفَ عَلَيَّ أَبِيهِ ثُمَّ أَحْجَمَ... (كمال الدين وتمام

النعمة، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱، ص ۱۴۳)

۱. عَنْ أَبِي غَانِمِ الْخَادِمِ: «قَالَ وُلِدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَلَدٌ فَسَمَاهُ مُحَمَّدًا فَعَرَضَهُ عَلَيَّ أَصْحَابِي يَوْمَ الثَّلَاثِ وَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَهُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالِانْتِظَارِ فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جُورًا وَظُلْمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا

۱۳. محمد بن ابراهیم کوفی گوید:

امام عسکری علیه السلام گوسفند ذبح شده‌ای برایم فرستاد تا برسانم به کسانی که نام برده بود و فرمود: این عقیقه فرزندم محمد است.<sup>۱</sup>

۱۴. ابی هاشم جعفری گوید به امام عسکری علیه السلام گفتم:

بزرگی تو مرا از سؤالی باز می‌دارد آیا اجازه می‌دهید بپرسم؟  
فرمود: بپرس، مولای من آیا فرزندی برای شما هست؟  
فرمود: آری...<sup>۲</sup>

۱۵. امام عسکری علیه السلام فرمود:

بنی امیه و بنی عباس شمشیرهای خود را بر ما کشیدند به دو جهت: یکی آن که آنها می‌دانستند که در خلافت حقی ندارند و می‌ترسیدند که ما نسبت به آن ادعا کنیم و خلافت در جای خود قرار گیرد [و از آنها گرفته شود] و دوم این که آنها از طریق روایات متواتر<sup>۳</sup> آگاهی داشتند به این که نابودی سلطنت جبّاران

---

وَ عَدْلًا». (معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام ج ۶، ص ۴۵، ح ۱۲۷۸ به نقل از کمال‌الدین،

ج ۲، ص ۴۳، ب ۴۲، ح ۸)

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيِّ: «أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عليه السلام بَعَثَ إِلَيَّ بِغَضٍ مِنْ سَمَاءَ لِي بِشَاةٍ مَذْبُوحَةٍ وَقَالَ هَذِهِ مِنْ عَقِيْقَةِ أَبِي مُحَمَّدٍ». (همان، ص ۵۱، ح ۱۲۸۶، به نقل از همان،

ص ۴۳۲، ب ۴۲، ح ۱۰)

۲. عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام جَلَّالَتِكَ تَمْتَعْنِي مِنْ مَسْأَلَتِكَ فَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ فَقَالَ سَلْ قُلْتُ يَا سَيِّدِي هَلْ لَكَ وَلَدٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ فَإِنْ حَدَّثَ بِكَ حَدَّثْتُ فَأَيُّنَ أَسْأَلُ عَنْهُ قَالَ بِالْمَدِيْنَةِ». (همان، ص ۳۸، به نقل از الكافي، ج

۱، ص ۳۲۸، ج ۲)

۳. خبر متواتر، روایتی است که نه تنها صحیح است بلکه راویان فراوانی آن را نقل کرده‌اند و به گونه‌ای که اطمینان به درستی آن پیدا می‌شود و تردیدی در آن باقی نمی‌ماند.

وظالمان به دست قائم از ما خاندان است و نیز تردیدی نداشتند که خودشان از جمله جباران و ظالمانند بنابراین در کشتن اهل بیت رسول الله و نابودی نسل آن حضرت کوشیدند به این امید و آرزو که از به دنیا آمدن قائم جلوگیری کنند یا [به او دست یافته] بکشند! ولی خداوند نخواست که امر قائم علیه السلام [و ولادت او] برای احدی از آنها آشکار شود مگر آن که نور الهی تمام شده [و فراگیر شود] و اگرچه کافران کراهت داشته باشند.<sup>۱</sup>

۱۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

در قائم علیه السلام سنتی از موسی بن عمران است... [و آن] مخفی بودن ولادت اوست.<sup>۲</sup>

## نکته‌هایی از روایات

### آدله ولادت امام مهدی علیه السلام

ولادت امام مهدی علیه السلام رویدادی است که بیش از دوازده قرن از آن می‌گذرد و بدیهی است که برای اثبات آن باید به آثار و اخباری که

۱. عن الامام العسکری علیه السلام قد وضع بنو امیة و بنو العباس سیوفهم علینا لعنتین احدهما انهم کانوا یعلمون انه لیس لهم فی الخلافة حق فیخافون من ادعائنا ایتها و تستقر فی مرکزها و ثانیهما انهم قد وقفوا من الاخبار المتواترة علی ان زوال ملک الجبابة و الظلمة علی ید القائم منا و کانوا لایشکون انهم من الجبابة و الظلمة فسعوا فی قتل اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و ابادة نسله طمعاً منهم فی الوصول الی منع تولد القائم او قتله فابی الله ان یکشف امره لواحد منهم الا ان یتم نوره ولو کره الکافرون. (اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، ب ۳۲، ف ۴۴، ح ۶۸۵)

۲. عن الصادق علیه السلام: «فی القائم سنّة من موسی بن عمران علیه السلام... حَقَاءَ مَوْلِدِهِ». (کمال

الدین، ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۱۸)



در این زمینه موجود است مراجعه کنیم:

۱. روایات فراوان از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در دست است که ولادت مهدی ﷺ را اثبات می‌کند<sup>۱</sup> و می‌توان آنها را این گونه تقسیم کرد:

(الف) روایاتی که با صراحت از ولادت مهدی ﷺ خبر داده است مانند روایاتی که از امام عسکری علیهما السلام پدر بزرگوار آن حضرت نقل شده است (روایات ۷ تا ۱۵) مطابق این روایات، امام عسکری علیهما السلام به عنوان پدر به ولادت مهدی علیهما السلام گواهی داده‌اند و برای اطلاع شیعیان خود نیز اقداماتی کرده‌اند مانند نشان دادن مهدی علیهما السلام به عده‌ای از خواص شیعه و عقیقه کردن برای مهدی علیهما السلام و فرستادن گوشت عقیقه برای شیعیان و نامه‌نگاری به شهرهای دور و خبر دادن از ولادت مهدی علیهما السلام.

(ب) روایات بسیاری که جایگاه نسبی مهدی ﷺ و مقطع زمانی ولادت او را بیان کرده است<sup>۲</sup> مانند این که پیامبر ﷺ فرموده مهدی علیهما السلام،

---

۱. ناگفته نماند که اهل سنت گرچه امامان معصوم علیهم السلام را به عنوان جانشینان نپذیرفته‌اند اما به بلندی مقام و عظمت شخصیت آن‌ها اعتراف دارند و بنابراین به سخنان آنها نیز به عنوان یک شاهد امین و صادق می‌نگرند و آنها را قابل استناد می‌دانند بلکه امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را از برترین اصحاب پیامبر ﷺ می‌شمردند و نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ ابراز محبت و ارادت هم می‌کنند، بسیاری از بزرگان اهل سنت از فرقه‌های مختلف بی‌واسطه و یا با واسطه از علوم اهل بیت علیهم السلام استفاده کرده‌اند و آنها را عالم‌ترین مردم نسبت به قرآن و سنت پیامبر ﷺ می‌شناختند.

۲. رک: به «منتخب الاثر» فصل‌های ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ که حدود ۹۵۰ روایت را آورده است که بیش از حد تواتر است و جای کم‌ترین تردید باقی نمی‌گذارد.

نهمین نفر از نسل امام حسین علیه السلام است و ائمه دیگر هم فرموده اند که مهدی چندمین از نسل آنهاست (روایات ۱ تا ۶). با توجه به این که از زمان شهادت آن امامان و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرن‌ها می‌گذرد آیا معقول است که نسل نهم و ششم و... از آنها متولد نشده باشد؟!

ج) گواهی افراد بسیاری از اصحاب امام حسن عسکری و امام هادی علیهما السلام به ولادت آن حضرت و مشاهده او، مانند گواهی جناب حکیمه خاتون عمه امام عسکری علیه السلام (روایت ۱۱) و ابی غانم خادم امام عسکری علیه السلام (روایت ۱۲) و نسیم و ماریه از کنیزان امام و دیگران که مرحوم صدوق رحمته الله در کتاب خود *کمال الدین و تمام النعمه* بعضی از آنها را نام برده و داستان تشرف آنها را بیان کرده است.<sup>۱</sup>

د) تشرف بسیاری از یاران امام عسکری علیه السلام و یا خواص شیعه به خدمت امام عصر علیه السلام در حیات امام حسن عسکری علیه السلام و در طول غیبت صغری، اینان افرادی موثق و مورد اعتماد همه شیعیان بوده اند مانند عثمان به سعید عمروی و محمد بن عثمان عمروی که نائب اول و دوم امام در غیبت صغری بوده اند و نیز احمد بن اسحاق که وکیل امام عسکری علیه السلام در قم بوده است.<sup>۲</sup>

۱. رک: به *کمال الدین*، ج ۲، باب ۴۲، ص ۱۴۳-۱۶۱؛ نیز رک: به *منتخب الاثر*، باب ۴، فصل‌های ۱-۴، احادیث ۷۸۶-۸۲۰.

۲. و نیز بزرگانی مانند حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمی نایب سوم و چهارم امام در غیبت صغری و سعد بن عبدالله قمی اشعری و علی بن بابویه قمی پدر صدوق و بزرگانی دیگر که نام آنها در کتاب‌های معتبر شیعه مانند کافی و کمال الدین و الغیبة (شیخ طوسی) آمده و جریان ملاقات آنها با حضرت مهدی علیه السلام بیان

۲. نقل پیوسته و پی در پی از علمای شیعه:

در طول مدت طولانی دوازده قرن که از ولادت امام مهدی علیه السلام می‌گذرد صدها فقیه و متکلم و محدّث و فیلسوف در عالم تشیع ظهور کرده و صدها کتاب از خود به جای گذاشته‌اند و همگی به اتفاق بر ولادت آن حضرت با ذکر زمان و مکان ولادت تصریح کرده‌اند. آیا با وجود چنین اتفاق نظری در ولادت امام زمان علیه السلام هیچ تردیدی باقی می‌ماند؟!

۳. اعتراف بسیاری از علمای اهل سنت:

بسیاری از علمای اهل سنت و از جمله مورّخان و نسب‌شناسان آنها به ولادت امام مهدی علیه السلام اعتراف کرده‌اند و حتی بعضی از آنها تاریخ و محل ولادت آن حضرت را مطابق نقل شیعه بیان کرده‌اند.<sup>۱</sup>

---

گردیده است. آیه‌الله صافی گلپایگانی اسامی ۶۷ نفر از ملاقات‌کنندگان حضرت را از کتاب کمال‌الدین صدوق نقل کرده است. (رک: به منتخب الاثر، ج ۲، ص ۴۷۷ - ۴۸۳)

۱. در کتاب منتخب الاثر نام ۶۸ نفر از ایشان به همراه نام کتاب آنها و بعضی از عبارات آنها ذکر شده است. برخی از آنها عبارتند از: ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴)، ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵)، عبدالرحمن جامی، محمد بن یوسف گنجی (م ۶۵۸)، فضل بن روزبهان، محیی‌الدین ابن العربی (م ۶۳۸)، سعدالدین الحموی، عبدالوهاب الشعرانی (م ۹۷۳)، جلال‌الدین محمد الرومی المعروف بالمولوی (م ۶۷۲)، المحدث الکبیر ابراهیم الجوینی (م ۷۳۰)، ابن خلّکان در *وفیات الدعیان*، السید مؤمن الشبلنجی در *نور الابصار* به سه نمونه از عبارات آنها توجه کنید:

ابن حجر هیثمی در «*الصواعق المحرقة*» در باب بیان حالات امام عسکری علیه السلام آورده: او غیر از پسرش ابوالقاسم محمّد الحجة فرزند دیگری به جا نگذاشت و این پسر در

## راز پنهانی ولادت مهدی

گاهی گفته می شود که پنهانی بودن ولادت مهدی علیه السلام امری خلاف عرف و عادات است و چگونه ممکن است ولادت چنین شخصیتی بر مردم مخفی بماند؟! در پاسخ می گوئیم:

اولاً «ولادت» امری است که به طور طبیعی، مخفیانه و پنهانی رخ

هنگام وفات پدرش پنج ساله بود ولی خداوند در همان کودکی به او حکمت عطا فرمود.

وحافظ محمد بن یوسف گنجی (م ۶۵۸) در کتابش «کفایة الطالب فی مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب» پس از بیان ائمه معصومین علیهم السلام گفته: ابامحمد الحسن فرزند امام هادی علیه السلام روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری وفات کرد در حالی که ۲۸ سال داشت و در خانه اش در همان اتافی که پدرش [امام هادی علیه السلام] دفن شده بود به خاک سپرده شد و پس از خود پسرش را گذاشت که همان امام منتظر صلوات الله علیه است و ما کتاب خود را به بیان حال او پایان خواهیم داد.

و نیز در باب ۲۵ کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» آورده: در این که مهدی از زمان غیبتش تا الان باقی باشد هیچ منعی نیست به دلیل این که عیسی علیه السلام و الیاس علیه السلام و خضر علیه السلام که از اولیاء الهی اند تاکنون باقی هستند.

و شیخ محی الدین معروف به ابن عربی اندلسی (م ۶۳۸) در کتاب فتوحات آورده: و بدانید که خروج مهدی علیه السلام حتماً رخ خواهد داد... و اگر از عمر دنیا نمانده باشد جز یک روز، خداوند آن را طولانی خواهد ساخت تا آن خلیفه به حکومت رسد و او از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه علیها السلام است. جدش حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام و پدرش حسن عسکری علیه السلام فرزند امام علی النقی علیه السلام فرزند محمد تقی فرزند امام علی الرضا علیه السلام فرزند امام موسی الکاظم علیه السلام فرزند امام جعفر صادق علیه السلام فرزند امام محمد باقر علیه السلام فرزند امام زین العابدین علیه السلام فرزند امام حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است.

برای ملاحظه بقیه اسامی و عبارات به منتخب الاثر ج ۲، ص ۳۶۹ - ۳۹۳ باب ۴، فصل اول، مراجعه کنید.

می دهد و این گونه نیست که افراد به صورت آشکار و علنی، از مادران خود متولد شوند! به ویژه در جوامع اسلامی که حیا و عفت و پرده پوشی بانوان، بسیار مهم است؛ بنابراین امر ولادت تنها برای یک یا چند بانویی که عهده دار امر ولادت هستند قابل مشاهده است، و بقیه مردم تنها از راه اعتراف پدر و یا گواهی قابله و مانند آن از نسبت فرزندی افراد با والدینشان مطلع می شوند. (روایت ۷-۱۵)

ثانیاً شرایط بد سیاسی حاکم بر زمان ولادت مهدی علیه السلام سبب شد که ولادت آن حضرت، پنهانی رخ دهد و گرنه آن بزرگوار کشته می شد چون خلفای بنی عباس تصمیم به قتل فرزند امام عسکری علیه السلام داشتند تا مهدی علیه السلام به وجود نیاید و کاخ ظلم آنها را ویران نکند. (روایت ۱۵)

ثالثاً آنها که از ولادت مهدی علیه السلام آگاه شده اند از دودسته بیرون نیستند: یا از خواص شیعه و پیروان امام بوده اند که به دلیل ترس بر جان امام، ولادت آن حضرت را نقل نمی کردند و یا از غالب مردم بوده اند که هماهنگ با خلفای بنی عباس بوده اند و نه تنها انگیزه ای برای نقل ولادت مهدی علیه السلام نداشتند بلکه تمایل به پنهان کردن و نقل نکردن این جریان مهم و سرنوشت ساز داشتند. آیا در چنین محیطی می توان انتظار داشت که خبر ولادت مهدی علیه السلام به یک امر علنی و آشکار و مشهور و معروف، تبدیل گردد؟!

رابعاً مسئله پنهانی ولادت آن حضرت امری به تدبیر الهی بوده است

و مطابق روایات در ادامه سنتی است که در برخی از انبیاء پیشین مانند موسی علیه السلام و ابراهیم علیه السلام رخ داده است. (روایت ۱۶) و فراتر از آن چه گفتیم حکمت‌هایی در آن نهفته است.

همان‌گونه که امر غیبت مهدی علیه السلام نیز در ادامه سنتی است که در بسیاری از پیامبران الهی جریان داشته است. توجه به این نکته لازم است که بر اساس روایات شیعه و سنی، سنت‌هایی که پیش از اسلام بوده است در امت اسلامی نیز مشاهده خواهد شد. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که خطاب به مسلمین فرمودند:

... به یقین شما از سنت‌های امت‌های گذشته در جهات مختلف پیروی خواهید کرد.<sup>۱</sup>

و نیز صدوق روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود، هر آن چه در امت‌ها

---

۱. این روایت را حاکم در *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۱، ص ۳۷ آورده و با اندکی تفاوت در *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۱۴۴ و نیز *شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه*، ج ۹، ص ۲۸۶ آمده است. نیز در روایتی طولانی، ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که مردی یهودی به نام «نعلث» سؤالات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کرد و سپس از وصی ایشان پرسید و گفت: پیامبر ما موسی علیه السلام، یوشع بن نون را وصی خود قرار داد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وصی من علی بن ابی طالب علیه السلام است. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او پرسید، آیا اسباط (اوصیای موسی علیه السلام) را می‌شناسی؟ گفت: آری، آنان ۱۲ نفرند که اولین آنها «لاوی بن برخیا» بود و مدتی طولانی از بنی اسرائیل غایب بود و سپس ظاهر شد و خدا توسط او شریعت موسی را پس از کهنه شدن، تجدید حیات نمود... آن‌گاه حضرت فرمود: آن چه در بنی اسرائیل اتفاق افتاده در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد... دوازدهمین فرزند من غایب می‌شود و دیده نخواهد شد... (فرائد المسطین، ج ۲، ص ۱۳۳، ح ۴۳۱؛ *نبایع الموده*، ج ۳، ص ۲۸۳)

گذشته بوده است در این امت نیز همانند آنها خواهد بود...<sup>۱</sup>

بنابراین پنهان بودن ولادت مهدی علیه السلام نه تنها امری بی سابقه و برخلاف عرف و عادت نیست بلکه در میان عموم مردم با انگیزه‌های مختلف رخ داده و می‌دهد مثلاً گاهی انسان از کنیز خود یا همسر دوم خود صاحب فرزند می‌شود و او را از همسر اول خود پنهان می‌کند و بلکه این امر را از هر کسی که بیم فاش کردن آن خبر را از او دارد پنهان نگه می‌دارد تا زندگی‌اش تباه نگردد و این فرزند هم چنان رشد می‌کند و حال آن که هیچ یک از خانواده شخص و عموزادگان و برادران و دوستانش او را نمی‌شناسند و این پنهان کاری تا زمانی که ترس پدراز خبردار شدن دیگران از بین برود، ادامه می‌یابد و گاهی این امر را تا زمان مرگش پنهان می‌کند و موقع مرگ او را به دیگران می‌شناساند تا نسب فرزندش مجهول نماند و حقوقش به او برسد. و گاهی پادشاهی دارای فرزندی می‌شود و تا آن هنگام که رشد کرده و به صورت نوجوانی درآید آن را پنهان می‌کند و این امر را درباره گروهی از پادشاهان روم و هند و ایران نقل کرده‌اند از جمله مورخان نوشته‌اند که «وسفا فرید» دختر افراسیاب پادشاه ترک برای همسرش سیاوش که پسر کیکاووس پادشاه ایران بود، پسری به دنیا آورد به نام کیخسرو ولی این مادر بارداری و ولادت این فرزند را از همگان و به خصوص از کیکاووس - جد او و پادشاه بزرگ - پنهان نگه داشت و این خبر در میان مورخین، مشهور

است و علت پنهان نگه داشتن او معروف است و طبری آن را در کتاب تاریخ خود نقل کرده است.<sup>۱</sup>

خلاصه، پنهان نگه داشتن ولادت فرزند با انگیزه‌های گوناگونی رخ داده و می‌دهد پس چگونه است که مخالفین امامیه، اعتقاد شیعه را به پنهان نگه داشتن ولادت مهدی علیه السلام توسط پدر بزرگوارش، انکار می‌کنند؟ در حالی که انگیزه‌های آن بسیار روشن‌تر و اطمینان به درستی وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام بسیار بیش‌تر است زیرا که گروهی از مؤمنان و اهل فضل و دانش و زهد و عبادت از آن حضرت نقل کرده‌اند که ایشان به وجود فرزندش مهدی علیه السلام اعتراف کرده و به آنها اطلاع داده و به امامت او تصریح کرده و ایشان او را در کودکی و جوانی مشاهده کرده‌اند، چنان که روایات آن گذشت.

### شبّهات بی‌اساس دربارهٔ ولادت و پاسخ آنها

مخالفین امامت برای انکار ولادت مهدی علیه السلام شبّهات بی‌پایه و اساسی را مطرح کرده‌اند که در برابر آن همه دلیل روشن بر ولادت، هیچ ارزشی ندارد. بعضی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. گفته‌اند که جعفر برادر امام عسکری علیه السلام و فرزند امام هادی علیه السلام منکر ولادت مهدی علیه السلام بوده و این انکار دلیلی بر ردّ ادّعای شیعیان

۱. ترجمه رسالات المسائل العشرة فی الغیبة اثر شیخ مفید رحمته الله، ص ۵۵ - ۵۷؛ به نقل از تاریخ

الامم والملوک، ج ۱، ص ۵۰۴ - ۵۰۹.



مبنی بر ولادت فرزندی برای امام عسکری علیه السلام است!  
پاسخ این است که او یکی از افراد بشر بوده که به گمراهی افتاده  
و ادعای باطل کرده است زیرا که هیچ کس درباره او ادعای  
عصمت نکرده است. مگر نه این است که به قول قرآن پسر نوح علیه السلام  
کافر شد و راهش را از نبوت جدا کرد و گرنه این که برادران یوسف  
که همگی پیامبرزاده بودند درباره برادرشان به خطا رفته او را به  
چاه انداختند؟

و نیز اگر قرار باشد انکار جعفر، سبب ردّ ولادت مهدی علیه السلام باشد پس  
باید انکار ابولهب و سایر خویشان پیامبر هم سبب بطلان ادعای نبوت  
از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد! و انکار ابوقحافه نسبت به خلافت  
پسرش ابوبکر، سبب بطلان خلافت او!<sup>۱</sup>

و البته مخفی نیست که جعفر، انگیزه‌های روشنی برای انکار ولادت  
فرزند برادر داشت از جمله تصاحب میراث ارزشمند برادرش امام  
عسکری علیه السلام و ادعای جانشینی نسبت به او و حرص جعفر برای  
دست‌یابی به اموالی که شیعیان به وکیلان امام عسکری علیه السلام پرداخت  
می‌کردند و پس از وفات امام نیز ادامه داشت.

---

۱. در کتاب *احتجاج* مرحوم طبرسی رحمه الله آمده است که وقتی ابوبکر جریان خلافت خود را  
به پدرش ابوقحافه خبر داد، ابوقحافه که آن زمان در مدینه نبود با فرستادن نامه‌ای،  
ابوبکر را از این امر بر حذر داشت و خواستار کناره‌گیری او شد و او را لایق چنین  
مقامی ندانست! (*الاحتجاج*، ج ۲، ص ۸۷) آیا اهل سنت که به خلافت ابی‌بکر  
معتقدند به دلیل انکار ابوقحافه، دست از اعتقاد خود برمی‌دارند؟

۲. گفته اند که امام عسکری علیه السلام در بیماری خود که به وفاتش انجامید به مادرش «ام الحسن حدیث» وصیت کرد و او را سرپرست همه اوقاف و اموال خود قرار داد و نامی از فرزندش نبرد!

پاسخ این است که این کار امام عسکری علیه السلام مؤید آنست که هدف آن حضرت پنهان کردن ولادت فرزندش بود از حاکم وقت و از هر کسی که به دنبال کشتن مهدی علیه السلام بود؛ و اگر نامی از مهدی می برد، برخلاف تدبیر عمل کرده بود هم چنان که امام صادق علیه السلام نیز در هنگام وفات تنها به فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام وصیت نکرد بلکه پنج نفر را وصی خود قرار داد از جمله منصور که خلیفه وقت بود و ربیع وزیر او و کنیزش حمیده بربریّه را و بدین گونه امامت او را پنهان کرده و جانش را حفظ نمود.

۳. گفته اند روزگار پدران امام عسکری علیه السلام بسیار سخت تر بود با این حال فرزندانشان را پنهان نکردند و رفتار امام عسکری علیه السلام متناقض با آنها بوده است!

پاسخ این است که شرایط زمان امام عسکری علیه السلام متفاوت با پدران بزرگوارش بود. خلفای زمان امامان قبل می دانستند که ایشان به تقیّه اعتقاد دارند و براساس آن عمل می کنند و در برابر خلفا قیام نخواهند کرد تا شرایط آن فراهم شود ولی وقتی زمان وجود کسی که انجام قیام علیه ظلم از او انتظار می رفت فرا رسید به جست و جوی او پرداختند تا خونش را بریزند. به علاوه هر یک از پدران او وقتی کشته می شدند،

براساس حکمت الهی امام دیگری به جای او قرار می‌گرفت ولی مهدی علیه السلام آخرین امام و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است که اگر کشته شود جانشینی برای او در زمین نخواهد بود.

۴. گفته‌اند عمر طولانی مهدی علیه السلام برخلاف طبیعت انسان‌هاست و این دلیلی است بر بطلان اعتقاد شیعه به وجود مهدی علیه السلام!

پاسخ این است که وقتی با ادله روشن و محکم ولادت مهدی علیه السلام به اثبات رسید با بعید شمردن عمر طولانی او نمی‌توان به انکار ولادت او پرداخت به ویژه آن که عمر طولانی، در تاریخ بشر سابقه دارد و قرآن و روایات و تاریخ به آن گواهی داده است.<sup>۱</sup> آیا جناب خضر علیه السلام که به اجماع همه مسلمین زنده است به خاطر عمر طولانی‌اش مورد انکار قرار می‌گیرد؟

۵. گفته‌اند با وجود جست‌وجوی فراوان از او به ویژه از سوی دولت عباسی، هیچ اثری از فرزند امام عسکری علیه السلام یافت نشد و این دلیل بر رد ادعای شیعه مبنی بر وجود پسری برای امام عسکری علیه السلام است!

پاسخ این است که آری نهایت چیزی که ادعا کرده‌اند همین است که امام عسکری علیه السلام از دنیا رفت و فرزندی برای او شناخته نشد یا از فرزند او جست‌وجو کردند ولی نیافتند! و معلوم است که نیافتن، دلیل بر نبودن نیست<sup>۲</sup> به ویژه آن‌جا که انگیزه روشنی برپنهان کردن آن امر

۱. در بخش طول عمر، به تفضیل این بحث پرداخته‌ایم به آن‌جا رجوع شود.

۲. به قول مثل معروف که: عدم الوجدان لا یدل علی عدم الوجود، یعنی نیافتن دلیل بر نبودن نیست و هیچ یک از مخالفین ما نتوانسته‌اند و نمی‌توانند دلیلی بر عدم وجود

باشد مثل ولادت مهدی علیه السلام که به گواهی تاریخ و نیز روایات، امام عسکری علیه السلام بر مخفی نگه داشتن آن مصمم بوده است.

۶. گفته‌اند درباره تاریخ ولادت مهدی علیه السلام و نیز نام مادر آن حضرت، اختلاف است و هر کسی چیزی گفته است و این دلیلی است بر این که چنین مولودی وجود ندارد و ادعای شیعه باطل است!

پاسخ این است که مشهور در ولادت امام مهدی علیه السلام این است که آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شده‌اند و بعضی ۲۵۶ و بعضی ۲۵۸ گفته‌اند ولی اکثر شیعه و اهل سنت همان نظر اول را گفته‌اند و این مقدار اختلاف در امری که انگیزه جدی بر مخفی نگه داشتن آن بوده امری کاملاً طبیعی است و این در حالی است که در موارد بسیار مهمی مثل ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که برای مسلمین اهمیت بسیاری داشته و انگیزه فراوانی برای ثبت و ضبط آن بوده اختلاف رخ داده است! و بلکه در موارد فراوانی از رخ داده‌های تاریخ اسلام اختلاف در زمان یا مکان یا شرایط و کیفیت آن رویداد پیش آمده است ولی هیچ کس مدعی نشده است که به سبب این اختلاف‌ها اصل رویداد مورد تردید و یا انکار قرار می‌گیرد! ضمناً دلیل نام‌های متعدد برای مادر امام زمان علیه السلام آنست که ایشان، کنیز بوده‌اند و رسم بر این بوده که کنیزان نام‌های متعدّد داشته‌اند.

---

مهدی علیه السلام ارائه کنند و تنها مدعی هستند که «نیافتیم و ندیدیم» و این در حالی است که شیعه ادله فراوان و متواتر بر ولادت و وجود آن حضرت ارائه کرده است.

## نتیجه‌گیری

از مجموع مباحثی که مطرح شد استفاده می‌شود که ولادت امام مهدی عجل‌الله‌فرجه فرزند امام عسکری علیه‌السلام با توجه به روایات صحیح و متواتر قطعاً و یقیناً رخ داده و آن حضرت هم‌اکنون زنده بوده و منصب امامت را به عهده دارند و هیچ‌یک از شبهات، دلیلی حتی کوچک و ضعیف بر رد ادعای ولادت آن حضرت نیست.



## فصل دوم:

### غیبت امام مهدی علیه السلام

یکی از فرازهای مهم زندگی حضرت مهدی علیه السلام غیبت آن حضرت است. غیبت به معنی نهان زیستی است که خداوند متعال براساس حکمت خود آن را اراده کرده است بنابراین امام دوازدهم مدتی طولانی از عمر خود را پنهانی زندگی می کند تا آن گاه که شرائط ظهورش فراهم گردیده، ظاهر گردد. «غیبت» از همان سال های نخستین ولادت امام آغاز گردید و تاکنون ادامه یافته است و تنها خداوند می داند که چه زمانی پایان خواهد یافت. در روایات فراوان مسئله غیبت و چگونگی و علت و فوائد آن بیان گردیده است که چند نمونه آن را می آوریم:

۱. امام باقر علیه السلام فرمود:

در قائم علیه السلام شباهتی به یوسف پیامبر علیه السلام هست. [راوی گوید:]

گفتم: آن شباهت چیست؟ فرمود: سرگردانی و غیبت.<sup>۱</sup>

---

۱. عن أبي جعفر عليه السلام: «قال في القائم شبهة من يوسف قلت وما هو قال الحيرة والغيبة.»

۲. سید بن محمد حمیری گوید به امام صادق علیه السلام گفتم:

ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله از پدران شما که درود خدا بر ایشان باد روایاتی درباره غیبت و درستی و راستی وقوع آن برای ما نقل شده است به من خبر دهید که این غیبت درباره چه کسی خواهد بود؟

فرمود: به راستی که غیبت درباره ششمین نفر از فرزندان من خواهد بود و او دوازدهمین نفر از امامان هدایت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. اولین نفر از آن ائمه علیهم السلام، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخرین آنها قائم به حق است، آخرین حجت خدا در زمین و صاحب الزمان علیه السلام به خدا قسم اگر او در غیبت بماند آن قدر که نوح علیه السلام در میان قومش زیست، از دنیا بیرون نخواهد رفت مگر این که ظاهر شود و زمین را از عدالت و قسط پر کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۱</sup>

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

برای قائم علیه السلام دو غیبت خواهد بود. در یکی از آنها در مراسم

توضیح: شاید مراد از حیرت و سرگردانی حالتی است که در شیعه پیدا می شود و نسبت به امام غائب حیران و سرگردان می شوند. «(الغیبة، الطوسی، ص ۱۶۳، ح ۱۲۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۱، ب ۳۲، ح ۲۸۴)

۱. عَنْ السَّيِّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَمِيرِيِّ: فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَقُولُ فِيهِ قُلْتُ لِلصَّادِقِ علیه السلام: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ رُويَ لَنَا أَخْبَارٌ عَنْ آبَائِكَ فِي الْغَيْبَةِ وَصَحَّةِ كَوْنِهَا فَأَخْبَرَنِي بِمَنْ تَقَعُ فَقَالَ إِنَّ الْغَيْبَةَ سَتَقَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيِّمَةِ الْهُدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْلَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ وَلَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ فَيَخْرُجَ فِيمَا لَ الْأَرْضُ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. (كمال الدين،

ج ۲، ص ۳۴۲، ب ۳۳، ح ۲۳)



حج، حضور می یابد مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند.<sup>۱</sup>

۴. امام سجاد علیه السلام درباره آیه **﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾**<sup>۲</sup> فرمود:

این آیه درباره ما نازل شده است و خداوند امامت را در نسل حسین علیه السلام قرار داد تا روز قیامت و برای قیام کننده ما [اهل بیت علیهم السلام] دو غیبت خواهد بود و یکی از آنها بلندتر از دیگری خواهد بود. پس بر امامت او ثابت قدم نخواهد ماند مگر آن کس که یقین او قوی و معرفت و شناخت او درست باشد.<sup>۳</sup>

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

برای صاحب این امر غیبتی است که در آن غیبت، شخص دیندار مانند کسی است که دست خود را بر شاخه درخت خاردار بکشد - سپس فرمود این گونه (و با دست خود نشان داد) - پس کدام یک از شما شاخه درخت خاردار را با دست خود می گیرد؟! سپس اندکی سربه زیر افکند و بعد فرمود: همانا برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود پس بنده باید نسبت به خدا

---

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمُ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرَوْنَهُ. (کافی، ج ۱، ص ۳۳۹، ب ۳۸، ح ۱۲)

۲. یعنی خداوند آن کلمه را کلمه پایدار و ماندگار در فرزندان و نسل ابراهیم علیه السلام قرار داد. (سوره زخرف، آیه ۲۸)

۳. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: **﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾** (سوره زخرف، آیه ۲۸) قَالَ: فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَجَعَلَ اللَّهُ الْإِمَامَةَ فِي عَقْبِ الْحُسَيْنِ علیه السلام الَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَان لَلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَتَيْنِ أَحَدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخَرَى فَلَا يَثْبُتُ عَلَيَّ إِمَامَتَهُ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ. (بناييع المودة، ص ۴۲۷، ب ۷۱: المحجة في ما نزل في القائم الحجة، ص ۲۰۰)

تقوا پیشه کند و دین خود را نگه دارد.<sup>۱</sup>

## نکته‌هایی از روایات

### سابقه غیبت

۱. غیبت مهدی علیه السلام از دو جهت دارای سابقه‌ای طولانی است: یکی این که این مسئله سال‌ها پیش از تولد امام مهدی علیه السلام در کلمات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام بیان گردیده است و آن بزرگواران علاوه بر پیش‌گویی نسبت به اصل غیبت، از چگونگی غیبت و وضع مردم و فتنه‌ها در آن زمان و نیز کوتاهی و بلندی غیبت خبر داده‌اند. دیگر این که غیبت مهدی علیه السلام جریانی است الهی که در ادامه سنتی است که در زندگی پیامبران خدا علیهم السلام وجود داشته است و این امر، تحمّل غیبت را بر شیعیان آن حضرت، آسان‌تر می‌کند. (حدیث ۱)

۲. این که پیش‌گویی معصومین علیهم السلام از غیبت امام دوازدهم، به همان گونه که فرموده بودند واقع شده، خود دلیلی بر حقیقت شیعه و حق بودن امر مهدی علیه السلام و غیبت اوست. به ویژه آن که روایات مربوط به غیبت پیش از تولد آن حضرت در مجموعه‌های حدیثی اصحاب ائمه علیهم السلام تدوین شده بوده است. کتاب شریف «کافی» پیش از غیبت کبری نوشته شده اما روایات مربوط به غیبت صغری و کبری در آن

۱. عن ابی عبد الله علیه السلام: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ عَيْبَةَ الْمُتَمَسِّكِ فِيهَا بَدِينَهُ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا يَبْدُوهُ فَأَيْتُكُمْ يُمْسِكُ شَوْكَ الْقِتَادِ يَبْدُوهُ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيئاً ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ عَيْبَةَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عِبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ». (کافی، ج ۱،

آمده است!

### چگونگی غیبت

۳. مطابق روایات، غیبت مهدی علیه السلام به معنی ناپیدایی اوست نه عدم حضور او! بنابراین آن حضرت، با وجود این که غائب است در اجتماعات مسلمین مانند مراسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند و از حال آنها آگاه است و این اعتقاد سبب ایجاد دلگرمی در شیعیان و حس ارتباط نزدیک و روحانی با آن حضرت گردیده است. (حدیث ۳)

۴. در روایت اول، سخن از غیبت یوسف پیامبر علیه السلام مطرح شده است که غیبت آن حضرت، به معنی ناشناس بودن ایشان بوده زیرا که برادران یوسف در سفری که به مصر داشتند با آن حضرت معامله و تجارت کردند ولی او را نشناختند تا آن گاه که خود را معرفی کرد و در برخی از روایات آمده است که غیبت مهدی علیه السلام نیز همین گونه است که مردم او را می بینند ولی نمی شناسند تا آن گاه که زمان ظهور او فرا رسد و خود را معرفی کند.<sup>۱</sup>

۵. مطابق روایات و نیز تاریخ، غیبت امام در دو بخش صغری و

---

۱. رک: *منتخب الاثر*، ج ۲، فصل ۲۸، ح ۶۱۱، ص ۲۴۴. (بنابراین غیبت مهدی علیه السلام در روایات به دو معنی آمده است: ناپیدا بودن و ناشناس بودن؛ و ممکن است در شرایط گوناگون به هر دو شکل واقع شود. این نکته نیز گفتنی است که ناشناخته ماندن حضرت برای بینندگان او امری طبیعی است زیرا تنها افراد معدودی که معاصر امام عسکری علیه السلام بودند و حضرت مهدی علیه السلام را مشاهده کرده بودند از شمایل آن بزرگوار خبر داشتند و نسل های بعد چنین نبودند)

کبری واقع شده است. تفاوت این دو آن است که در غیبت کوتاه مدت، چهار نایب از سوی امام و با تصریح به نام آنها، تعیین شده بودند و واسطه بین امام و امت بودند و این دوره در واقع مقدمه ای برای ورود به غیبت طولانی بود که در این دوره عالمان و فقیهان باتقوا، سمت نیابت را به عهده دارند و اینان با بیان اوصاف - و بدون ذکر نام - معرفی شده اند و مردم موظفند به ایشان مراجعه کرده و از آنها پیروی کنند.

### وظیفه ما در غیبت

۶. امامان معصوم علیهم السلام نسبت به خطر انحراف در زمان غیبت، هشدار داده و خبر داده اند که بعضی از مردم به خاطر طولانی شدن غیبت گمراه خواهند شد (حدیث ۴) بنابراین از مهم ترین وظائف ما در دوره غیبت حفظ دین و مرزهای اعتقادی و عمل بر اساس تقوا و پرهیزکاری است. (حدیث ۵)

۷. دوره غیبت دوره سختی است و دین داری در آن کاری بس مشکل! (حدیث ۵) ولی امامان ما راه حفظ دین و تقوای عملی را هم بیان کرده اند که همانا معرفت و شناخت نسبت به امام و حجت خداست (حدیث ۴) پس وظیفه داریم که معرفت خود را نسبت به امام خویش تقویت کنیم. (حدیث ۴)

### غیبت و ظهور

۸. در کلمات معصومین، خبر از غیبت مهدی علیه السلام پیوسته با نوید

ظهور او همراه شده است تا نور امید همیشه در دل های شیعیان روشن باشد. (حدیث ۲)

۹. در میان پیامبران علیهم السلام، حضرت نوح علیه السلام سمبل عمر طولانی است که به تصریح قرآن ۹۵۰ سال دوره پیامبری او بوده است. مقایسه غیبت مهدی علیه السلام با عمر نوح علیه السلام در کلام امام صادق علیه السلام حکایت از طولانی شدن غیبت دارد ولی به هر حال، شام غیبت به صبح ظهور خواهد رسید. (حدیث ۲)

۱۰. همان گونه که روزگار غیبت، روزگار ظلم و ستم و بی عدالتی است که جهان را فرا خواهد گرفت، دوره ظهور مهدی علیه السلام دوران عدالت جهانی و پر شدن زمین از خوبی هاست. این چشم انداز، سبب اشتیاق و آمادگی برای ظهور مهدی علیه السلام است. (حدیث ۲)



## فصل سوم:

### علت غیبت امام مهدی علیه السلام

غیبت یکی از پدیده‌های عالم است که به تدبیر الهی رخ داده است و روشن است که هیچ کار خرد و کلانی نیست مگر این که خداوند آن را براساس حکمت و علتی انجام می‌دهد. آدمی پیوسته به دنبال کشف علت‌ها و فهمیدن اسرار مخلوقات و احکام الهی است و به همین دلیل از علت غیبت امام مهدی علیه السلام نیز سؤال می‌کند. این سؤال را هم می‌توان با تحلیلی عقلی و یا بررسی تاریخی حیات امام عصر علیه السلام و پدران بزرگوارش پاسخ داد و هم از نظر روایی به آن نگاه کرد. در روایات متعدّد از علت غیبت سؤال شده است که برخی از آنها را می‌آوریم و به اختصار توضیح می‌دهیم:

#### روایات

۱. عبدالله بن فضل هاشمی گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که

فرمود:

صاحب این امر را غیبی است که ناگزیر اتفاق می افتد، هر اهل باطلی در آن به شک می افتد! گفتم: فدایت شوم! غیبت او برای چیست؟ فرمود: به خاطر امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم! گفتم: حکمت غیبت او چیست؟ فرمود: حکمت در غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت های پیش از او بوده است. همانا چگونگی حکمت در آن، کشف نخواهد شد مگر پس از ظهور [آن حضرت]، چنان که کارهای خضر علیه السلام که کشتی را سوراخ کرد و غلام را کشت و دیوار شکسته را بپا داشت، حکمتش معلوم نگردید مگر در زمان جدایی موسی و خضر علیه السلام. ای پسر فضل! این امر (غیبت) امری از امور خدا و سزای از اسرار او و غیبی از غیب های اوست و چون دانستیم که خدای بزرگ، حکیم است تصدیق می کنیم که همه کارهایش براساس حکمت است اگرچه علت و حکمت آن بر ما آشکار نباشد!<sup>۱</sup>

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. عن عبد الله بن الفضل الهاشمي قال سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بَدَّ مِنْهَا يَزِيدُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَالَ لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ قُلْتُ فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ قَالَ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَمْ يَنْكَشِفْ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِيمَا أَنَاهُ الْخَضِرُ عليه السلام مِنْ حَزَقِ السَّفِينَةِ وَقَتْلِ الْغُلَامِ وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عليه السلام إِلَى وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشَفٍ». (كمال الدين، ج ۲، ص ۴۸۳؛ الغيبة، ص ۲۹۰)



برای قائم ما غیبتی است که به طول می انجامد. [راوی گوید]:  
گفتم: ای پسر رسول خدا، غیبت او برای چیست؟ فرمود:  
خداوند عزوجل می خواهد درباره او سنت های پیامبران را در  
غیبت هایشان جاری سازد. ای سدیو، گریزی نیست جز این که  
مدت غیبت های انبیا به سرآید. خداوند عزوجل فرموده است:  
«همانا شما از حالی به حال دیگر منتقل می شوید» یعنی  
سنت های پیشینیان درباره شما هم جاری است.<sup>۱</sup>

۳. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

حتماً آن کودک [= امام مهدی علیه السلام] غیبت خواهد کرد! گفته  
شد: ای رسول خدا علت غیبت او چیست؟ فرمود: از کشته  
شدن می ترسد.<sup>۲</sup>

۴. امام رضا علیه السلام فرمود:

گویا شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم [= امام  
عسکری علیه السلام] در جست و جوی امام خود، همه جا را می گردند اما  
او را نمی یابند. [راوی گوید]: گفتم: چرا ای پسر رسول خدا؟!  
فرمود: برای این که امامشان غائب می شود. گفتم: چرا غائب  
می شود؟ فرمود: برای این که وقتی با شمشیر قیام کرد، بیعت

---

۱. عن حنان بن سدير عن ابيه عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «إِنَّ لِقَائِمٍ مِنَّا عَيْبَةً يَطُولُ أَمْدُهَا  
فَقُلْتُ لَهُ وَلِمَ ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَبِي إِلَّا أَنْ يُجْرِيَ فِيهِ سُنَنَ  
الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام فِي عَيْبَاتِهِمْ وَأَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ يَا سَدِيرُ مِنْ اسْتِيفَاءِ مَدَدِ عَيْبَاتِهِمْ قَالَ اللَّهُ  
عَزَّوَجَلَّ: ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ﴾ (سوره انشقاق، آیه ۱۹) أَيُّ سُنَنًا عَلَى سُنَنِ مَنْ كَانَ  
فَبَلِّغْكُمْ». (علل الشرايع، ج ۱، ح ۷، ص ۲۴۵)

۲. عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا بُدَّ لِلْعُلَامِ مِنْ عَيْبَةٍ فَعِيلَ لَهُ وَلِمَ يَا  
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَخَافُ الْقَتْلَ». (میزان الحکمه، ج ۱، باب امامت، ص ۱۸۲)

هیچ کس بر گردش نباشد!<sup>۱</sup>

## نکته‌هایی از روایات

### سرّی از اسرار الهی

۱. با این که سؤال کردن از علّت پدیده‌های عالم یا اسرار احکام، امری مشروع و گاهی پسندیده است ولی باید دانست که بعضی از امور جزء اسرار الهی است و مصلحت نیست که راز آن فاش شود مگر پس از گذشت زمان و طبیعی است که در چنین مواردی اصرار ورزیدن بر یافتن آن سرّ، بی فایده است. (روایت ۱)

۲. در بعضی از روایات جریان غیبت مهدی علیه السلام به کارهای خضر علیه السلام تشبیه شده است آن گاه که موسی علیه السلام با او همراه شد و از علّت کارهای او سؤال می‌کرد ولی خضر علیه السلام از بیان علّت کارها امتناع می‌کرد تا آن گاه که زمان جدایی آنها رسید و در آن هنگام پرده از اسرار اعمالش برداشت.<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام فرمود: راز غیبت مهدی علیه السلام نیز پس از ظهور آن حضرت آشکار خواهد شد. (روایت ۱)

۳. گرچه علّت غیبت را ندانیم ولی چون خداوند را حکیم می‌دانیم، یقین داریم که برای غیبت امام علیه السلام علّت و حکمتی بزرگ است

۱. عن علی بن الحسین بن علی بن فضال عن ابیه عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: «کأنّی بالنبیّة عند فقدهم الثالک من ولدی کالنعیم یطلبون المرعی فلا یجدونه قلت له و لم ذاک یا ابن رسول الله قال لأنّ إمامهم یغیب عنهم فقلت و لم قال لئلا یكون لأحد فی عنقه بیعة إذا قام بالسیف». (کمال الدین، ج ۲، ب ۴۴، ح ۴، ص ۲۳۲)

۲. جریان موسی و خضر علیه السلام در آیات ۶۵- ۸۲ سوره کهف آمده است.

همان گونه که هیچ پدیده‌ای در عالم بی علت و حکمت نیست و همه چیز تحت تدبیر و ربوبیت الهی است. (روایت ۱)

۴. ایمان به حکمت پروردگار عالم سبب تسلیم در برابر خواست و اراده او می‌گردد و اگر چنین ایمانی نباشد هر کجا آدمی به راز و رمز پدیده‌ها و یا احکام دست نیابد به لغزش‌های اعتقادی و یا رفتاری می‌افتد. (روایت ۱)

۵. در بعضی از روایات، علت‌هایی برای غیبت امام مهدی علیه السلام بیان گردیده است و ممکن است اینها علت اصلی غیبت نباشد و علت اصلی پس از ظهور آن حضرت، آشکار شود. (روایت ۱)

### غیبت، سنت الهی

۶. غیبت ولی خدا یک سنت و برنامه الهی است که سابقه طولانی دارد. مطابق روایات، بسیاری از پیامبران خدا مدتی از عمر خود را در غیبت به سر برده‌اند و در برخی از «روایات غیبت» آمده است که جریان غیبت امام مهدی علیه السلام براساس همان سنت الهی است که در گذشته درباره حجت‌های الهی جاری بوده است. (روایت ۲)

۷. براساس روایات اسلامی، سنت‌هایی که پیش از اسلام بوده است در امت اسلامی نیز رخ خواهد داد و به ویژه در روایات بر سنت‌های قوم بنی اسرائیل تکیه شده است که آن سنت‌ها در امت اسلامی پدید خواهد آمد و یکی از سنت‌های مهم در بنی اسرائیل، جریان غیبت حضرت موسی علیه السلام در دو نوبت کوتاه و بلند بوده و نیز

غیبت وصی موسی علیه السلام جناب «لاوی بن برخیا» که مدتی طولانی از بنی اسرائیل غائب بود و پس از ظهورش، شریعت موسی علیه السلام را حیاتی دوباره بخشید.<sup>۱</sup>

۸. در روایات ما از پیامبرانی مانند ادریس، صالح، شعیب، الیاس، دانیال، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام نام برده شده که مدتی از قوم خود غائب شده اند و پس از آن به سوی آنها بازگشته اند.<sup>۲</sup>

۹. گرچه علت نهایی غیبت پیامبران معلوم نیست ولی بدون شک یکی از اسرار آن امتحان و آزمایش مردم آن زمان بوده است زیرا که به تصریح قرآن، امتحان از سنت های الهی است که در همه زمان ها و برای همه ملل جاری بوده است و اسلام کامل ترین ادیان است و باید آن چه در ادیان دیگر بوده است در این دین هم اجرا شود و غیبت مهدی در ادامه همان جریان است تا مؤمنان از منافقان شناخته شود.

### غیبت، سپر جان امام

۱۰. طبق بعضی از روایات، امام مهدی علیه السلام برای حفظ جان خود، غائب شده اند، زیرا شواهد تاریخی به خوبی گواه است که حاکمان ظالم در پی کشتن فرزند امام عسکری علیه السلام بودند چون براساس پیش گویی های پیامبر صلی الله علیه و آله می دانستند که جانشین دوازدهم او، دنیا را

۱. رک: به *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۱۳۳. (متن روایت در بخش «ولادت امام مهدی علیه السلام» در پاورقی ص ۹۶ آمده است)

۲. رک: به *کمال الدین*، ج ۱، ص ۷-۱، ص ۲۵۴-۳۱۵.

ازلوث ظالمین پاک خواهد کرد.

۱۱. با توجّه به این که طبق روایات اسلامی زمین هیچ گاه نباید بدون حجّت بماند،<sup>۱</sup> مهدی علیه السلام باید متولّد می شد تا پس از شهادت حجّت پیشین یعنی امام عسکری علیه السلام، حجّت خدا بر زمین باشد و چون پس از او حجّت دیگری نخواهد بود باید تا زمان انجام رسالت بزرگ خود زنده بماند به همین دلیل غائب شد تا جان شریفش حفظ شود.

۱۲. ترس بر جان، آن گاه که در راستای مسئولیت الهی و تحقق اهداف و رسالت های خدا باشد امری مطلوب و پسندیده است و بارها در قرآن از زبان انبیا الهی مطرح شده است:  
خداوند از زبان حضرت موسی علیه السلام فرموده:

﴿فَقَرَّرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ﴾<sup>۲</sup>

پس آن گاه که از شما ترسیدم از شما فرار کردم.

و نیز در جای دیگر از توطئه فرعونیان برای قتل موسی علیه السلام پرده برداشته و سفارش مؤمن آل فرعون را مطرح کرده که از موسی خواست تا برای حفظ جاننش از مصر خارج شود و سپس فرموده:

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾<sup>۳</sup>

پس موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای.

---

۱. این روایات در *اصول کافی*، ج ۱ کتاب الحجّة آمده است.

۲. سوره شعراء، آیه ۲۱.

۳. سوره قصص، آیه ۲۱.

۱۳. خداوند قدرت بی نهایت دارد و می تواند حتی در صورت ظهور امام، او را از هر خطر جانی حفظ کند ولی در این صورت باید نظام طبیعی عالم بر هم خورد و امور براساس معجزه و خرق عادت ها پیش رود و چون خداوند اراده کرده است که جریان امور به شکل طبیعی باشد، مسیر غیبت و نمان زیستی را برای حجّت خود قرار داده است.

### آزادی از بیعت طاغوت ها

۱۴. اگر امام مهدی علیه السلام پیش از فرارسیدن زمان قیام، ظاهر باشد لازم است با طاغوت ها عهد و پیمانی ببندد و تا فراهم شدن شرایط قیام با آنها بیعت کند و تعهد کند که بر علیه آنها تعرضی نداشته باشد؛ چنان که امامان پیشین مجبور به چنین بیعتی گردیدند، ولی خداوند خواسته است که بیعت هیچ طاغوتی بر عهدۀ مهدی علیه السلام نباشد تا در زمان مناسب بدون هیچ تعهدی نسبت به ستم کاران، قیام کند. این حقیقت نیز به عنوان یکی از علل غیبت در روایات متعدّد مطرح شده است. (روایت ۴)

۱۵. رهایی از بیعت طاغوت ها، همان علتی است که در بیان امام مهدی علیه السلام نیز آمده است و ایشان تصریح فرموده که:

وقتی من قیام می کنم بیعت هیچ طاغوتی برگردن من نخواهد بود.<sup>۱</sup>

۱۶. آنچه ذکر شد بخشی از اموری بود که در روایات به عنوان علت

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۳، ص ۲۳۹.

غیبت بیان شده است و البته سرّ اصلی آن پیش خداست، ولی از مجموعه این عوامل می‌توان به دست آورد که علت غیبت امام، عدم آمادگی جهان و انسان‌ها برای ظهور و دولت مهدی علیه السلام است و هرگاه زمینه‌های لازم برای ظهور فراهم گردد، حجاب غیبت کنار رفته و خورشید وجود او ظاهر خواهد گشت.





## فصل چهارم: آثار و برکات امام غائب

گرچه ضرورت امام و لزوم وجود او در میان امت روشن است ولی وقتی سخن از غیبت امام مطرح می‌شود این سؤال پیش می‌آید که وجود امام غائب چه لزومی دارد و آیا امامی که غائب است فائده‌ای بر وجود او مترتب است؟ در پاسخ باید گفت: معمولاً کسانی این سؤال را طرح می‌کنند که وظیفه امام را تنها رهبری اجتماعی و دینی مردم می‌دانند و حال آن که این امر یکی از کارهای امام است و جایگاه امام و حجت الهی به منزله قلب در کالبد انسان است و او محور عالم و ممکنات است که بدون او عالم و آدمی نمی‌ماند.<sup>۱</sup>

آری، جای این سؤال هست که چگونه انسان‌ها می‌توانند از امام غائب از نظر استفاده کنند و از هدایت و دست‌گیری او بهره ببرند؟ این مطلب در روایات متعدد از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام<sup>۱</sup> او توضیح داده

---

۱. در بخش ضرورت وجود امام به تفصیل درباره این مطلب توضیح داده شد.

شده است که برخی از آن‌ها را می‌آوریم و به اختصار به آن می‌پردازیم.

## روایات

### ۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

ما امامان مسلمین هستیم و حجت‌های خدا بر جهانیان و سروران مؤمنین و رهبران و پیشوایان آن‌ها و ما [سبب] امنیت ساکنان زمین هستیم همان‌گونه که ستارگان [سبب] امنیت اهل آسمان هستند و ما آنانیم که خدا به سبب ما آسمان را نگه داشته تا بر زمین فرود نیاید مگر به اذن و اراده او و به وسیله ما زمین را نگه داشته تا مبادا اهل خود را فروبرد و به سبب ما باران می‌فرستد و رحمت می‌پراکند و برکت‌های زمین را بیرون می‌آورد و اگر کسی از ما [حجت‌های الهی] بر زمین نباشد، هر آینه زمین، اهل خود را فرو می‌برد [و طومار هستی در هم پیچیده می‌گردد] سپس فرمود، و از زمانی که خداوند آدم علیه السلام را آفریده است [هیچ گاه] زمین، خالی از حجت خدا نبوده است حال یا آن حجت، آشکار و شناخته شده بوده است و یا پنهان و پوشیده! و تا قیامت همین گونه خواهد بود و اگر چنین نباشد خداوند پرستش نخواهد شد. راوی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم چگونه از حجت غائب و پوشیده بهره می‌برند؟ فرمود: همان‌گونه که از خورشید پشت ابر، استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

---

۱. عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام: « نَحْنُ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَادَةُ الْعَرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ وَ نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَايِمِسْكَ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى

## ۲. امام علی علیه السلام فرمود:

خدایا، جز این نیست که قطعاً باید حجتی از ناحیه تو بر مردم، روی زمین وجود داشته باشد که آنان را به دین تو هدایت کند و تعالیم تو [ووحی را] به آن‌ها بیاموزد تا حجت‌های تو از بین نرود و اولیاء تو پس از آن که به وسیله آن حجت‌ها [و برهان‌های محکم الهی] هدایت شدند، گرفتار گمراهی نگردند. [پس وجود حجت الهی در هر زمان ضروری است حال] یا آن حجت الهی آشکار است ولی از او اطاعت نمی‌شود و یا پنهان است و در انتظار [ظهور] به سر می‌برد ولی اگرچه شخص [= جسم] او از مردم پنهان است اما در آن حال که هدایت شده هستند علم و آداب امام غائب در دل‌هایشان ثابت و استوار است و [اگرچه در غیبت به سر می‌برند ولی] به تعالیم و تادیب حجت غائب عمل می‌کنند.<sup>۱</sup>

الأرض إلا يادنيه و بنا يُمسك الأرض أن تَمِيدَ بأهلها و بنا يُنزل الغيث و تُنشر الرحمة و تُخرج بركات الأرض و لولا ما في الأرض منا لساخت بأهلها ثم قال و لم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجة لله فيها ظاهر مشهور أو غائب مستور و لا تخلو إلى أن تقوم الساعة من حجة لله فيها و لولا ذلك لم يُعبد الله قال سليمان فقلت للصادق عليه السلام فكيف يتتبع الناس بالحجة الغائب المستور قال كما يتتبعون بالشمس إذا سترها السحاب». (فرائد السمطين، ج ۱، باب ۲، ح ۱۱، ص ۴۵-۴۶؛ ينابيع المودة،

ص ۴۴۷)

۱. عَنْ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي حُطْبَةٍ لَهُ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بَدَّ لِأَرْضِكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ وَيُعَلِّمُهُمْ عِلْمَكَ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَلَا يَضِلَّ أَتْبَاعُ أَوْلِيَائِكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بِهِ إِمَّا ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمَطَاعِ أَوْ مُكْتَبِمٍ مُتَرَقِّبٍ إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هِدَايَتِهِمْ فَإِنَّ عِلْمَهُ وَآدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ فَهُمْ بِهَا غَامِلُونَ». (كمال الدين، ج ۱، ب ۲۶، ح ۱۱، ص ۵۶۲؛ اثبات الهداة، ج ۶، ح ۱۱۲، ب ۳۲،

۳. امام علی علیه السلام (در مورد آینده جهان و حکومت مهدی موعود علیه السلام) فرمود:

... کسی از ما [یعنی امام مهدی علیه السلام] که آن فتنه‌ها را دریابد با چراغی روشن‌گر در آن حرکت می‌کند و بر همان سیره و روش نیکان [یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام] رفتار می‌کند تا گره‌ها را باز کند و بردگان و اسیران را آزاد سازد. جمعیت‌ها [ی‌گمراه و ستمگر] را پراکنده و [حق‌جویان] پراکنده را جمع کرده و سامان دهد [و این تلاش امام علیه السلام] در پنهانی او از مردم است [به گونه‌ای که] جستجوگران با تمام سعی و کوشش خود نمی‌توانند اثری از او بیابند.<sup>۱</sup>

۴. امام مهدی علیه السلام فرمود:

به راستی که ما مراقبت و نظارت بر حال شما [شیعیان] را رها نکرده‌ایم و هرگز شما را از یاد نبرده‌ایم و اگر چنین نبود هر آینه بلاهای سخت بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را نابود می‌کردند.<sup>۲</sup>

۵. امام مهدی علیه السلام فرمود:

ف، ۲، ص ۳۶۳)

۱. عن علی علیه السلام: «... وَإِنَّ مِنْ أَدْرَكِهَا مَنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَيَحْدُو فِيهَا عَلِيٌّ مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رَيْثًا وَتَعْتَقَ [تُعْتَقَ] رِقًا وَيُضَدِّعَ شُعْبًا وَيَشَعِّبَ صَدْعًا فِي سُثْرَةِ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ». (ينابيع المودة، ص ۴۳۷، نهج البلاغه، صبحی صالح، خ، ۱۵۰، ص ۲۰۸)

۲. فی توفیع للامام المهدی علیه السلام: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ السَّالُوءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ». (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۷۳؛

بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴، ح ۷)

و اما چگونگی بهره‌مندی از من در دوران غیبتم بسان بهره‌گیری از خورشید است آن‌گاه که ابرها آن را از چشمان پوشانده باشد و همانا من موجب امنیت برای اهل زمینم همان‌طور که ستارگان سبب امنیت اهل آسمانند.<sup>۱</sup>

## نکته‌هایی از روایات

### ضرورت حجّت، ظاهر یا غائب

۱. از روایات استفاده می‌شود که وجود حجّت الهی بر زمین ضرورت دارد<sup>۲</sup> ولی لازم نیست حتماً ظاهر و آشکار باشد بلکه ممکن است به دلایلی غائب و پنهان باشد؛ معلوم می‌شود که صرف وجود او آثار فراوانی دارد و غیبت او سبب از بین رفتن همه آثار او نیست. (حدیث ۱ و ۲)

۲. از مهم‌ترین آثار وجود حجّت الهی بر زمین آن است که واسطه فیض خداست یعنی خداوند اراده کرده است که نظام عالم را به سبب وجود حجّت‌هایش، حفظ کرده و تداوم بخشد؛ بنابراین اگر زمانی، حجّت الهی بر زمین وجود نداشته باشد، هستی فرو می‌ریزد! (حدیث ۱)

۳. این‌که همه خیرات و برکات و بقاء آسمان و زمین و اهل آنها به

---

۱. فی توفیق للامام المهدي ﷺ: «أَمَّا وَحْدَهُ الْإِنْتِفَاعُ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالسَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَإِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النَّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ». (كمال‌الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹)

۲. در بخش «ضرورت وجود امام» روایات آن بیان گردید و توضیح داده شد.

واسطه حجّت‌های الهی است با توحید هیچ منافاتی ندارد. در نظام فکری شیعه همه امور عالم به اراده مطلق پروردگار عالم است ولی او خود اراده کرده است که در ایجاد و حفظ هستی، واسطه‌هایی قرار دهد همان‌گونه که به تصریح قرآن، فرشتگان الهی در تدبیر عالم نقش دارند و هرکدام وسیله انجام امری از اوامر خداوند هستند.<sup>۱</sup>

۴. برترین مصداق حجّت‌های الهی، امامان معصومند که مطابق روایات فراوان وجود هر یک از آنها در هر زمان مایه ثبات زمین و زمان است و امروز وجود و تداوم هستی به وجود پربرکت آخرین ایشان یعنی بقیّه الله الاعظم امام زمان علیه السلام وابسته است، چنان‌که در دعای عدیله آمده است: *و بیئنه زرزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء*.<sup>۲</sup>

### خورشید پشت ابر

۵. خورشید فوائد و آثار فراوان دارد که بعضی از آنها وابسته به تابش مستقیم آن است و برخی از آنها حتی در صورت پوشیده شدن در پشت ابرهاست و امام غائب به خورشید پشت ابر تشبیه شده یعنی برکات امام نیز دو دسته است برخی مربوط به زمان ظهور و آشکاری اوست و برخی دیگر حتی در زمان غیبت او وجود دارد.

۶. خورشید مرکز منظومه شمسی است و جاذبه آن نگه‌دارنده زمین و سایر کرات منظومه از سقوط است و حرارت و نور آن سبب حیات

۱. رک: به تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۷۳-۷۹، تفسیر سورة نازعات، آیات ۱ تا ۵.

۲. یعنی به برکت او خلق روزی داده می‌شوند و به واسطه وجودش زمین و آسمان برپاست. (*مفاتیح الجنان*، باب اول، فصل ششم)

انسان و حیوان و گیاه است زیرا رشد و نمو موجودات زنده و تولید و تغذیه و حرکت آنها و نیز غزش امواج دریا و خروش بادهای و ریزش بارانها و سیرابی زمینهای مرده و هزاران فعل و انفعالات در جهان طبیعت وابسته به خورشید و شعاع آن است، خواه ظاهر باشد و یا در پشت ابرها پنهان و پوشیده باشد. امام نیز وجودش - حتی در پس پرده غیبت - ضامن بقا عالم است و نور هدایتش به اهل عالم می رسد.

### امام غائب و هدایت باطنی

۷. همان گونه که خورشید علاوه بر یک سلسله اشعه مرئی که از ترکیب آنها با هم، هفت رنگ معروف پیدا می شود، یک سلسله اشعه نامرئی به نام اشعه فوق بنفش و اشعه مادون قرمز دارد، حجت الهی نیز علاوه بر رهبری و هدایت ظاهری یک سلسله تربیت روحانی و معنوی نیز دارد که از راه نفوذ معنوی در دلها و افکار انجام می دهد؛ بنابراین حتی در غیبت او می توان از جذبه های معنوی او بهره گرفت. (حدیث ۲)

۸. مطابق سخن امام علی علیه السلام، وجود حجت الهی گنجینه علم و هدایت الهی است و اگر نباشد آن علم و هدایت نابود می گردد. حال اگر به دلیلی در غیبت بسر برد ولی غیبت او مانع از تابش انوار هدایت او بر دل های مؤمنان نخواهد بود. بلکه مؤمنان پیوسته بر اساس هدایت های حجت الهی عمل می کنند به همین دلیل وجود حجت الهی سبب مصونیت اولیا خدا از گمراهی است. (حدیث ۲)

### امام غائب و لطف و هدایت آشکار

۹. آن چه به عنوان هدایت باطنی مطرح شد بنابر اعتقاد ما شیعیان است اما نکته مهم دیگری باقی مانده است و آن این که غیبت امام به معنی نهان زیستی او از نظر شخصیت و منصب امامت اوست یعنی مردم او را به عنوان امام و حجت خدا نمی شناسند<sup>۱</sup> ولی او در جامعه بشری و در میان مردم حضوری پیوسته و مداوم دارد بنابراین غیبت او منافاتی با ارتباط افرادی از مردم با او ندارد و چه بسیار اتفاق افتاده که انسان هایی با او ملاقات کرده و از او راهنمایی گرفته اند و چه بسیار نیازمندانی که از ناحیه او مدد شده اند. بنابراین غیبت او حتی با هدایت آشکار از جانب او سازگار است.

۱۰. مطابق نقل های فراوان از علما و بزرگان شیعه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در طول دوره غیبت به سؤال برخی از عالمان پاسخ گفته اند<sup>۲</sup> و افراد زیادی را در امور زندگیشان راهنمایی کرده اند و حتی در سیاست های کلان جامعه اسلامی دخالت کرده اند و البته در بسیاری از موارد ناشناخته بوده است. قرآن کریم در سوره کهف جریان همراهی موسی ع با خضر ع را بیان کرده که خضر ع به عنوان ولی غائب، کارهایی را به مصلحت افرادی از جامعه انجام می دهد و در جریان این

۱. در بحث غیبت گذشت که یک مفهوم غیبت، ناشناخته بودن امام است و این نظر در میان عالمان طرف دارانی دارد مانند مرحوم سید صدرالدین صدر، در کتاب *المهدی*، ص ۱۸۴.

۲. مانند جریان تشرف مقدس اردبیلی ع - از علمای بزرگ شیعه - به محضر امام عصر ع (رک: *امام مهدی از ولادت تا ظهور*، ص ۴۱۹)



کارها، هم خود خضر علیه السلام از دیدگان مردم - غیر از موسی علیه السلام - پنهان است و هم کارهای او. بنابراین غیبت حجّت الهی با فعالیت او در جامعه هیچ منافاتی ندارد!

۱۱. عنایت و لطف مداوم امام زمان علیه السلام در طول دوره غیبت از کلمات و سخنان خود آن حضرت نیز آشکار است که دلیل بر نظارت و مراقبت دائمی آن حضرت نسبت به شیعیان است و معلوم است که بهره‌گیری از آن حضرت وابسته به علم و آگاهی ما نیست و چه بسیار حقایقی است که ما از آن بی‌خبریم! (حدیث ۴)

#### امام غائب و هدایت با واسطه

۱۲. این راهم اضافه کنیم که لازم نیست در هر هدایتی، امام علیه السلام، مستقیم و بی‌واسطه عمل کند بلکه ممکن است فرد یا افرادی را بین خود و امت قرار دهد مانند نایبان خاص آن حضرت در دوره غیبت صغری و نایبان عام او که علما و مراجع تقلید هستند در غیبت کبری. بنابراین، اینها نیز شعاع‌هایی از توجهات و عنایات امام غائب است که امت اسلامی در دوره غیبت از آن بهره می‌برند.



## فصل پنجم:

### طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

یکی از ویژگی‌های زندگی امام دوازدهم، طول عمر آن حضرت است. ایشان در سال ۲۵۵ هجری قمری متولد شده است و تا الآن که در سال ۱۴۳۵ هستیم، ۱۱۸۰ سال از حیات پربرکتش می‌گذرد. این عمر طولانی برای بعضی ایجاد شبهه کرده است در حالی که عمر طولانی نه از نظر عقل امر محالی است و نه علوم تجربی و پزشکی آن را انکار می‌کند و در تاریخ بشریت نیز دارای سابقه‌ای روشن است. نهایت این که چنین عمری، امری خارق العاده است اما از قدرت الهی بیرون نیست و خداوند در قرآن کریم به اموری چون «تولد عیسی علیه السلام بدون داشتن پدر» و «سرد شدن آتش بر ابراهیم علیه السلام» و «نگه داشتن یونس علیه السلام در شکم ماهی دریا» و «بیرون آوردن ناقه صالح از کوه» تصریح فرموده است که اینها همه از مظاهر قدرت بی‌انتهای خداوند است آیا پس از این آیات بیّنات، عمر طولانی

برای امام زمان که آخرین ذخیره حجت های الهی است امری غیر قابل باور خواهد بود؟!

انصاف این است که اگر کسی با دلیل قطعی به وجود امام زمان معتقد باشد و حضور او را در عالم ضروری بداند به واسطه این گونه امور به تردید نمی افتد به ویژه این که امامان معصوم علیهم السلام نیز از غیبت طولانی و نیز عمر طولانی آن حضرت، خبر داده اند و پیشاپیش به این سؤال، پاسخ فرموده اند:

۱. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

به راستی که پسر من همان قائم پس از من است و او همان کسی است که سنت های پیامبران علیهم السلام در او جاری خواهد شد به عمر طولانی و غیبت؛ تا آن گاه که به خاطر درازی مدت [غیبت] دل ها سخت گردد! پس بر اعتقاد به او ثابت نمی ماند مگر آن کس که خداوند در دل او ایمان را نوشته باشد و با رحمتی از سوی خود تأییدش کرده باشد.<sup>۱</sup>

۲. امام سجّاد علیه السلام فرمود:

در قائم علیه السلام سنت هایی از سنن پیامبران وجود دارد: سنتی از پدر ما آدم علیه السلام و سنتی از نوح علیه السلام و سنتی از ابراهیم علیه السلام و سنتی از موسی علیه السلام و سنتی از عیسی علیه السلام و سنتی از ایوب علیه السلام و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله. اما سنتی که از آدم و نوح علیهم السلام دارد عبارتست از

---

۱. عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام قَالَ: «إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام بِالْتَّعْمِيرِ وَالْغَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو قُلُوبَ لَطُولِ الْأَمَدِ وَلَا يَنْبُتَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ». (بحارالانوار

طول عمر...<sup>۱</sup>

۳. امام صادق علیه السلام - در ضمن حدیثی که شباهت های امام

مهدی علیه السلام با پیامبران را بیان می کردند - فرمود:

و اما بنده صالح، خضر علیه السلام پس خداوند تبارک و تعالی عمر او را طولانی نکرد به جهت پیامبری که برای او در نظر گرفته باشد و نه برای این که کتابی بر او نازل کند... و نه برای این که او را امام قرار دهد تا بندگانش به او اقتداء کنند... آری چون در علم الهی مقرر شده بود که عمر قائم علیه السلام را در زمان غیبتش به آن مقدار [طولانی] قرار دهد و می دانست بندگانش نسبت به آن مقدار طول عمر راه انکار خواهند پیمود، عمر بنده صالح، خضر علیه السلام را فقط به همین دلیل طولانی کرد تا آن که شاهدی بر عمر طولانی قائم علیه السلام باشد و از این رهگذر بهانه دشمنان را خنثی و حجت ایشان را قطع کند.<sup>۲</sup>

---

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: «فِي الْقَائِمِ مِمَّا سَنَّ مِنْ سُنَنِ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام سُنَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَ سُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ عِيسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ أَيُّوبَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَ مِنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمْرِ...» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴، ب ۱۳، ح ۱۱) «تمام روایت همراه با شرح آن در بخش خصائص حضرت آمده است.»

۲. عن الامام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام: «... وَأَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَضِرُ علیه السلام فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِنُبُوَّةٍ قَدَّرَهَا لَهُ وَ لَا لِكِتَابٍ يُنَزَّلُ عَلَيْهِ وَ لَا لِشَرِيعَةٍ يُنْسَخُ بِهَا شَرِيعَةٌ مَنْ كَانَ قَبْلَهَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَا لِإِمَامَةٍ يُلْزَمُ عِبَادَةَ الْإِقْتِدَاءِ بِهَا وَ لَا لِطَاعَةٍ يَفْرَضُهَا لَهُ بَلَى إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا كَانَ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ أَنْ يَقْدَرَ مِنْ عُمُرِ الْقَائِمِ علیه السلام فِي أَيَّامِ غَيْبَتِهِ مَا يَقْدَرُ وَ عَلِمَ مَا يَكُونُ مِنْ إِنْكَارِ عِبَادِهِ بِمَقْدَارِ ذَلِكَ الْعُمُرِ فِي الطُّوْلِ طَوَّلَ عُمُرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ أَوْجَبَ ذَلِكَ إِلَّا لِعِلَّةِ الْإِسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَى عُمُرِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ لِيَقْطَعَ بِذَلِكَ حُجَّةَ الْمُعَانِدِينَ لِنَلَا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ.»

## نکته‌هایی از روایات

### طول عمر مهدی علیه السلام سنتی الهی

۱. خداوند اراده کرده است که امام مهدی علیه السلام که آخرین حجت اوست؛ نشانه‌هایی از پیامبران بزرگ داشته باشد و یکی از آن نشانه‌ها و سنت‌ها، طول عمر است که به ویژه در حضرت آدم علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام رخ داده است. مطابق روایات، حضرت آدم علیه السلام ۹۳۰ سال و حضرت نوح علیه السلام ۲۵۰۰ سال عمر کردند.<sup>۱</sup> (حدیث ۱ و ۲)

### طول عمر در امت‌های پیشین

۲. مسئله طول عمر، امر تازه‌ای نیست بلکه در پیامبران و امت‌های گذشته فراوان رخ داده است و حتی بعضی از افراد با عمر طولانی در زمان ما زندگی می‌کنند که گواهی محکم بر عمر طولانی مهدی علیه السلام است؛ مانند جناب خضر علیه السلام که در پیامبر بودنش اختلاف است ولی در این‌که زنده است بحثی نیست و به اعتقاد مسلمین او زنده است و طبق برخی از روایات، رفیق و یار دوره غیبت امام مهدی علیه السلام است. (حدیث ۳)

### پیش‌بینی طول عمر امام مهدی علیه السلام

۳. امامان معصوم علیهم السلام سال‌ها پیش از تولد امام مهدی علیه السلام از ویژگی‌های آن حضرت یاد کرده‌اند و از جمله ویژگی‌های او، طول عمر

(بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲ به نقل از کمال‌الدین)

۱. رک: بخش «خصائص امام مهدی علیه السلام» از همین کتاب.

آن حضرت را بیان کرده‌اند. (همه احادیث)

۴. به جز روایات طول عمر، روایاتی که از غیبت امام مهدی علیه السلام و طولانی شدن آن خبر داده نیز دلیل بر عمر طولانی امام زمان علیه السلام است.<sup>۱</sup>  
(حدیث ۱)

۵. در روایات فراوان آمده است که امامان شیعه، دوازده نفرند؛ با توجه به این که، مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است و آن حضرت در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسیده است پس این دسته روایات نیز دلیل بر عمر طولانی امام عصر علیه السلام است.<sup>۲</sup> (حدیث ۱)

۶. در برخی از روایات، ضمن پیش بینی طول عمر امام مهدی علیه السلام پیامدهای آن همچون بی اعتقادی گروهی از مردم به امام زمان علیه السلام نیز بیان گردیده است. (حدیث ۱)

---

۱. رک: بخش «غیبت امام مهدی علیه السلام» و بخش «علت غیبت» و بخش «فوائد امام غایب» در همین کتاب.

۲. رک: بخش «روایات اثنی عشر خلیفه» در همین کتاب.





## فصل ششم:

### اهمیت انتظار فرج و جایگاه منتظران

از موضوعات مهم در رابطه با امام غائب علیه السلام، «مسئله انتظار» است. انتظار ظهور آن حضرت، حقیقتی است که ریشه در اصل دین و عقیده دینی دارد چون منشأ آن، اندیشه و تفکری است که در همه ادیان الهی وجود داشته و دارد و آن عبارتست از اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و عدالت بر نیروی باطل و ظلم و امید و آرزوی تحقق این اندیشه همان «انتظار فرج» است که نقطه مقابل یأس و ناامیدی است. اینکه در چشم انداز آینده جهان، امید به حاکمیت جهانی دین و ارزش‌های دینی وجود دارد، سبب استواری و پای بندی هر چه بیشتر مؤمنان می‌گردد و تحمل و طاقت آنها را با وجود همه سختی‌ها افزایش می‌دهد. هم‌چنین «انتظار»، مهم‌ترین حلقه اتصال بین امام غائب و امت منتظر است و به همین دلیل، انتظار در شیعه بسیار عمیق‌تر و واقعی‌تر جلوه می‌کند و فرد فرد منتظران را در خدمت امام و اهداف

امام قرار داده و عالی‌ترین نمادهای آمادگی روحی و عملی را در آنها ایجاد می‌کند.

روایات فراوان در فضیلت انتظار و جایگاه رفیع و بلند منتظر و وظائف سنگین او بیان شده است که چند نمونه آن را می‌آوریم:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

ای شما را خبر ندهم به اموری که خدای بلند مرتبه، هیچ عملی را جز به سبب آنها نمی‌پذیرد؟ (ابوبصیر گوید عرض کردم: بفرمایید! فرمود:) گواهی بر این که معبودی جز «الله» نیست و «محمد صلی الله علیه و آله» بنده و پیامبر اوست و اقرار به آن چه خدا به آن فرمان داده است و دوستی نسبت به ما و بیزاری از دشمنان ما (امامان) و تسلیم بودن در برابر ایشان و پرهیزکاری و تلاش و [حفظ] آرامش و انتظار قائم صلی الله علیه و آله سپس فرمود:

همانا برای ما [اهل بیت علیهم السلام] دولتی است که هرگاه خداوند اراده فرماید خواهد آورد. سپس فرمود:

هرکه خشنود می‌شود به این که از یاران قائم صلی الله علیه و آله باشد پس منتظر باشد و براساس پرهیزکاری و اخلاق نیکو عمل کند در حالی که اهل انتظار است. پس اگر [در چنین حال] بمیرد و قائم صلی الله علیه و آله پس از او قیام کند پاداش کسی را دارد که قائم صلی الله علیه و آله را درک کرده باشد! پس تلاش کنید و منتظر باشید! گوارا باد بر شما ای گروه مورد رحمت [الهی].<sup>۱</sup>

۱. عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «أَنَّه قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةُ لَنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي الْأَيْمَةَ خَاصَّةً وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ وَالْوَرَعَ وَالْاجْتِهَادَ وَالظَّمَانِيَّةَ وَالْإِنْتِظَارَ لِلْقَائِمِ عليه السلام ثُمَّ قَالَ إِنَّ لَنَا دَوْلَةً

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

[از پدران گرامیش روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:] ای علی! بدان، برترین مردم از جهت یقین، گروهی از ایشانند که در آخر الزمان خواهند بود! آنها به پیامبر صلی الله علیه و آله نرسیدند [و او را ندیدند] و حجت [الهی نیز] از ایشان غائب خواهد بود [اما] براساس سیاهی بر سفیدی [= آثار و کتب] ایمان خواهند آورد!<sup>۱</sup>

۳. امام سجّاد علیه السلام فرمود:

هرکس در دوره غیبت قائم، بر ولایت ما [اهل بیت علیهم السلام] ثابت قدم بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید مانند شهدای بدرو احد عطا فرماید.<sup>۲</sup>

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

برترین کارهای امت من، انتظار فرج از سوی خدای بلندمرتبه است.<sup>۳</sup>

---

يَجِيءُ اللهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجْرٍ مَنْ أَدْرَكَهُ فَحَدِّثُوا وَانْتَظِرُوا هَنِينًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ. (الغيبة، نعمانی، باب ۱۱، ج ۱۶، ص ۲۰۷)

۱. عن الصادق علیه السلام عن ابائه علیهم السلام قال: قال النبي صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام: «يَا عَلِيُّ وَعَلِمَ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحَجَبَتْهُمْ الْحُجْبَةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ عَلَيَّ بِيَاضٍ.» (كمال الدين وتمام النعمة، صدوق، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۶، ح ۸)

۲. قال سيد العابدین علیه السلام: «مَنْ تَبَتَّ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ.» (همان، ص ۳۲۳، باب ۳۱، ح ۷)

۳. عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (كمال الدين

۵. امام صادق علیه السلام [از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت] فرمود:

خوشا به حال آن که قیام کننده خاندان مراد درک کند در حالتی که پیش از قیام آن حضرت به او اقتدا کرده باشد؛ دوستان او را دوست داشته و از دشمنانش بیزاری جوید و امامان هدایت گر پیش از قائم علیه السلام را به امامت و ولایت پذیرفته باشد. آنان رفیقان من و صاحبان دوستی و محبت من خواهند بود و نیز گرمی ترین امت در نزد من.<sup>۱</sup>

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه بمیرد در حالی که در انتظار این امر [= ظهور مهدی علیه السلام] به سر برده، مانند کسی است که در خیمه قائم و همراه او بوده است بلکه مانند کسی است که پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر جنگیده است.<sup>۲</sup>

۷. امام باقر علیه السلام فرمود:

هرکس بمیرد در حالی که امام خویش را شناخته است، پیش افتادن یا تاخیر این امر [= ظهور مهدی علیه السلام] به او ضرری نخواهد رساند و هرکه بمیرد در حالی که امام خود را شناخته است مانند کسی است که در خیمه قائم با او همراه بوده است.<sup>۳</sup>

وتمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۴، باب ۵۵، ح ۳)

۱. عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «طوبی لمن أدرك قائم أهل بیته و هو مؤتد به قبل قیامه یتولی ولیه و یتبرأ من عدوه و یتولی الأئمة الهادیة من قبله أولئك رفقای و ذوؤدی و مؤدتی و أکرزم أمتی علی.» (الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۵۶، ح ۴۶۶)

۲. عن المفضل بن عمر عن الصادق علیه السلام: «من مات مُنتظراً لهذا الأمرِ كان كمن كان مع القائم في فسطاطه لا بل كان كالضارب بين يدي رسول الله صلی الله علیه و آله بالسيف.» (كمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۸، باب ۳۳، ح ۱۱)

۳. عن أبی جعفر علیه السلام قال: «من مات و هو عارف لإمامه لم یضره تقدّم هذا الأمر أو تأخر و

۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا برای صاحب این امر [مهدی علیه السلام] غیبتی خواهد بود پس [مؤمن به آن حضرت] باید در غیبت او پروای الهی پیشه کند و بر دین خود چنگ زند [و آن را حفظ کند].<sup>۱</sup>

## نکته‌هایی از روایات

### جایگاه انتظار

۱. انتظار ظهور قائم آل محمد علیهم السلام چنان اهمیتی دارد که در کنار اصول دین چون توحید و نبوت و مطالب اساسی مکتب مانند تولی و تبری مطرح گردیده است. (حدیث ۱)

۲. انتظار مهدی علیه السلام هم برترین اعمال است و هم شرط قبولی سایر اعمال! انتظار مهدی، انتظار حاکمیت اسلام در جهان است و به همین دلیل با اصول دین پیوندی عمیق دارد یعنی از توحید و نبوت و امامت سرچشمه می‌گیرد و نیز ایمان به این اصول در شکل‌گیری «انتظار صحیح» مؤثر است یعنی «اصول دین» و «انتظار» تأثیر متقابل دارند. (حدیث ۱)

۳. گرچه انتظاریک حالت روحی و روانی است ولی جریانی است که در تمامی زوایای زندگی فردی و اجتماعی شیعیان، جاری است و

---

مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. «(الغیبة، نعمانی، ص ۳۳۰، باب ۲۵، ح ۵)  
۱. قال ابو عبد الله علیه السلام: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ.»  
(الغیبة، نعمانی، ص ۱۶۹، باب ۱۰، ح ۱۱)

خط فکری و عملی آنها را ترسیم می کند. این حقیقتی است که از جایگاه مهم انتظار و فضیلت های بلند منتظران دریافت می شود.

### جایگاه منتظر

۴. ارزش و اعتبار انسان های آخرالزمان و دوره غیبت، به «یقین» و ایمانی است که به غیب و حجت غائب دارند چنان که قرآن در وصف متقین، ابتدا به همین وصف، آنها را توصیف فرموده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»<sup>۱</sup> (حدیث ۲)

۵. مهم ترین عامل پیوند میان غیبت و ظهور، انتظار پیوسته و عملی است و به همین دلیل، «منتظر» حتی در دوره غیبت امام نیز جزء نیروهای مؤثر و کارآمد جبهه امام زمان علیه السلام است و تلاش او در دوره غیبت همانند پیکار مجاهد دوره ظهور است و اگر در مسیر این مجاهدت ها بمیرد مثل مجاهد جبهه ظهور، شهید خواهد بود. (احادیث ۱، ۳، ۶ و ۷)

۳. از این که «منتظر امام» به جهادگر دوران ظهور تشبیه شده، معلوم می شود که منتظر، فردی فعال و تلاشگر است و در مسیر فعالیت برای خدا و دین خدا و حمایت از امام خود هر سختی و زحمتی را به جان خریدار است چنان که رزمنده در جبهه نیز بیشترین فعالیت را دارد و زخم ها و دردها او را از تلاش باز نمی دارد. این برداشت از انتظار، تعهد آفرین و نشاط آور است و به شیعه پویائی و

۱. سوره بقره، آیه ۳.

زندگی می‌بخشد و در مقابل آن، «انتظار منفی» و ویرانگر است که همه کارها را به عهده امام می‌گذارد و هرگونه مسئولیتی را از آدمی سلب می‌کند. (حدیث ۳ و ۶)

۷. ارزش انتظارِ هر امری وابسته به آن امر مورد انتظار است؛ بنابراین آنچه از فضائل برای انتظار مهدی و منتظر امر ظهورش بیان گردیده، نشان‌دهنده عظمت و بلندی مقام امام منتظر،<sup>۱</sup> مهدی موعود علیه السلام است و نیز بیان گر شکوه و بزرگی رویداد ظهور و انقلاب جهانی اوست و نتیجه می‌دهد که تنها راه سعادت انسان مؤمن آن است که در تمامی حالات و با تمامی امکانات مادی و معنوی در خدمت امام عصر علیه السلام و اهداف او باشد.

### وظایف منتظران

بزرگی منزلت و مقام منتظران قائم علیه السلام می‌تواند نشان‌دهنده مسئولیت بزرگ آنها، در دوره غیبت و سختی‌ها و مشکلات این آزمون بزرگ الهی باشد؛ به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به امور زیر به شیعیان دوران غیبت توجه کرده‌اند:

الف) معرفت عمیق نسبت به امام زمان علیه السلام و ویژگی‌های او که به دنبال آن دلدادگی و محبت و سپس اطاعت و تسلیم در برابر خواست امام خواهد بود و انسان را از افتادن به دام رهبران زر و زور نگه خواهد

---

۱. «منتظر»، اسم مفعول است به معنی شخص یا امر مورد انتظار و این یکی از القاب مبارک حضرت مهدی علیه السلام است همان‌گونه که «منتظر» اسم فاعل است و به معنی کسی که انتظار کسی یا چیزی را دارد.

داشت. (حدیث ۷)

هرکه شناسد امام خویش را برکه بسپارد زمام خویش را<sup>۱</sup>  
(ب) اقتداء به امام و پیروی عملی از آن حضرت.

انسان به هر حال از دیگران الگومی گیرد و اگر از انسان کامل و امام بر حق، الگو و مدل زندگی را فرانهگیرد به دام الگوهای ناقص افتاده و به انحراف کشیده خواهد شد. در مسیر زندگی، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بهترین الگویی است که قرآن معرفی کرده است: «لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة...»<sup>۲</sup> یعنی حتماً چنین است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای شما مؤمنان الگوی نیکویی است و امام که جانشین رسول خداست نیز همان ویژگی را داراست چنان که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود. (حدیث ۵)

(ج) ثابت قدم ماندن بر امر ولایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و عدم انحراف از مسیر الهی آنها در همه ابعاد زندگی. (حدیث ۳)

(د) پیوسته روح تولی و دوستی نسبت به اولیاء الهی و تبری و بیزارى نسبت به دشمنان امام را در خود زنده نگه دارد. چنان که در «زیارت عاشورا» از پس قرن‌ها و اعصار می‌گوییم: «أنتی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیامة؛ یعنی (یا حسین) من تا قیامت با آنها که با شما می‌باشند بود و با آنها که با شما سر جنگ دارند در ستیز بسرخواهم برد.» (حدیث ۱)

۱. مثنوی بلند مرحوم «آغاسی».

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱.



ه) مراقبت پیوسته نسبت به اصول اعتقادی (دین) و حفظ اصل تقوا و پرهیزکاری در عمل و آراستگی به فضائل اخلاقی در همه حال.  
(حدیث ۱)

و) زنده نگه داشتن روح انتظار و بی‌قراری نسبت به ظهور امام خوبان و دولت خوبی‌ها! (حدیث ۱)



بخش چهارم:

نظور



## فصل اوّل: جهان پیش از ظهور

در روایات زیادی از شیعه و اهل سنت حوادث آخرالزمان و پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام بیان گردیده است. و این اخبار حکایت از آن دارد که پیش از ظهور مهدی علیه السلام فتنه‌های زیادی رخ می‌دهد و بلاهای گوناگونی جامعه بشری را فرا می‌گیرد و ظلم و ستم و زشتی به انواع و اقسامش دنیا را پر می‌کند و پس از آن مهدی علیه السلام با انقلاب الهی خود بساط هرچه بدی و زشتی و بی‌دینی است برمی‌چیند و به جای آن عدالت و زیبایی را در تمام عالم می‌گستراند. در این بخش چند روایت می‌آوریم تا سیمایی کلی از جهان پیش از ظهور را نشان بدهیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

در آخرالزمان بلایی شدید از جانب سلطان بر امت من فرود خواهد آمد که بلایی از آن شدیدتر شنیده نشده است به گونه‌ای که زمین با وسعتی که دارد بر آنها تنگ می‌گردد تا

بدان جا که زمین از جور و ستم پیر می گردد و مؤمن برای خود پناه گاهی از ظلم نمی یابد پس خداوند مردی از خاندان من برمی انگیزد، و او زمین را از قسط و عدل پیر می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد....<sup>۱</sup>

۲. امام باقر علیه السلام فرمود:

مهدی علیه السلام ظاهر نمی شود مگر در دورانی که ترس شدید و مصیبت ها و فتنه ها (بر جامعه) حاکم باشد و گرفتاری و بلا دامن گیر مردم شود و پیش از آن بیماری طاعون شیوع یابد و در میان عرب درگیری شدید و مهلکی اتفاق افتد و اختلاف شدید در میان مردم حاکم شود و پراکندگی در دین آنها پدید آید و وضعیت مردم تغییر کند تا جایی که، هر آرزومندی هر صبح و شام - از آن چه که از درنده خوئی مردم و تجاوز آنان به حقوق یک دیگر می بیند - آرزوی مرگ می کند. بنابراین قیام آن حضرت در زمانی است که مردم از مشاهده فرج و گشایش ناامید شده باشند. پس خوشحال آن که او را درک کند و از یاورانش باشد و بدبخت و بیچاره آن که با او و اوامرش مخالفت کند.<sup>۲</sup>

۱. عن ابی سعید الخدری قال: «قال نبی الله صلی الله علیه و آله: ینزل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشد منه حتی تضیق عنهم الارض الرُحْبَه و حتی یملا الارض جوراً و ظلماً لایجد المؤمن ملجأ یتجئ الیه من الظلم فیبعث الله عزوجل رجلاً من عترتی فیملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً...» (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵؛ عقد الدرر، ب ۴، ف ۱، ص ۴۳ و ب ۷، ص ۱۴۱)

۲. عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام قال: «لَا یَقُومُ الْقَائِمُ صلی الله علیه و آله إِلَّا عَلَی خَوْفٍ شَدِیدٍ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ یُصِیبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَیْفٍ قَاطِعٍ بَیْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِیدٍ بَیْنَ النَّاسِ وَ تَشَّتْ فِی دِینِهِمْ وَ تَغَیَّرَ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى یَتَمَنَّى الْمُتَمَنِّی الْمَوْتَ

۳. امام باقر علیه السلام فرمود:

قیام‌کننده از ما [اهل بیت علیهم السلام] به وسیله رعب [و وحشتی که در دل دشمنان می‌افتد] یاری می‌شود و با نصرت [الهی] تأیید می‌گردد... راوی گوید: گفتیم: ای فرزند رسول خدا چه موقع قائم شما قیام خواهد کرد؟ فرمود: وقتی مردان به زنان و زنان به مردان شباهت پیدا کنند و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده کننده و زنان برزین‌ها سوار گردند و گواهی ناحق پذیرفته شود و گواهی شاهدان عادل مردود شود و مردم نسبت به مسئله جان دیگران، سبک بگیرند و انجام زنا و رباخواری را آسان شمارند و بدان از ترس [نیش] زبان‌هایشان مورد احترام باشند...!

### نکته‌هایی از روایات

اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور و فتنه‌های بزرگ و کوچک

صَبَاحًا وَ مَسَاءً مِنْ عَظَمٍ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكَلِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا وَ خُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْإِيَّاسِ وَ الْفُنُوطِ فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ». (همان، ب ۴، ص ۶۴؛ بشارة الاسلام، ب ۶، ص ۱۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ۲۷، ح ۹۹، ص ۳۴۸)

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ التَّفَفِي قَالَ: «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ: الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالتَّضَرُّ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَطْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يُبْلَغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُطْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَفْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عليه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ إِذَا تَشَبَهَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحَ وَ قَبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ رَدَّتْ شَهَادَاتُ الْعُدُولِ وَ اسْتَحْخَفَ النَّاسُ بِاللِّدْمَاءِ وَ الزَّيْنَابِ الزِّنَاءِ وَ أَكَلِ الرِّبَا وَ اتَّقَى الْأَشْرَارَ مَخَافَةَ أَلَيْسَتِهِمْ وَ...». (كمال‌الدین، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۵، ح ۲۴، ص ۱۹۱-۱۹۲)

آن زمان ضرورت‌ها و وظایفی را ایجاد می‌کند که بجاست آنها را بررسی کنیم.

### ضرورت حجت الهی برای ساماندهی امور

۱. وضعیت نابسامان عالم در آخرالزمان و فتنه و فسادى که همه زندگى بشر را در خود فروبرده است و در عمل، بشر و نهادهای تصمیم‌گیر آن را برای چاره‌جویی ناتوان و ناکام کرده است، بیش از هر چیز ضرورت ظهور حجت الهی و منجی بشریت را اثبات می‌کند. در آن زمان، مردم هیچ فریادرسى را جز دست غیبی الهی کارساز نمى دانند!

۲. در روزگار فراگیری ظلم و فساد در جهان، آحاد بشر به ضرورت حاکمیت قوانین الهی و اجرایی شدن آن قوانین به وسیله حجت آسمانی، بیش از گذشته ایمان و اعتراف خواهند داشت و در این صورت جهان برای استقبال از حکومت صالحان و همراهی و همگانی با امام زمان علیه السلام آمادگی کامل خواهد داشت.

### مؤمنان و اوضاع جهان پیش از ظهور

۳. گرچه ظلم و ستم فراگیر خواهد شد و همه مردم از هر ملت و آئینی را دربر خواهد گرفت ولی مؤمنان در آن زمان در فشار و سختی و رنج بیشتری خواهند بود به گونه‌ای که هیچ پناه‌گاهی برای خود نمى یابند و زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ خواهد شد. (حدیث ۱)



۴. در جهان ظلم و ستم، مؤمنان با همه امید و آرزو در انتظار ظهور عدالت موعود هستند و به همین جهت به ظلم و فساد آخرالزمان آلوده نگردیده و با تقوا و ایمان، خود را برای جبهه امام عصر<sup>علیه السلام</sup> آماده می‌کنند. (حدیث ۱)

#### ترسیم روایات از جهان پیش از ظهور

۵. در روایات فراوان از شیعه و اهل سنت به صراحت آمده است که جهان پیش از ظهور، جهان ظلم و فساد و ستم‌گری است و تمام زمین پر از ظلم و ستم خواهد شد و تعبیر «ظلم» هرگونه انحراف اعتقادی و رفتاری را شامل می‌شود و افزون بر اینها پیامدهای بد اعمال انسان نیز دامن‌گیر مردم خواهد شد. (حدیث ۱، ۲ و ۳)

۶. بعضی از روایات انواع فساد و ظلمی که در جهان رخ می‌دهد را بیان کرده است که فهرستی از آنها بدین شرح است:

الف) وقوع بلاهای طبیعی مثل زلزله و بیماری‌های سخت و غیرقابل علاج مثل طاعون و اختلاف و درگیری ملت‌ها و غلبه نگرانی و پریشانی بر آنها که همه اینها پیامد اعمال انسان‌هاست.

ب) روابط غلط و نامشروع اخلاقی که چهره زشتی از فساد جنسی و پیامدهای بسیار وخیم آن را به نمایش می‌گذارد.<sup>۱</sup>

---

۱. در جهان امروز شاهدیم که بشر متمدن و مدعی! بعضی از انواع فساد جنسی و فحشا را آشکارا تأیید و تصویب کرده و شکل قانونی به آن داده است و متأسفانه پیامدهای فجیع آن دامن‌گیر انسان‌ها شده است، هم نظام خانواده را تهدید کرده و هم عامل بروز بیماری‌های کشنده‌ای گردیده است.

ج) روابط غلط و نامشروع اقتصادی و شیوع رباخواری و رشوه خواری به گونه ای که درهم و دینار حلال کمتریافت می شود و این روند پیامدهای اخلاقی وحشتناکی داشته و دارد مانند بی اعتمادی افراد به یکدیگر و از بین رفتن حس غم خواری و نوع دوستی و سست شدن باورهای دینی و...

د) روابط غلط و غیرمعقول سیاسی و حاکم شدن افراد نالایق بر سرنوشت انسان ها.

ه) حق و اهل آن مظلوم خواهد بود به گونه ای که آشکارا گواهی باطل پذیرفته می شود و شهادت به حق و عدل ردّ می شود و تجاوز به حقوق دیگران حتّی در دادگاه ها که محل دادخواهی است رایج می گردد!

و) مال و حتّی جان انسان ها کمترین قیمتی نداشته و خون های زیادی به ناحق ریخته می شود و اشرار به خاطر ترس مردم از اذیت آنها، مورد احترام قرار می گیرند و در مقابل مؤمن و پرهیزکار مورد بی مهری و بی توجهی واقع می شود!

۷. روشن است که این همه ظلم و زشتی و تبهکاری معلول دوری جهان و اهل آن از تعالیم الهی و محروم بودن آنها از رهبری های حیات بخش حبّت الهی است به همین جهت در دوره ظهور که دوره حکومت ولیّ خدا و بقیّة الله بر زمین است همه گونه ظلم و بدی در همه سطوح برداشته می شود و به جای آن عدالت و حق در

همه بخش‌ها حاکم می‌گردند و این چشم‌انداز روشن برای جهان  
مایه امید مؤمنان و مستضعفان و حرکت آنها به سوی خیر و صلاح  
خواهد بود.



## فصل دوم: علائم ظهور

در مجموعه روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام نشانه‌های فراوانی از ظهور حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است که دانستن همه آنها ضرورتی ندارد و فهم معنی و مراد بسیاری از آنها مشکل است ولی دانستن بعضی از آنها خالی از فایده نیست به ویژه که بخشی از علامت‌ها به عنوان نشانه‌های حتمی و قطعی ظهور معرفی شده است و روایات فراوانی درباره آنها موجود است. در این بخش چند روایت را می‌آوریم و به اختصار درباره آنها نکاتی را بیان می‌کنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

چون در معراج مرا به نزد پروردگارم بردند... ناگاه منادی ندا داد که ای محمد سر بردار و در خواست کن از من تا به تو عطا کنم! گفتم: اتمم را پس از من بر ولایت علی ابن ابیطالب علیه السلام گرد آور تا همگی در قیامت بر من وارد شوند. خداوند به من وحی فرمود: من بیش از آن که بندگانم را خلق کنم در میان ایشان حکم

کرده ام و حکم من در آنها قطعی و حتمی است که هرکه را بخواهم به او هلاک کرده و هرکه را بخواهم به او هدایت کنم...<sup>۱</sup> و او را وزیر و جانشین پس از تو بر اهل تو و امتت قرار دادم... و برای او این فضیلت را قرار دادم و به تو نیز عطا کردم که از نسل او یازده مهدی بیاورم که همه آنها از ذریه تو و از فرزندان بکر بتول باشند و آخرین ایشان کسی است که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می خواند، زمین را از عدل پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد... گفتم: خدای من! آن در چه زمانی خواهد بود؟ خداوند وحی فرمود: آن گاه که علم برداشته شود و جهل و نادانی آشکار گردد و قاریان [قرآن] فراوان و عمل [به قرآن] کم شود و کشتار فراوان گردد و فقهای هدایت گر کم و فقهای گمراهی و خائنان و شعراء زیاد شوند و امتت تو قبرهایشان را مسجد کنند. قرآن ها و مساجد زیور شود و جور و فساد فراوان گردد و منکر آشکار شده و امتت به آن فرمان دهند و از معروف نهی کنند و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده کنند و امیران کافر شوند و دوستان آنها فاجر و بدکار و یارانشان ظالم و ستمگر و اندیش مندان آنها فاسق. در این هنگام سه خسوف واقع شود فرورفتگی در مشرق و فرورفتگی در مغرب و فرورفتگی در جزیره العرب؛ و بصره به دست یکی از ذریه تو ویران گردد و زنگیان از او پیروی کنند و یکی از فرزندان حسین بن علی علیه السلام قیام

---

۱. یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت او معیار هدایت و ضلالت است و هرکه آن را بپذیرد نجات یافته و هرکه نپذیرد هلاک شده است.

کند و دجال از مشرق و سیستان خروج کند و سفیانی  
ظاهر شود...<sup>۱</sup>

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

پنج علامت پیش از قیامت قائم علیه السلام خواهد بود: یمانی، و  
سفیانی و ندادهنده‌ای که از آسمان ندا می‌دهد و فرورفتگی در

---

۱. عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: «لَمَّا عَرَجَ بِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ... فَإِذَا مُنَادٍ يُنَادِي اذْفَعْ يَا مُحَمَّدُ رَأْسَكَ وَ سَلْنِي أُعْطِكَ فَقُلْتُ يَا إِلَهِي اجْمَعْ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلَى وَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام لِيَرُدُّوا عَلَيَّ جَمِيعاً حَوْضِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي قَدْ قَضَيْتُ فِي عِبَادِي قَبْلَ أَنْ أُخْلَقَهُمْ وَقَضَائِ مَاضٍ فِيهِمْ لِأَهْلِكَ بِهِ مِنْ أَشَاءٍ وَأَهْدِي بِهِ مِنْ أَشَاءٍ وَقَدْ آتَيْتُهُ عِلْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَجَعَلْتُهُ وَزِيرَكَ وَخَلِيفَتَكَ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى أَهْلِكَ وَأَمَّتِكَ عَزِيمَةً مِنِّي وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ عَادَاهُ وَأَبْغَضَهُ وَأَنْكَرَ وَلايَتَهُ بَعْدَكَ فَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَكَ وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ عَادَاهُ فَقَدْ عَادَاكَ وَمَنْ عَادَاكَ فَقَدْ عَادَانِي وَمَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنَا وَمَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّنَا مِنْ صُلْبِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلَّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبُكَرِ الْبَثُولِ وَأَخِيْرِ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْنَا ظُلْمًا وَجَوْرًا أَنْجِي بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ وَأَهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَأُبْرِئُ بِهِ الْأَعْمَى وَأَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ فَقُلْتُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رَفَعَ الْعِلْمَ وَظَهَرَ الْجَهْلُ وَكَثُرَ الْقِرَاءُ وَقَلَّ الْعَمَلُ وَكَثُرَ الْقَتْلُ وَقَلَّ الْفَقَهَاءُ الْهَادُونَ وَكَثُرَ فَقَهَاءُ الضَّلَالَةِ وَالْحَوْنَةَ وَكَثُرَ الشُّعْرَاءُ وَاتَّخَذَ أُمَّتُكَ قُبُورَهُمْ مَسَاجِدَ وَخَلِيَّتِ الْمَصَاحِفَ وَزُخْرِتِ الْمَسَاجِدُ وَكَثُرَ الْجَوْرُ وَالْفَسَادُ وَظَهَرَ الْمُتَنَكَّرُ وَأَمَرَ أُمَّتُكَ بِهِ وَنَهَى عَنِ الْمَعْرُوفِ وَاکْتَفَى الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَصَارَ الْأَمْرَاءُ كَفَرَةً وَأَوْلِيَاؤُهُمْ فَحَرَةً وَأَعْوَانُهُمْ ظَلَمَةً وَذُوو الرِّأْيِ مِنْهُمْ فَسَقَةٌ وَعِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةٌ خُسُوفٍ خَسَفَ بِالمَشْرِقِ وَخَسَفَ بِالمَغْرِبِ وَخَسَفَ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَخَرَابَ البَصْرَةَ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ يَتَّبَعُهُ الرُّنُوجُ وَخُرُوجِ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَظُهُورِ الدِّجَالِ يَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ مِنْ سِجِسْتَانَ وَظُهُورِ السُّفْيَانِيِّ...» (كمال الدين، ج ۱، ب ۲۳، ح ۱،

سرزمین بیدا و کشته شدن انسان بی گناه.<sup>۱</sup>

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

از امور حتمی که حتماً پیش از قیام قائم علیه السلام خواهد بود اینهاست: خروج سفیانی و فرورفتگی در بیدا و کشته شدن انسان پاک و ندادنده‌ای از آسمان.<sup>۲</sup>

۴. راوی گوید:

نزد امام باقر علیه السلام بودم پس آن حضرت دو نشانه‌ای را بیان کرد که پیش از قیام قائم علیه السلام رخ می‌دهد و از زمان نزول آدم به زمین چنین رخ دادی نبوده است و آن عبارتست از خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و ماه گرفتگی در آخر آن. مردی به امام گفت: ای پسر رسول خدا این گونه نیست بلکه [عادت چنین است که] خورشید در آخر ماه و ماه در نیمه آن می‌گیرد! امام باقر علیه السلام به او فرمود: من به آن چه می‌گویم دانانم! این دو نشانه‌ای است که از زمان هبوط آدم علیه السلام نبوده است!<sup>۳</sup>

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عِ الْيَمَانِيِّ وَالسُّفْيَانِيِّ وَالْمُنَادِي يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَخَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ». (كمال‌الدین، ج ۲، ب ۵۷، ح ۱، ص ۶۴۹)

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مِنَ الْمُخْتَوِمِ الَّذِي لَا يُبَدُّ أَنْ يَكُونَ مِنْ قَبْلِ قِيَامِ الْقَائِمِ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَخَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ وَالْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ». (الغيبة نعمانی، ب ۱۴، ح ۲۶، ص ۳۷۲)

۳. عَنْ بَدْرِ بْنِ الْخَلِيلِ الْأَمْسَدِيِّ قَالَ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ آيَاتٍ تَكُونُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ تَكُنْ مُنْذُ أَهْبَطَ اللَّهُ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبَدًا وَذَلِكَ أَنَّ الشَّمْسَ تَنْكَسِفُ فِي التَّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْقَمَرَ فِي آخِرِهِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا بَلِ الشَّمْسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَالْقَمَرُ فِي التَّصْفِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لِأَعْلَمُ بِالَّذِي أَقُولُ إِنَّهُمَا آيَاتَانِ لَمْ تَكُنَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمَ». (همان، ح ۴۵)



## نکته‌هایی از روایات

### مفهوم علامت و علائم ظهور

۱. در بیان ائمه معصومین علیهم‌السلام، زمان ظهور مهدی علیه‌السلام مشخص نشده است ولی علائم و نشانه‌های فراوانی برای آن بیان گردیده است.
۲. علامت یا آیه به معنی نشانه‌ای است که بر مطلبی راهنمایی و دلالت می‌کند و موجب شناخت آن می‌شود. نشانه‌های ظهور، رخ داده‌هایی است که براساس پیش‌بینی معصومان علیهم‌السلام پیش از ظهور مهدی علیه‌السلام و یا در آستانه آن پدید خواهند آمد و تحقق هر یک از این نشانه‌ها نویدی بر نزدیک شدن ظهور قائم علیه‌السلام است.
۳. مهم‌ترین منابع روایات علائم، سه کتاب کهن شیعه، *الغیة نعمانی* (متوفای ۳۶۰ قمری)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة* اثر شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ قمری) و *الغیة طوسی* (متوفای ۴۶۰ قمری) است. در آثار اهل سنت هم کتاب‌های مختلف در این موضوع موجود است که مهم‌ترین آن *الفتن* اثر نعیم بن حمّاد (متوفای ۲۲۸ قمری) است که بسیاری از روایاتش به معصوم نمی‌رسد و حتی نزد اهل سنت هم معتبر نیست.

### برداشت نادرست از روایات علائم

۴. در دوره‌های مختلف از روایات علائم ظهور بهره‌برداری نادرست شده و ظهور مهدی علیه‌السلام قریب الوقوع دانسته شده است به این شکل که برخی از علائم ظهور را بر حوادث مشابه روز تطبیق می‌کرده‌اند ولی

با توجه به پیچیدگی روایات علائم و مشکل بودن تفسیر و توضیح آنها، تطبیق، کار مشکلی است.

۵. توجه به این نکته نیز لازم است که برخی از مواردی که در روایات به عنوان علائم ظهور بیان شده، پیش‌گویی‌های امامان درباره حوادث آینده مسلمین است و نامی از مهدی علیه السلام و ظهور او در آنها مطرح نشده است.

### دسته‌بندی علائم ظهور

۶. تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای علائم ظهور گفته‌اند مانند علائم عادی و علائم خارق‌العاده، علائم خاص و علائم عام، علائم دور و نزدیک به ظهور؛ ولی تنها یک تقسیم‌بندی در روایات بیان شده و آن تقسیم علائم به حتمی و غیرحتمی است.

۷. مقصود از علائم حتمی، علامت‌هایی است که قطعاً واقع خواهد شد و مراد از غیرحتمی مواردی است که ممکن است به خاطر وجود مانعی یا به جهت مصلحتی الهی واقع نشود.

### علائم حتمی ظهور

۸. از روایات فراوان استفاده می‌شود که پنج علامت حتمی برای ظهور امام مهدی علیه السلام وجود دارد: خروج سفیانی، خروج یمانی، خسف بیداء،<sup>۱</sup> قتل نفس زکیه و صحیة آسمانی،<sup>۲</sup> این علائم همه در آستانه

۱. خسف به معنی فرورفتن و بیداء نام سرزمینی است بین مکه و مدینه.

۲. درباره این علائم توضیح مختصری در ادامه نکات آمده است.

ظهور واقع خواهند شد.

۹. «سفیانی» عنصری پلید و فاسد است که طبق روایات فراوان پیش از ظهور مهدی علیه السلام از منطقه شام، قیام می کند و فساد زیادی مرتکب می شود و خون های بسیاری می ریزد. درباره ویژگی های او و خصوصیات قیام او، مطالب مختلفی در روایات آمده که همه آنها قابل اعتماد نیست.

۱۰. از روایات استفاده می شود که پیش از ظهور مهدی علیه السلام خسف های زمینی متعدد واقع می شود ولی آن چه در این میان مهم تر است، «خسف بیداء» است که برای لشکر سفیانی در میان مکه و مدینه واقع می شود و همه لشکر او جز یکی دو نفر نابود می شوند.

۱۱. مقصود از «خروج یمانی» قیام سرداری از یمن است که مردم را به حق و عدالت می خواند. این نشانه در کتب شیعه روایات فراوان دارد و از حوادثی است که در نزدیکی ظهور واقع می شود.

۱۲. «نفس زکیه» یعنی فرد بی گناه و پاک؛ برابر روایات فراوان که تنها در منابع شیعه آمده است او در نزدیکی ظهور و در بین رکن و مقام کنار خانه خدا) کشته می شود.

۱۳. «صیحه آسمانی» در روایات شیعه و سنّی مطرح شده که محتوای آن دعوت به حق و حمایت و بیعت با مهدی علیه السلام است و در بعضی روایات آمده که منادی آسمانی ندا می دهد که: انّ الحق فی علی و شیعتہ (= به راستی که حق با علی علیه السلام و پیروان اوست) یا انّ الحق فی آل محمّد علیهم السلام (= به راستی که حق در خاندان

پیامبر ﷺ است).

۱۴. از ظاهر روایات استفاده می شود که ندای آسمانی، معجزه‌ای الهی است تا در آستانه ظهور مهدی ﷺ، همه مردم زمین را از این روی داد عظیم آگاه سازد؛ بنابراین، این نشانه خارج از امور طبیعی عالم خواهد بود.

۱۵. در روایات، گاهی از ندای آسمانی، به «صیحه یا صوت یا فزعه» (به معنی فریاد) یاد شده که به نظر می رسد همه مربوط به یک حادثه است که ممکن است هر واژه اشاره به ویژگی خاصی از آن حادثه داشته باشد.

### سایر علائم ظهور

۱۶. «دَجَال» به معنی دروغ گوی حيله گراست. او در کتب اهل سنت از نشانه های قیامت و در منابع شیعه از علائم ظهور شمرده شده است و البته منافاتی ندارد چون وقتی از علائم ظهور باشد می تواند علامت قیامت هم حساب شود. مطابق روایات دجال پیش از قیام مهدی ﷺ می آید و با انجام کارهای شگفت انگیز، بسیاری را می فریبد و برابر بعضی از روایات سرانجام به دست عیسای مسیح علیه السلام در شام به هلاکت می رسد.

۱۷. بعضی از نشانه های ظهور، به نظر معجزه می آید مانند «طلوع خورشید از مغرب» و البته ممکن است بعضی از آنها که روایت صحیح و مستند دارد معنایی رمزی و کنایی داشته باشد و در این

صورت به یک امر عادی، تفسیر می شود.

۱۸. مطابق روایات شیعه و سنّی، کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در اوّل یا آخر همان ماه از نشانه‌های ظهور است (البته از علائم حتمی شمرده نشده است) و این امر بر خلاف عادت است و جریان عادی آن است که کسوف در روزهای نخست یا آخر ماه و خسوف در روزهای میانی واقع شود. ممکن است وقوع این امر، معجزه‌ای الهی برای اقامه حجّت بر مردم و مطمئن ساختن یاران حضرت به ظهور امام باشد.



## فصل سوم:

### وقت ظهور

یکی از نکات مهم درباره ظهور امام مهدی علیه السلام، مسئله وقت ظهور است. بعضی برای ظهور، زمانی را تعیین می کنند و برای این کار به برخی از علائم ظهور، استناد می کنند و حال آن که به تصریح روایات، زمان ظهور معلوم نیست و علائم ظهور اگر علامت بودن آنها قطعی باشد در بیشتر موارد تنها از وقوع ظهور در آینده خبر می دهد نه این که زمان ظهور را معین کند.

### روایات

۱. از امام باقر علیه السلام سؤال شد:

آیا برای این امر [فرج مهدی علیه السلام] وقتی [معین] هست؟ فرمود: آنها که وقت تعیین می کنند دروغ می گویند (و این جمله را دوبار تکرار فرمود).<sup>۱</sup>

---

۱. عَنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام: «هَلْ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ»

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقت تعیین کنندگان، دروغ می گویند. ما [اهل بیت علیهم السلام] نه در گذشته وقتی را تعیین کرده ایم و نه در آینده وقتی را مشخص خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

۳. راوی گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم:

مهدی علیه السلام چه وقت ظهور می کند؟ فرمود: همین سؤال از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیده شد و آن حضرت فرمود: مثل وقت ظهور او مثل قیامت است که جز ناگهانی نخواهد بود.<sup>۲</sup>

۴. راوی می گوید:

زند امام صادق علیه السلام بودم که «مهمز الاسدی» بر حضرت داخل شد و گفت: فدای شما شوم به من خبر دهید که این امر (فرج) که منتظر آن هستید چه وقت خواهد بود؟ زمان انتظار طولانی شده است! حضرت فرمود: ای مهمزم! وقت گزاران دروغ می گویند و آنها که [نسبت به این امر] عجله می کنند هلاک می شوند و آنها که اهل تسلیم باشند نجات خواهند یافت و به سوی ما در حرکتند.<sup>۳</sup>

الْوَقَاتُونَ كَذِبَ الْوَقَاتُونَ». (الغیبه، شیخ طوسی، ح ۴۱۱، ص ۴۲۶)

۱. عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «كَذَبَ الْمُؤَقَّتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَى وَلَا نُوَقِّتُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ». (همان، ح ۴۱۲، ص ۴۲۶)

۲. عن الكمیت بن المسهل قال دخلت علی سیدی ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام... قلت: «فمتی یخرج یابن رسو الله قال: لقد سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن ذلك فقال: انما مثله كمثل ساعة لانا تیکم الابغته». (کفایه الاثر، ف ۱، ب ۸، ح ۳۴)

۳. عن عبد الرحمن بن كثير قال: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مَهْمَزُ الْأَسَدِيِّ فَقَالَ أَخْبِرْنِي جَعَلْتُ فِدَاكَ مَتَى هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ فَقَدْ طَالَ فَقَالَ يَا مَهْمَزُ كَذَبَ



۵. محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای محمد هرکس به روایت از ما تعیین وقتی را به تو خبر داد هرگز از این که او را تکذیب کنی هراس نداشته باش که ما برای هیچ کس زمانی را (برای ظهور قائم علیه السلام) تعیین نمی کنیم.<sup>۱</sup>

## نکته‌هایی از روایات

### مخفی بودن زمان ظهور

۱. اگر قرار باشد برای ظهور مهدی علیه السلام وقتی تعیین شود باید این کار به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه معصومین علیهم السلام که معادن علوم الهی و گنجینه اسرار الهی هستند، انجام گیرد ولی هیچ یک از امامان، وقتی را برای ظهور معین نکرده‌اند. (حدیث ۲ و ۵)
۲. مطابق روایات، هرکسی جز امامان معصوم وقتی را برای ظهور معین کند، دروغ گفته است.<sup>۲</sup> (حدیث ۲ و ۵)
۳. هرکس با استناد به ائمه علیهم السلام زمانی را برای ظهور تعیین کند در هر جایگاهی باشد باید تکذیب گردد. (حدیث ۵)

---

الْوَقَائِدُ وَ هَلَكَ الْمُشْتَعِجُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ وَ إِلَيْنَا يَصِيرُونَ». (الغیبه، ح ۴۱۳، ص ۴۲۶)

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُوَقِّتُ لِأَحَدٍ وَ قَتْنَا». (همان، ح ۴۱۴؛ الغیبه النعمانی، ب ۱۶، ح ۳، ص ۴۰۵)

۲. خواننده محترم توجه داشته باشد که گاهی افرادی سودجو، دروغی را به فردی از عالمان الهی نسبت می‌دهد که در واقع آن عالم اظهار نظری نکرده است و منشأ دروغ جای دیگر است و یا مطلب به گونه دیگری بوده و به صورت دقیق نقل نشده است.

۴. زمان ظهور به زمان قیامت تشبیه شده است از این جهت که هر دو ناگهانی و بدون اطلاع قبلی مردم است. البته در هر دو روی داد علائمی پیش از آنها اتفاق می افتد که نزدیکی آنها را خبر می دهد ولی به هر حال زمان دقیق آنها بر کسی معلوم نیست. (حدیث ۳)

۵. مقصود از تعیین وقت برای ظهور آن است که به طور مشخص سال و ماه و روز ظهور معین گردد نه این که گفته شود ظهور نزدیک است. «نزدیک بودن ظهور» امری است که با توجه به برخی علائم و حوادث جهان معلوم گردیده و به آن بشارت داده شده است.

### علت پنهان بودن زمان ظهور

۶. با این که از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام درباره وقت ظهور، سؤال شد آنها از پاسخ دادن، خودداری فرمودند؛ معلوم می شود که در «مخفی بودن وقت ظهور» مصلحتی نهفته است بنابراین همه باید تسلیم باشند و اصرار بی جا نداشته باشند.

۷. شاید یکی از دلایل پنهانی زمان ظهور، زنده ماندن روح امیدواری به فرج و تقویت آن باشد تا از این رهگذر شیعیان پیوسته در فکر کسب آمادگی از جهات مختلف برای ظهور امام خویش باشند و هرگز دچار یأس و غفلت نشوند، در دعای عهد می خوانیم:

اتهم بیرونه بعیداً و نراه قریباً؛

دشمنان خدا و بشریت، ظهور منجی را دور می پندارند و ما آن را نزدیک می دانیم!

این نگاه زیبا به آینده و این نور امید به دنبال پنهان بودن وقت ظهور پدید می‌آید و اگر معلوم گردد که ظهور در آینده‌ای دور خواهد بود امید و نشاط از دست می‌رود یا ضعیف می‌گردد.

### خطر هلاکت و سقوط

۸. آنها که پیوسته از وقت ظهور می‌پرسند در واقع برای تحقق آن، عجله می‌کنند یعنی خواستار این هستند که ظهور منجی حتی بدون آن که شرایط و زمینه‌های آن فراهم باشد اتفاق افتد! این گروه به طور طبیعی در دام شیادان می‌افتند و سخن وقت‌گذازان را باور می‌کنند و به آن دل خوش می‌شوند و وقتی در آینده مورد نظرشان، ظهوری رخ نمی‌دهد گرفتار یأس و نومیدی و گاهی سستی اعتقاد به امام زمان علیه السلام و حتی انکار وجود حضرت می‌شوند! به همین دلیل امام صادق علیه السلام فرمود: «هلک المستعجلون» (روایت ۴).

۹. نهی کردن از «عجله نسبت به ظهور» با دعا کردن برای «تعجیل ظهور و فرج» تفاوت دارد. اولی همان است که به هلاکت و سقوط منتهی می‌شود و از آن به «استعجال» تعبیر می‌گردد و دومی به معنی آن است که از خدا می‌خواهیم تا هرچه زودتر شرایط و زمینه‌های ظهور را فراهم کند تا ظهور منجی زودتر اتفاق افتد؛ این امری مطلوب و پسندیده است و این دعا و خواسته سبب می‌شود که آدمی برای اجابت این دعا تمام تلاش خود را به کار گیرد چون دعای حقیقی از عمل و تلاش انسان جدا نیست بلکه باید هماهنگ باشد. بنابراین

منتظر ظهور امام در عین حال که تسلیم اراده پروردگار است پیوسته  
برای نزدیکی ظهور دعا می‌کند و برای تحقق زمینه‌های آن می‌کوشد و  
این همان است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

و نَجَى الْمَسْلُومَ؛

آنها که اهل تسلیم هستند نجات یافته‌اند.

یعنی همه‌ی تلاش خود را می‌کنند ولی نسبت به وقت ظهور چون  
و چرایی ندارند و همیشه در فکر انجام وظیفه‌ی متناسب با زمان  
خود هستند.

## فصل چهارم:

### برکات ظهور امام مهدی علیه السلام

در روزگار امام مهدی علیه السلام و حاکمیت الهی او برکات فراوان مادی و معنوی نصیب زمین و اهل آن خواهد شد که بیرون از شماره است و روایات فراوانی از شیعه و سنی به بیان آنها پرداخته است. در این بخش، جلوه‌ای از دستاوردهای حکومت مهدی موعود علیه السلام را می‌بینیم:

۱. امام باقر علیه السلام:

وقتی قیام کننده ما قیام کند، خداوند دست خود بر سر بندگان نهد پس عقل‌های ایشان را به این وسیله جمع کرده و اخلاق آنها را کامل کند.<sup>۱</sup>

۲. امام باقر علیه السلام درباره آیه « آنها که اگر در زمین به آنها امکانات دادیم نماز را به پا داشته و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت امور برای خداست » فرمود:

---

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: « قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَهُمْ وَغَوَّلَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ ». (الكافی، ج ۱، ص ۲۵، کتاب العقل والجهل، ح ۲۱)

این آیه برای خاندان پیامبر ﷺ و مهدی ﷺ و یاران اوست. خداوند مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را به ملک آنها درآورد و دین را (به سبب ایشان) غالب سازد و خدا به وسیله ایشان صاحبان بدعت و باطل را بمیراند، همان‌گونه که سفیهان، حق را می‌رانند، تا آن‌گاه که اثری از ظلم نماند و [ایشان] به معروف امر می‌کنند و از منکر بازمی‌دارند و نهایت کارها از آن خداست.<sup>۱</sup>

### ۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی که قائم از ما [اهل بیت علیهم السلام] به رعب [و وحشتی از جانب خدا در دل دشمنان] یاری می‌گردد و به نصر [از طرف خدا] تأیید می‌شود. زمین برای او پیچیده می‌گردد و گنج‌ها [اسلام] را بر همه ادیان غلبه می‌دهد، گرچه مشرکان خوش نداشته باشند و سلطنت او به مشرق و مغرب عالم می‌رسد و هیچ ویرانه‌ای در زمین نمی‌ماند مگر این‌که آباد می‌شود و روح الله عیسی بن مریم علیه السلام [از آسمان] پایین می‌آید و پشت سر او به نماز می‌ایستد.<sup>۲</sup>

۱. عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله عزوجل: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمُّؤُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَبِاللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (سوره حج، آیه ۴۱)، قَالَ هَذِهِ لِأَنَّ مُحَمَّدَ الْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابَهُ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَسَارِقِ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا وَيُظْهِرُ الَّذِينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ وَأَصْحَابَهُ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقُّ حَتَّى لَا يَرَى أَثَرَ مِنَ الظُّلْمِ وَبِأُمُورٍ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَبِاللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (بحار، ج ۵۱، ص ۴۷، ب ۵، ح ۹؛ نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۰۶، ح ۱۶۱۱).

۲. عن الصادق علیه السلام قال: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَطْهَرُ لَهُ الْكُتُوبُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ بِهِ اللَّهُ دِينَهُ عَلَى الَّذِينَ كَلَبَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمَرَ وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ

۴. امام علی علیه السلام فرمود:

خدا به وسیله ما شروع کرده و به وسیله ما پایان می دهد و به وسیله ما آن چه را اراده کند محو کرده و ثابت می گذارد و به وسیله ما زمان سختی ها را برطرف می کند و به وسیله ما باران می فرستد. پس شیطان شما را نسبت به خدا نفریبد [و گمراه نکند]. از زمانی که خداوند باران را نگه داشته قطره ای نباریده و وقتی قائم علیه السلام قیام کند آسمان باران می بارد و زمین گیاه خود را می رویاند و کینه از دل های بندگان برود و درندگان و چهارپایان سازگاری کنند [و چنان گردد که] زنی بین عراق تا شام راه رود و قدم جز بر سبزه نگذارد و در حالی که زینت و زیورش را بر سر نهاده از سوی هیچ درنده ای تهدید نگردد [و در امنیت کامل باشد].<sup>۱</sup>

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم علیه السلام قیام کند به عدالت حکم می کند و در روزگار او ظلم برداشته می شود و راه ها امن می گردد و زمین برکات خود را

---

فَيُصَلِّي خَلْفَهُ. (منتخب الاثر، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۱۱۰۵؛ به نقل از الغيبة للفضل بن شاذان؛ كفاية المهتدي، ص ۲۱۲، ذیل ح ۳۹).

۱. فی حدیث طویل عن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام جاء فیه: بِنَا يَفْتَحُ اللهُ وَبِنَا يَخْتِمُ اللهُ وَبِنَا يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَبِنَا يَثْبُتُ وَبِنَا يَدْفَعُ اللهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَبِنَا يَنْزِلُ الْعَيْثُ فَلَا يَغْرَبُكُمْ بِاللَّهِ الْعَزُورُ مَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَةً مِنْ مَاءٍ مُنْذُ حَبَسَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَدَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَيْبِلُهَا لَا يَهَيِّجُهَا سُبُعٌ وَ لَا تَخَافُهُ... (الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶؛ بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ب ۲۷، ح ۱۱ و فیه: «و علی رأسها زيبيلها»)

بیرون می‌ریزد و هر حقی به صاحبش برمی‌گردد و هیچ اهل دینی نمی‌ماند مگر آن که اظهار اسلام کرده و به ایمان اعتراف می‌کنند. آیا نشنیده‌ای سخن خدای عزوجل را که می‌فرماید: «و برای او همه آنها که در آسمان و زمین هستند تسلیم می‌گردند با رغبت و یا کراهت، و به سوی او برمی‌گردند». او بین مردم به حکم داود عَلَيْهِ السَّلَامُ و حکم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داوری می‌کند. پس در این هنگام (وقت ظهور) زمین گنج‌های خود را ظاهر ساخته و برکات خود را آشکار می‌کند و در آن روز کسی از شما جایی برای (پرداخت) صدقه و احسان خود نمی‌یابد. چون بی‌نیازی همه مؤمنان را دربرگرفته است. پس فرمود: به درستی که دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ اهل بیت صاحب دولتی نمی‌ماند مگر آن که پیش از ما مالک و حاکم می‌گردد تا وقتی شیوه و روش ما را در هنگام حاکمیت دیدند نگویند اگر ما نیز مالک و حاکم می‌شدیم مثل اینان رفتار می‌کردیم و این همان سخن خدای متعال است که: «و نهایت کار برای پرهیزگاران است»<sup>۱</sup>.

---

۱. عن ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ قال: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَأَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَالْبَيْتُ يُرْجَعُونَ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۸۳) وَحَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي بَرَكَاتِهَا وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِيَصَدَّقْتَهُ وَلَا لِيَبْرَهُ لَشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدَّوَلِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ يَبْتَئِ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكَوْا قَبْلَنَا لِنَأْلا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكَتْنَا سِرَّتَنَا بِمَثَلِ سِيرَةِ هُوَلَاءَ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾. (سوره اعراف، آیه ۱۲۸) (كشف الغممه، ج ۲، ص ۴۶۵ - ۴۶۶)



۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

علم بیست و هفت حرف است. پس همه آن چه انبیاء آورده اند، دو حرف از علم است و مردم تا امروز جز دو حرف از علم را نشناخته اند. وقتی قائم علیه السلام قیام کند، ۲۵ حرف (دیگر) را بیرون آورد و در میان مردم نشر دهد و آن دو حرف سابق را به آن ضمیمه سازد تا آن که (همه) بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر سازد.<sup>۱</sup>

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا قائم ما وقتی قیام کند، خداوند عزوجل قوه شنوایی و بینایی شیعیان ما را تقویت خواهد کرد چنان که بین آنها و حضرت پیکی نخواهد بود<sup>۲</sup> و آن حضرت در حالی که در جای خود مستقر است با شیعیان [در نقاط مختلف عالم] سخن خواهد گفت و آنان خواهند شنید و به او نگاه خواهند کرد.<sup>۳</sup>

---

۱. عن ابی عبد الله علیه السلام قال: الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا. (مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۱۷؛ منتخب الانوار المضئیه، ص ۲۰۱؛ البحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶،

ب ۲۷، ج ۷۳)

۲. این ترجمه بنا بر بعضی از نسخه ها است که روایت با کلمه «لا یكون» نقل شده است ولی طبق بعضی دیگر از نسخه ها که کلمه «یکون» آمده معنی روایت این است که آن حضرت از فاصله یک برید (چهار فرسخ) با شیعیان سخن می گوید و آنها می شنوند و او را می بینند. و به هر حال معنی روایت روشن است.

۳. عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ - يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي

مَكَانِهِ.» (روضة الكافی، ص ۱۶۴، ج ۳۲۹؛ بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ح ۷۲)

## نکته‌هایی از روایات

از بررسی روایات دوره ظهور، روشن می‌شود که در آن زمان تحولی بزرگ در همه زمینه‌ها رخ می‌دهد. جامعه بشری که در زمینه‌های مختلفی مانند عقل و اخلاق و روابط فردی و اجتماعی به انحطاط و پستی کشیده شده است در دوره ظهور به شکوفایی و کمال می‌رسد و همه عقب‌ماندگی‌ها را جبران می‌کند و حتی در آن زمینه‌هایی که پیشرفت کرده است به وضعیتی بهتر و مطلوب‌تر دست می‌یابد. آن روزنه فقط بشریت که زمین و زمان شکوفا می‌گردد و برکات مادی و معنوی آشکار می‌شود. حال با توجه به روایاتی که مرور کردیم به نکته‌هایی اشاره می‌کنیم:

### شکوفایی عقل و کمال اخلاقی

۱. «عقل و اخلاق» دو مشخصه مهم انسان است که زندگی حقیقی او به این دو بستگی دارد و به همین جهت در قرآن و روایات اسلامی با اهمیت شمرده شده است. آیات فراوانی به تعقل و خردورزی دعوت کرده و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدف از بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق دانسته است.<sup>۱</sup> در دولت موعود که بر محور قرآن و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواهد بود، به رشد عقلی و کمال اخلاقی انسان، اهمیت ویژه‌ای داده خواهد شد. (حدیث ۱)

۱. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (میزان الحکمة، ح ۵۰۵۸؛ به نقل

از کنز العمال، ح ۵۲۱۷)

۲. جریان «دست خدا بر سر خلق» که در دولت کریمه مهدی اتفاق می افتد کنایه از برخورداری مردم از تربیت الهی است که سبب رشد عقلانی و تکامل اخلاقی مردم می شود و پس از یک دوره طولانی که هوی و هوس ها و ناهنجاری های اخلاقی در جامعه رایج بوده زمان حکومت عقل و اخلاق فرامی رسد و همه خوبی ها و زیبایی ها از همین نقطه آغاز می شود. (حدیث ۱)

۳. وقتی هوی و هوس ها محور تصمیم گیری و عمل افراد باشد تنها به منافع شخصی فکر می شود و همه چیز به دنیا و مادیات ختم می شود و جایی برای عدالت و انصاف و اخلاص و مهرورزی و نوع دوستی نمی ماند و وقتی عقل محور باشد جایی برای کینه و حرص و دنیاپرستی نیست بلکه فضا، فضای صمیمیت و محبت و خداخواهی و اخلاق نیکوست و مهدی موعود علیه السلام بشارت دهنده چنین عقلانیت و اخلاقی برای جامعه بشری است.

### حکومت و دین جهانی

۴. در دولت مهدی علیه السلام حکومت واحد جهانی شکل می گیرد و همه جهان با مدیریت معصوم که انسان کامل و حجت خداست نظام می گیرد و وعده قرآن مبنی بر جهانی شدن اسلام تحقق می یابد. همه به اختیار، مسلمان می شوند و به امام عصر علیه السلام ایمان می آورند.<sup>۱</sup>

---

۱. درباره وجود پیروان سایر ادیان در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام اختلاف نظر است و البته بعید نیست که وجود داشته باشند ولی با رعایت قوانین اسلامی زندگی کنند

(حدیث ۲ و ۳)

۵. تشکیل حکومت واحد جهانی با توجه به توسعه ارتباطات و نیز هم‌سویی عقاید و آرمان‌های مردم زمین امری ممکن و آسان است؛ زیرا آن‌چه مردم را متفرق و پراکنده می‌کند اختلاف اعتقادی و اخلاقی است و چون در زمان ظهور، حق آشکار می‌شود و مردم به فطرت الهی خود به حق گرایش پیدا می‌کنند، زمینه نزدیکی و یکی شدن ملت‌ها فراهم می‌گردد.

#### عدالت جهانی در همه بخش‌ها

۶. وقتی دولت مهدی موعود علیه السلام حاکم می‌شود، حق و عدل فراگیر می‌شود به گونه‌ای که هیچ زاویه‌ای از زوایای زندگی بشر - چه در جنبه فردی و چه در جنبه اجتماعی - باقی نمی‌ماند که در آن ظلم و ستم باشد چون از طرفی، حکومت و شخص حاکم در پی اجرای عدالت است و شخص امام، عدالت مجسم است و از سویی دیگر مردم با کمال اخلاقی و رشد عقلانی از بی‌عدالتی گریزانند. بنابراین توفیق حکومت مهدی علیه السلام در اجرای عدالت در سطح عموم به دلیل عدالت‌پذیری مردم و عدالت‌محوری حاکمان است.

۷. گستردگی عدالت در زمان ظهور به گونه‌ای است که فرموده‌اند «حق هر صاحب حقی داده می‌شود» و عدالت‌محوری امام چنان است که به طور مطلق فرموده‌اند او به عدالت حکم می‌کند و هر

---

اما با توجه به بشارت‌های قرآنی و روایات، جمعیت زیادی را تشکیل نمی‌دهند.

ستمی در روزگار او برطرف می‌شود و نیز درباره شیوه حکم او آمده است که بسان داود نبی ﷺ حکم می‌کند که او بر اساس علم خود - که از علم الهی بود - حکم می‌کرد و در این صورت هیچ‌گونه ظلمی - حتی در ظاهر - اتفاق نمی‌افتد. (حدیث ۵)

### امنیت همگانی در همه حوزه‌ها

۸. امنیت از نعمت‌های بزرگ الهی است که بدون آن زندگی - حتی در اوج رفاه و دارایی - مفهوم واقعی ندارد و می‌بینیم که در جامعه پیش از ظهور، بشر از ناامنی در حوزه‌های مختلف زندگی هم چون جان و مال و آبرو به شدت رنج می‌برد ولی در روزگار ظهور موعود، جامعه‌ای سراسر امن و آرام، شکل می‌گیرد؛ جان و مال و آبروی مردم - در هر طبقه‌ای باشند - محترم و محفوظ است به گونه‌ای که عبور از یک مرز به مرز دیگر برای یک زن - که عنصری آسیب‌پذیرتر نسبت به مرد است - بدون هیچ تهدیدی، امکان‌پذیر است. (حدیث ۴ و ۵)

۹. امنیت زمان ظهور در روایات مختلف و با تعبیرهای گوناگون مطرح شده است. بعضی از روایات با صراحت از امنیت، سخن گفته است مثل این که فرموده «راه‌ها» امن خواهد بود و به گونه‌ای است که یک زن با زیور و زینت خود به تنهایی سفر می‌کند و از کشوری به کشور دیگر می‌رود ولی هیچ تهدیدی برای او نیست و بعضی از روایات از تعبیر کنایه‌ای استفاده کرده و فرموده درندگان با هم آشتی می‌کنند و گرگ و میش کنار هم قرار می‌گیرند که این بیانات به معنی نهایت

امنیت و آرامش و سازگاری موجودات است و این که امنیت در آن زمان، امنیتی فراگیر و عمومی است. (حدیث ۴)

۱۰. امنیت در زمان ظهور از بشارت‌ها و وعده‌های قرآنی به مؤمنان نیز هست زیرا وقتی در آیه ۵۵ سوره نورا از حاکمیت مؤمنان و جهانی شدن دین آنها در آینده خبر می‌دهد به عنوان وعده سوم از امنیت آنها در آن زمان هم خبر داده است و این آیه یکی از آیات روشن دربارهٔ جامعه مهدی موعود است زیرا که این وعده‌ها تاکنون اتفاق نیفتاده است.<sup>۱</sup>

#### صفا و صمیمیت و همدلی مردم

۱۱. از برکات مهم دوران ظهور، نزدیکی دل‌ها و مهربانی انسان‌ها نسبت به یک دیگر است و این امر به سبب گسترش فرهنگ قرآنی و سنت معصومین علیهم‌السلام است. در آن زمان کینه‌ها از دل‌ها می‌رود و به جای آن دوستی و یک‌رنگی و اعتماد متقابل می‌نشیند و این خود نمونه‌ای دیگر از امنیت روانی و اخلاقی در زمان ظهور است. (حدیث ۴)

۱۲. روشن است که همدلی و صمیمیت بین افراد، مادر بسیاری از خوبی‌هاست. همان‌طور که کینه و بددلی، ریشه‌ی خیلی از بدی‌ها و نابسامانی‌هاست. همدلی و دوستی، اعتماد میان افراد را تقویت

۱. در بخش «امام مهدی در قرآن» از این کتاب به طور مشروح راجع به این آیه بحث شده است.

می‌کند و حسّ تعاون و همکاری اجتماعی را افزایش می‌دهد. چنان‌که کینه و قهر سبب از بین رفتن اعتماد متقابل و کم‌شدن همکاری و کمک‌رسانی افراد جامعه به یک‌دیگر است و این معضل از مشکلات بزرگ دوران پیش از ظهور است!

### ریشه‌کن شدن فقر از جامعه بشری

۱۳. در دولت موعود علیه‌السلام که حق و عدل حاکم می‌شود و خداپرستی و آخرت‌جویی فراگیر می‌گردد برکات آسمان و زمین به طوری سابقه‌بر مردم نثار می‌شود.<sup>۱</sup> آسمان بی‌دریغ می‌بارد و زمین پیوسته رویش دارد از همه نوع و همه صنف! هم گنج‌ها و ذخایر خود را بیرون می‌ریزد و هم انواع گیاه و نبات را می‌رویاند و همه جا را سبزی و خرمی فرا می‌گیرد! (حدیث ۴ و ۵)

۱۴. وقتی حاکم جامعه عادل باشد و مردم عدالت‌پذیر و غم‌خوار و دوست‌یک‌دیگر باشند و برکات الهی هم فراوان باشد، بستر مناسب برای از بین رفتن فقر از همه افراد جامعه فراهم می‌شود و به همین دلیل در جامعه موعود فقیر یافت نمی‌شود و گیرندهٔ صدقه و زکات نخواهد بود.

۱۵. با توجه به روایات فراوان، در دولت مهدی علیه‌السلام که حکومت خدا

---

۱. قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کنند، برکت‌های آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم... (سوره اعراف، آیه ۹۶)

بر زمین است همان‌طور که به رشد معنوی انسان‌ها اهمیت بالایی داده می‌شود و وسیله تقرب و کمال انسان‌ها فراهم می‌گردد همان‌گونه به جنبه مادی و رفاه دنیوی آنها نیز توجه می‌شود. یعنی حاکمیت به معاد و معاش مردم - هر دو - توجه دارد. (حدیث ۵)

### تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد

۱۶. جامعه اسلامی، جامعه تعهد و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها نسبت به یک‌دیگر است. چنان‌که قرآن فرموده است؛<sup>۱</sup> و در حکومت مهدی علیه السلام که بر اساس قرآن عمل می‌کند این واجب قرآنی (یعنی امر به معروف و نهی از منکر) در سطح حاکمان و توده مردم زنده خواهد شد و همگان به این وظیفه اسلامی و انسانی عمل خواهند کرد. (حدیث ۲)

۱۷. وقتی در جامعه‌ای، مردم نسبت به حاکمان و نیز در سطح جامعه نسبت به یک‌دیگر تعهد و دل‌سوزی داشته باشند و در مقابل عمل خوب و بد آنها واکنش نشان دهند، خوبی و صلاح رواج یافته و بدی و تباهی رو به کاهش خواهد گذاشت و به برکت این نظارت عمومی و همگانی جامعه‌ای سالم و صالح شکل خواهد گرفت. بنابراین رمز سلامت جامعه موعود و زیبایی آن، عمل کردن بر اساس آموزه‌های قرآنی است و این‌گونه نیست که مردم و جامعه بی‌اختیار و ناخواسته و به وسیله اعجاز خدا و امام، صالح شوند! و یک شبه همه

۱. اشاره است به آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم آورده شده است امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید. (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰)



بدی‌ها دفن شود!

۱۸. از الگویی که روایات دربارهٔ جامعه ظهور ارائه کرده است می‌توانیم به نفع امروز خود بهره بگیریم و با ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در سطح مردم و حاکمان از بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی جلوگیری کنیم و راه را برای ترویج ارزش‌ها و اخلاق اسلامی هموارتر کنیم.

### پیشرفت علمی و رشد ارتباطات

۱۹. امام مهدی علیه السلام میراث دار علوم همه انبیاء و اولیاء است و در زمان او و به برکت ظهور او، دوره شکوفایی علم پدیدار می‌شود و بشر به چشمه‌های جدیدی از علم دست می‌یابد که قابل مقایسه با دوره پیش از ظهور نخواهد بود. (حدیث ۶)

۲۰. پیشرفت‌های علمی دوره ظهور در حوزه‌های مختلف خواهد بود از جمله این که «ارتباطات» رشد عجیبی خواهد کرد، به گونه‌ای که مطابق روایات، مردم در شرق و غرب زمین با سرعت و سهولت با هم ارتباط خواهند داشت و هرکس در هر نقطه‌ای که باشد مهدی علیه السلام را خواهد دید و سخن او را خواهد شنید.<sup>۱</sup> (حدیث ۷)

۲۱. ارتباطات سریع خود یکی از ابزارهای تحقق جامعه جهانی و حکومت واحد است و شاید یکی از عوامل غیبت، فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای شکل‌گیری حکومت جهانی باشد که از جمله

---

۱. البته رشد ارتباطات ممکن است نوعی اعجاز و امداد غیبی الهی هم باشد و به هر حال این واقعیتی است که در دوره ظهور به وقوع می‌پیوندد.

آنها مسئله «ارتباطات» است.

۲۲. آن چه از برکات دوران ظهور بیان شد بخشی از نتایج حکومت صالحان بر زمین است که به خوبی بیان گر ضرورت برپایی چنین حکومتی است که آرزوهای بشر را هم عملی خواهد کرد و البته زیبایی‌های دوره طلایی حکومت مهدی علیه السلام بیش از آن است که در قلم و بیان بگنجد.<sup>۱</sup>

---

۱. درباره این موضوع کتاب‌های مفصلی نوشته شده است. برای نمونه نک. به:

چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام نوشته آقای نجم‌الدین طوسی.

## سخن پایانی

امام مهدی علیه السلام حقیقتی است فراتر از درک و فهم بشر و خورشید عالم افروزی است که دست و دیده ما از او کوتاه است ولی تلاش کردیم پرتوی از سیمای تابناک او را در آینه کلمات معصومان علیهم السلام ببینیم تا به سهم خود از تماشای جمال بی مثالش بهره‌ای برده باشیم و در پایان خاضعانه به پیشگاه مقدسش عرض می‌کنیم:

«... يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»<sup>۱</sup>

---

۱. سوره یوسف، آیه ۸۸.



## كتابنامہ

قرآن كريم

۱. نهج البلاغه

۲. مفاتيح الجنان

۳. ابن ابى الحديد، ابو حامد عبد الحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقيق:

محمد ابوالفضل ابراهيم، بى جا: دار احياء الكتب العربية، بى تا.

۴. ابن حجر هيتمى، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، لبنان، مؤسسة الرسالة،

چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

۵. ابن صباغ المالكى، على بن محمد، الفصول المهمة فى معرفة الاثمة، تحقيق:

سامى الغيرى، قم، دار الحديث، ۱۳۷۹ش.

۶. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الاثمة، مصحح: هاشم رسلى

محللاتى، تبريز، بنى هاشمى، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.

۷. بحرانى، سيد هاشم بن سليمان، البرهان فى تفسير القرآن، قم، قسم الدراسات

الاسلامية، مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

۸. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، لبنان، دار الفكر، ۱۴۰۱ق.

۹. بهاء الدین نیلی نجفی، علی بن عبد الکریم، *منتخب الانوار المضية*، قم، مطبعة الخيام، ۱۳۶۰ ش.
۱۰. تفتازانی، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، پاکستان، دارالمعارف النعمانية، ۱۴۰۱ ق.
۱۱. جوادی آملی، عبد الله، *امام مهدی موجود موعود*، قم، اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. جوینی، ابراهیم، *فرائد السمطين*، تحقیق: محمد باقر محمودی، ایران، دارالحبيب، ۱۴۲۸ ق.
۱۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، مكتبة العصرية، بی تا.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
۱۵. حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر بصائر الدرجات*، نجف، حیدریه، ۱۳۷۰ ق.
۱۶. حویزی، علی بن جمعه، *نور الثقلین*، تصحیح و تعلیق: رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، حسینی کوه کمری، قم، بیدان، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.
۱۸. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۹ ق.
۱۹. \_\_\_\_\_، *علل الشریع*، قم، داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. \_\_\_\_\_، *معانی الاخبار*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ق.
۲۱. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، *کتاب الغیبة*، قم، موسسه المعارف الاسلامیة، چاپ دوم ۱۴۱۷ ق.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، قم، موسسه حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ ق.
۲۳. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین

- حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۴. طبرانی، *المعجم الاوسط*، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الكبير*، موصل، مكتبة الزهراء، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۶. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم، آل البيت علیهم السلام چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲۹. فیض کاشانی، محمد محسن، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین علیهم السلام چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۳۰. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة*، قم، نشر شریف المرتضی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ق.
۳۲. کورانی، علی، *معجم احادیث الامام المهدي* علیه السلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۳۳. منقی هندی، علاء الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، لبنان، موسسه الوفاء، ۱۴۰۹ق.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، نشر موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، تهران، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ش.
۳۶. مشهدی، محمد بن محمد رضا، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.

۳۷. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی بن علی، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره، مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۳۹. موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم*، ترجمه: حائری قزوینی، قم، نشر مسجد جمکران، ۱۳۸۳ق.
۴۰. نعمانی، محمد ابراهیم، *الغیبه*، تصحیح غفاری، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.